انتشارات دانشگاه تهران

۵۲۱



تألیف

پروفسور اندوشیکهر

استاد سنسکریت در دانشگاه راجپوتانا

واستاد سنسکریت و هندشناسی در دانشگاه تهران

تهران

۱۳۳۷

چاپخانه دانشگاه

تقدیم به دوستداران ادبیات هند و ایران

نها ٦٠ ريال

بخامه استاد پورداود

دیباچه

این نامه که در شمار دبستان سانسکریت است نخستین نامه‌ایست در این زمینه بزبان فارسی. نگارندهٔ دانشمند آن آقای دکتر ایندو شکهر Indu Shekhar اینک دو سال است که استاد این زبان [illegible] است در دانشگاه تهران.

نگارندهٔ این دیباچه شاد است از اینکه این چند سطر را در سر این نامه بیادگار میگذارد، چه ایجاد کرسی چنین درسی در ایران از اوست.

در دوازده سال پیش از این از راه هند بدستیاری سفیر آن در تهران درخواستم که استادی از برای تدریس سانسکریت به آموزشگاه عالی ایرانشناسی به ایران بفرستند تا گواهی این زبان، که خویشاوندی نزدیک هند و ایرانیان بهمدیگر بهتر نموده شود. نخستین استاد این زبان در پایان سال ۱۳۲۰ خورشیدی بتهران رسید. گروهی از دانشجویان آن آموزشگاه دانستند که زبانهای اوستایی و پارسی باستان را بستگان گرانمایه و ارجمندی است بنام سانسکریت و آنچه از ما با از میان رفتن بخشی بزرگ از اوستا از دست رفته از نامهٔ آسمانی ودا Veda میتوان بدست آورد.

از بخت بد پس از سه سال نتوانستم آن آموزشگاه را پایدار بدارم. پس از آن از رئیس دانشگاه آن وقت جناب دکتر علی اکبر سیاسی درخواستم که

۱۷۷۱ انتشار یافته بود، دریافت که ترجمهٔ او اساس درستی ندارد[1] و باید از سانسکریت در نوی زبان کهنسال دیگر آریایی یعنی اوستا، او کمند جای سپاسگزاری است که از برای هندوان ذخیرهٔ همگفتی بجای مانده که امروزه بکار ایرانیان آید و بسا رمزهای ما را در ترجمهٔ اوستا و پارسی باستان در کار سازد

گذشته از نوشتههای فراوان دینی و داستانی و فلسفه و ستارهشناسی و پزشکی و جز اینها، کتابهای کهنسالی هم در دستور زبان سانسکریت مانده از آنهاست استادهیایی **Astadhyayi** از دانشمند **Panini** که زمان او را سده چهارم یا پنجم پیش از مسیح دانستهاند و دستوری که در توضیح گرامر پانینی است و موسوم است به مهابهاسیه **Mahabhasya** تألیف دانشمند **Patañjali** زمان او را نیز در سده دوم پیش از میلاد مسیح دانستهاند و جز اینها

برخی از دانشمندان اوستا و سانسکریتدان چون بارتولومه **Bartholomae** که درسال ۱۹۲۵ میلادی درگذشت از برای نشان دادن خویشاوندی زبان دو گروه آریایی (ایرانیان و هندوان) با همدیگر یک جمله اوستایی را برگزیده، در زیر هر کلمه معادل سانسکریت آن را نوشته، بر همان قاعدهٔ صرف و نحوی آن جمله اوستا را بآن کلمات سانسکریت اجرا کرده، اینچنین یک جمله درست سانسکریت ساختهاست گذشته از نزدیکی لغات زبان این دو گروه بهمدیگر، بسا هم طرز سخن و تعبیرات در اوستا و ودا **Veda** یکسان است

چون وجه تشابه زبان اوستایی با سانسکریت بسیار است و این مختصر گنجایش برشمردن آنها را ندارد، باید کوتاه بگذریم در پایان یادآور میشویم یک رشته لغاتی که درزبان فارسی داریم، معادل آنهارا در اوستا و سنگ‌نبشتههای پارسی

۱ـ انکتیل درسالهای ۱۷۶۱ ۱۷۵۸ در سورت (ازشهرهای هند) اوستا را نزد یکی از دستور داراب از پارسیان هند معانی سستی اوستا را که بنیاد استواری نداشت او گرفت و او از روی همان یادداشتها ترجمه اوستای خود را مرتب ساخت

کرسی زبان سانسکریت را درخود دانشکدهٔ ادبیات پایدار ندارد از آن تاریخ است که دانشگاه تهران ازچنین درس سودمندی برخوردار است

همه دانشگاه های بزرگ اروپا و امریکا از چنین درسی بهره‌ور است ، دانشگاه تهران نیز از آن برخوردار است ، چه این زبان با زبانهای باستانی ایران چون اوستائی و پارسی باستان فقط تفاوت لهجه دارد این است که این زبانهای آریائی را خواهران همدیگر خوانده‌اند آری این زبانها را یك ریشه و بنیاد است و هر یك بجای خود زبان خود گویش نیاکان ما بود چنانکه میدانیم از زبان اوستائی چهار یك آن بجا مانده و از زبان پارسی باستان همان اندازه بجاست که در سنگنبشتهای پادشاهان هخامنشی کنده‌گری شده‌است کم و کاست زبانهای ایران زمین را بخوبی با زبان دیرین هند جبران میکنند

باید یادآور شد که در سدهٔ نوزدهم میلادی برخی از دانشمندان ، از برای دریافتن مفهوم درست اوستا بسانسکریت روی آوردند و از چهار دیوار گزارش سنتی نامهٔ دینی ایرانیان که بنیاد استواری نداشت درآمدند همچنین بسیاری از واژه‌ها و جمله‌های اوستا را که دست زمان و آسیب روزگار دوراز فهم کرده بود دیگرباره روشن کردند

از کارهای بزرگی که بورنوف Burnouf با سنجش واژه‌هایش هات (فصل) اول یسنا را با یادداشتهای فراوان در سال ۱۸۳۳ و هات نهم یسنا را در سالهای ۱۸۴۶ – ۱۸۴۰ میلادی انتشار داد از سانسکریت‌شناسی دانهٔ نامی گروف در همان زمان دانشمند آلمانی بوپ Bopp به سنجش زبانهای هند و اروپا بهمدیگر پرداخت و پیوستگی زبانهای آریائی هند و ایران بهمدیگر هویدا شد

[illegible] ترجمهٔ سانسکریت نریوسنگ Neryosang ، موبد پارسیان [illegible] سدهٔ [illegible] میلادی ، راهنما گردید بورنوف با سنجیدن ترجمهٔ سانسکریت نریوسنگ با ترجمهٔ فرانسه زندوستای انکتیل Anquetil که درسال

پیشگفتار

نیازی به شرح سبب انتشار کتاب حاضر نیست زیرا با اینکه بستگی بسیار نزدیکی میان زبان سنسکریت وزبانهای ایرانی وجود دارد پیش از این کتابی به فارسی دربارهٔ زبان سنسکریت بوسیلهٔ هیچیك از دانشمندان نوشته نشده است هنگام ورودم به ایران از این قصور در شگفت ماندم بویژه که کتابهای بسیاری در بارهٔ خودآموز زبان سنسکریت بهچندین زبان اروپایی در دست است در میان سخنرانیهای درسی خود در دورهٔ دکتری ادبیات فارسی بیشتر این قصور و کوتاهی را دریافتم و برآن شدم که با تقدیم کتاب خودآموزی درسنسکریت این شکاف را پرکنم تا دانشجویان و دوستداران این زبان با خواندن آن بهرهیی برگیرند ولی پس ازآن آگاه شدم که این کار چنانکه چشم داشتم آسان نبود بلکه در دنبال این تصمیم سختیهای فراوانی پیش آمد که بی اندازه موجب پس افتادن انتشار این کتاب شد

نخستین مشکلی که بدان برخوردم آگاهی اندکم بود از زبان فارسی و این موضوع بستگی پیدا میکرد باینکه درسهای مرا دیگران بفارسی برگردانند بعضی از همکارانم که برای یاری خواستن نزدشان رفتم کارهای سودمندتری داشتند که اوقات ایشان را گرفته بود و من ناچار شدم از « معلّم معلّم » که منظورم دانشجویان و شاگردان خودم است یاری بخواهم حتی پس از اینکه مقداری از درسها بوسیله جناب آقای دکترمعین استاد دانشگاه تهران بهفارسی برگردانیده و آماده چاپ شد همهٔ آنها یکجا با نسخههای اصل بدست مستخدم بیاحتیاطی گم شد و این پیش آمد مرا سخت غمگین و دلسرد کرد پس از چندی دوباره با گذراندن چهارماه وقت درسها را آماده کردم و بهچاپخانهسپردم از اینجا بسیاری

باستان نمی‌نامم ، زیرا آنچنانکه گفتیم بخش بزرگ اوستا از دست‌رفته و بپشتهای پارسی باستان‌هم باندازه‌ی بسنده نیست که هیشتهای باستانی بیش‌ازپانصدواژه زبان کنونی ما در آنها یافت شود از آن واژه‌هاست فرموشیدن = فراموشیدن = فراموش کردن (در سانسکریت پر + مرس pra + marsh) ، همچار (در سانسکریت Sañcara) ، ناهار (در سانسکریت آهار āhāra غذا ، از همین بنیاد است آهار درفارسی)



۷- از آنجایی که فارسی جدید کمتر دارای حالت مجهول (Passive-Voice) است برای کم کردن اشکال، مقدار لازمی از اینگونه حالتها را شرح دادم

۸- بخش مربوط به الفبا و خط «دوناگری» را برای آشناساختن دانشجویان به‌شکل وطرز این حرفها اضافه کردم

۹- چون دانشجویان بیشتر آشنا با خط لاتین هستند، بیشتر واژه‌های سنسکریت را به این خط آوردم ولی دانشجو می‌تواند آسانی با فراگرفتن خط دوناگری آنها را به‌این خط برگرداند وبتواند متن‌های سنسکریت را - که مقدار آنها کم نیست - فرا گیرد

در پایان باید ازهمکاران و دوستان و شاگردان خود که در این کار از هر نظر مرا یاری کرده‌اند سپاسگزاری کنم

جناب آقای استاد پورداود که بر این کتاب پیشگفتاری نوشته و مرحمت فرموده‌اند

جناب آقای دکتر محمد معین و آقای دکتر نگهبان استادان دانشگاه تهران

دوست گرامیم آقای آریان پور و دوست گرامیم آقای ماتور عضو سفارت کبرای هند

نیز از شاگردان خود مانند

آقای تقی هما ودوشیزه سودابه دهدشتی وبانو کریمی ودوشیزه بدری قریب وآقای هوشنگ جوانمرد و آقای محمدمسعود سادات‌ناصری، که درواژه‌نامه ونیز غلط‌گیری چاپخانه مرا یاری کرده‌اند، سپاسگزارم

وسرانجام از شاگرد باهوش وزیرك خود آقای احمد تفضّلی که بدون وجود همراهیهای مؤثر ایشان این کتاب مسلماً هنوز درمراحل ابتدایی چاپ باقی میماند و بدین‌صورت در نمی‌آمد، سپاسگزارم و تشکرات قلبی فراوان خود را بدو تقدیم می‌دارم

از مشکلها آغاز شد زیرا حروفچینان چاپخانه از نشانه‌های لاتین که برای واژه‌های سنسکریت بکار می‌رود آگاهی نداشتند و نمونهٔ اینگونه نشانه‌ها در چاپخانه نبود ولازم بود که ساخته شود ساخته‌شدن این نشانه‌ها بسیار به‌درازا کشید چنانکه در هر هفته بیش از یک نمونهٔ چاپی آماده نمی‌شد وسرانجام انتشار کتاب به‌تاخیر افتاد وبا کوشش بسیاری که در بی‌غلط بودن کتاب به‌کار رفت غلطهایی در کتاب راه یافت ولی اکنون شادمانم که کتاب منتشر شد و اگر یاری باشد بخش دوم آنرا نیز به خوانندگان تقدیم می کنم

در این کتاب ممکن است اشتباهات فراوانی دیده شود که باید بدیدهٔ عفو نگریسته شود و تنها خود را در آن مقصر می‌دانم و باید بگویم که « هرچه هست از قامت ناساز بی‌اندام ماست »

در اینجا لازم می‌دانم نکاتی را یاد آورشوم

۱ـ از آنجایی که زبان فارسی بطور شگفت‌آوری ساده شده است، واژه‌های دستوری سنسکریت برابری در فارسی ندارد و در واقع باید گفت که ساختمان دستوری زبان سنسکریت ویژهٔ خود آن است و هر کوششی برای برگرداندن اصطلاحات دستوری زبان سنسکریت گرفتاریهایی در بردارد

۲ـ دربخشی که بطور کوتاه از زبانهای آریایی وتاریخ کوتاهی که ازادبیات سنسکریت داده‌ام کوشیده‌ام که از مطالبی که موجب اختلاف است برکنار باشم و اگر درمواردی مورد پرسش قرار گیرم، قصوری کرده‌ام و آن نیز غیرعمدی است

۳ـ در ترتیب دادن دروس و قواعد ناچار شدم که حالت تثنیه را که دارای اشکالاتی بود حذف کنم

۴ ـ از ده نوع زمانها وجوه تنها پنج نوع آنها را آوردم زیرا بقیهٔ آنها برای دانشجویان پیچیده و مشکل است

۵ دسته‌ی حالتهای مبانی (Preposition) و کلمات غیر متصرف (Indeclinable) را در حرف دستهٔ قیود (Adverb) قرار دادم

۶ـ ریشه‌های حالتهای‌میانی (Middle-Voice) را بنهایت یک‌شماره محدود کردم

فهرست مندرجات

نیز از کارکنان و کارگران چاپخانهٔ دانشگاه که در کار چاپ نهایت کوشش را کرده‌اند، سپاسگزارم.

در پایان از اولیای دانشگاه که کتاب مرا جزو سلسله انتشارات دانشگاه قرار داده‌اند بویژه از جناب آقای دکتر سیاسی ریاست محترم دانشکدهٔ ادبیات که کوشش بسیار در انتشار این کتاب فرموده‌اند، سپاسگزاری می‌کنم.

امیدوارم که این نخستین کتاب فارسی دربارهٔ سنسکریت مورد استفادهٔ دانشجویان و دوستداران زبان سنسکریت قرار گیرد و راه را برای مطالعات بعدی در چنین موضوعی که میراث عمومی ماست هموار نماید و به روابط نزدیکتر میان هندو ایران کمک کند.

ایندوشیکهر

باشگاه دانشگاه تهران

اول اسفندماه ۱۳۳۷

موضوع	صفحه

موضوع | صفحه

نشانه‌های اختصاری

ABBREVIATIONS

a	adjective	(صفت)
adv	adverb	(قید)
f	feminine	(مؤنث)
ind	indeclinable	(غیرمنصرف)
int	intesjection	صوت
m	masculine	(مذکر)
n	neuter	(خنثی)
num	number	(عدد)
part	particle	(حرف)
pr pl	present participle	(اسم مفعول معلوم)
pt pl	past participle	(اسم مفعول مجهول)
pt pf	past perfect	(ماضی نقلی)
pro	pronoun	(ضمیر)
prop	name	(اسم خاص)
prep	preposition	(حرف اضافه)
v	verb	(فعل)
√	root of verb	(ریشهٔ افعال)



موضوع	صفحه

آغاز زبان سنسکریت

زبان سنسکریت زبانی است کهنه و متعلق به اقوام هند و ایرانی. این اقوام که بنظر محققان مختلف احتمالاً ابتداء در آسیای صغیر (دره دجله و فرات) تا نواحی دریاچه اورال در روسیه یا نواحی قطب شمال با اسبهای فراوانه میزیستند برای امرار معاش کوچ کردند و با تمدن و زبان خود در سرزمین‌های گوناگون پراکنده شدند. اقوام‌مزبور رفته رفته زبان خود را تکمیل کردند و آنرا توسعه دادند، و برای تسهیل کار میتوان آنرا زبان هند و اروپائی نام نهاد

این زبان دیرین اقوام هند و اروپائی در آسیای میانه بصورت سنسکریت درآمد و درغرب گروه زبان‌های هند و ژرمنی یا توتنی (Teutonic) را بوجود آورد که آنرا مادر زبانهای مغرب‌زمین دانسته‌اند

اقوام هند و ایرانی

شعبه‌هایی از اقوام هند و ایرانی در آغاز دوره مهاجرت به ایران کوچ کردند و شعبه‌های دیگری از این‌قوم‌درسیستان یا درافغانستان کنونی، که دراوستا «ایریان‌وجه»[2] (Airyan -vaeja) خوانده‌میشود، جدا شده وبسوی‌آسیای‌میانه سرازیر شدند. این‌دسته پس از عبور از گذرگاه شمال غربی کوه‌های هندوکش به سرزمین «سپتاسندهو» (Sapta - sindhu) - یعنی «هفت‌رودخانه» - واقع‌در پنجاب‌هند رسیدند. آنهایی که‌درهند ساکن‌شدند «آریان»[1] (Aryan) نام گرفتند و آنهایی که‌به‌فلات‌ایران آمدندایریان (Airyan)

در رشته فقه اللغه تطبیقی که امروز زبان شناسی خوانده میشود برانگیخت زبان شناسان آلمانی متوجه شده بودند که بسیاری از واژه‌های زبان سلتی (Celtic یا کلتی Keltic) و توتنی (Teutonic) و یونانی ولاتین وفرانسه وآلمانی بسیار همانندند ولی تاآن موقع منشاء این مشابهت ها را نمیدانستند اما فرانز بوپ (Franz Bopp) زبان شناس آلمانی بکمك زبان سنسکریت اولین کتاب فقه‌اللغه تطبیقی را نوشت و راه تازه‌یی در تحقیقات مربوط به فولکلور ومردم شناسی گشود معلوم شد که سنسکریت کهنه‌ترین زبان هند و ایرانی ومادر عده یی از زبان های هند و اروپایی است

زبان سنسکریت

سرودهای دلپذیر وعارفانهٔ وداها واوپانیشادهاوآثار لطیف کالیداس نه تنها محققان اروپایی را متوجه زبان سنسکریت کرد ، بلکه کلیدی برای حل بسیاری ازمسایل علمی فراهم‌ساخت‌وایشان‌دریافتند که بقول‌قدما «نورازشرق‌میآید» وبرای حل‌بسیاری ازمطالب باید به مشرق زمین روی‌آورد سپس گروه زبان های هند و اروپایی شناخته شد ولی محققان چون‌سیستم‌پیچیده حرف‌های‌آوایی (Vowel System) زبان‌های هند واروپایی را درسنسکریت یافتند معتقد شدند که قدیم ترین زبان هند واروپایی سنسکریت‌بوده باآنکه زبانی بوده است که حرف‌های آوایی بسیار متنوعی داشته این زبان فرضی که در هرحال میبایست ازسنسکریت دور نباشد « زبان هند و اروپایی » خوانده شد

ازآن زمان‌تاکنون مطالعه زبان سنسکریت برای هرگونه تحقیق در زبان ـ شناسی وتاریخ تمدن وفکر ودین وتفسیر بشری لازم شمرده شده و چنان پژوهش هـای دامنه‌داری در مورد زبان‌های هند و اروپایی‌صورت گرفته است که در مورد هیچیك‌از گروه‌های زبانی دیگر سابقه ندارد

همانندی‌های زبان سنسکریت و اوستایی

شباهت این‌دو زبان بقدری است که مطالعه هریك تحقیق در دیگری را ایجاب

با (Aeryan) نامیده شدند معنی هردو نام « آزاده » است و چنانکه میدانیم نام کشور ایران ازاین ریشه بدست آمده است

بدیهی است که ساکنان ایران وهند باآن که از مبانی یگانه برخوردار بودند بار ، بتدریج درمحیطهای جدید خود دیگرگون شده و دو تمدن متفاوت بوجود آوردند که زبان تمدن باستانی آسیایی‌ها گردید هردو قوم باقصای تمدن ابتدایی خود طبیعت پرست بودند وبرای ستایش مظاهرطبیعت سرود میگفتند منترا (mantra) های هندی بصورت کتاب‌های ودا (veda = دانایی) بجا مانده که بمعنی کتاب دانش است ـ گاتا (Gatha) های ایرانی نیز که بنیاد اوستا شمرده میشودو در دست است در توصیف خدایان ایرانی‌مانند میترا ـ اهورامزدا وغیره سروده شده است

زبان وداهاواوستا از لحاظ واژه وساختمان‌وآوا شناسی (Phonetics = فونتیك) بسیار همانندند و جز از نزدیکی میدهند آیین و عقاید و رسوم هندیان و ایرانیان نیزباوجود تفاوت‌های زیاد ازمشابهت های بسیار برخورداراست متاسفانه اوستا برخلاف‌وداها تماما بما نرسیده وپاره‌یی‌ازبخش‌های‌آن درجریان حوادث از میان رفته است همچنین درمقابل زبان وداها که مدت چهارهزار سال دوام آورده زبان اوستا از قرنها پیش بصورت زبانی مرده درآمده است بااینهمه از سنجش این دوزبان خویشاوندی نزدیك ایرانیان و هندیان باستان بخوبی برمیآید

وداها و اوستا

باآنکه زبان وداها (سنسکریت) و زبان اوستا (اوستایی) شباهت فراوان دارند ، اما تا اواخر که اروپاییان دست بمطالعه این زبانها زدند کسی متوجه مشابهت آنها نشده بود درقرن هیجدهم خاور شناس معروف ویلیام جونز (William Jones) که دربار زبان فارسی نیز تتبعات بسیار کرده است در سال ۱۷۷۶ اروپا را با آثار سنسکریت‌ازقبیل‌وداهاواوپانیشادها (Upanishads) وبرخی‌ازآثار کالیداس (Kalidasa) آشنا ساخت و دانشمندان اروپا مخصوصا آلمان و انگلیس را بمطالعات جدیدی نویره

زبان‌های هند وآریان را میتوان به‌سه دستهٔ زیر تقسیم کرد

الف ـ هند وآریان باستان
۱ ـ سنسکریت وداها
۲ ـ سنسکریت کلاسیك

ب ـ هند وآریان میانه
۱ ـ پالی
۲ ـ پراکریت (Prakrits)
۳ ـ آپاب هرامشا (Apabhramsa)

ج ـ هند وآریان جدید
۱ ـ بنگالی Bengali
۲ ـ هندی Hindi
۳ ـ گجراتی Gujrati
۴ ـ مراتی (Marathi)
۵ ـ بهاری Bihari وغیره

زبان های هند و ایرانی نیز طبقاتی دارند زیرا اقوام ایرانی درمناطق وسیعی از دره جیحون تاحین از یك طرف وازفلات ایران تاروسیه از طرف دیگر پراکنده شدند و بعلاوه پس ازسایر اقوام به ایجاد زبان‌های مستقل رغبت نمودند ، برروی هم زبان‌های هند وایرانی را نیزمیتوان چنین طبقه بندی کرد

الف ـ ایرانی باستان
۱ ـ اوستایی (گاتاها)
۲ ـ پارسی باستان (کتیبه‌های هخامنشی)

ب ـ ایرانی میانه
۱ ـ پارسی میانه (پهلوی)
۲ ـ سغدی وسکایی
۳ ـ ... (؟)

ج ـ ایرانی جدید پارسی رایج وگویش های‌آن

در بارهٔ زبان های ایرانی باستان و زبان های میانه (سغدی وسکایی) اطلاعات منظمی دردست نیست ونمیتوان‌آنها را بسهولت باسنسکریت مقایسه‌کرد اما زبانهای

میکند بسیاری از شعرهای هر یك از دو زبان را میتوان با تغییرات گرامری و لغوی مختصری بزبان دیگر برگرداند. ساخت گاتاها یعنی قدیم ترین قسمت اوستا با ادبیات سنسکریت خوانده را تحت شگفتی میکند. با این وصف بخوبی معلوم است که زبان سنسکریت کهنه‌تر از زبان گاتاهاست.

گرچه هردو زبان از واژه‌های مشترکی برخوردار میباشند ولی این واژه های مشترك تفاوت هایی نیز دارند. با این همه الفاظ دینی وفرهنگی و کلمات دال بر اشیاء زندگی روزانه تقریبا همانند.

سنسکرت	اوستایی
هیرانیا (Hiranya)	زرانیا (Zaranya)
اسورا (Asura)	اهورا (Ahura)
هوتار (Hotri)	زاوتار (Zaotar)
سنا (Sena)	هاینا (Haena)
یجنا (Yajna)	یسنا (Yasna)
سوما (Soma)	هئوما (Haoma)
میترا (Mitra)	میترا (Mithra)
یما (Yama)	یما (Yima)
وی واس وات (Vivasvant)	وی‌واهانت (Vivahant)
اپام نپات (Apam Napat)	اپم نپات (Apem Napat)
دوا (Deva)	دوا (Daeva)

برای نزدیك زبان سنسکرت از زبان‌های ایرانی آنرا « هندوایرانی » (Indo – Iranian) میخوانند. زبان‌های هند وایرانی همه زبان های هند را (باستثنای زبان‌های دراویدی) از زبان وداها تا زبان های کنونی هند که بازماندهٔ زبان سنسکریت میباشند و همچنین بسیاری از لغات سنسکرت را حفظ کرده‌اند دربر میگیرد.

شرد (Sharad)	سرد
سه‌وتا (Shveta)	سفید
کشیرا (Kshîra)	شیر
آپ (Apa)	آب
پیتری (Pitri)	پدر
ماتری (Matri)	مادر
بهراتری (Bhratri)	برادر
دوهیتری (Duhitri)	دختر
مرتیا (Martya)	مرد
شوسکا (Shuska)	خشک
نرما (Narma)	نرم
پورنا (Purna)	پر
یووان (Yuvan)	جوان
اکا (Eka)	یک
دوی (Dvi)	دو
چتور (Chatur)	چهار
پنچا (Pancka)	پنج
شت (Shat)	شش
سپتا (Sapta)	هفت
اشتا (Ashta)	هشت
نوا (Nava)	نه
دشا (Dasha)	ده

ایرانی‌حدید حون منصمن‌سه ن‌دوهرارساله ربان‌های هند واروپایی‌مساند با سنسکریت ساهت‌هایی دارند

باوحود نحولات عطیمی که درربان فارسی کوبی‌روی داده است هنوردرحدود ۳۵ درصد کلمات‌آنرا مسوان باکلمات سنسکرت ودایی وکلاسیك سنجند

مهمبرین تحولایی که درربان فارسی پدیدآمده است عبارتست ار

سدیل « س » به « ه »

سدیل « ه » به « ز »

سدیل « ب » به « ب »

و سدیل « ه » به « د »وعیره

سنسکریت	پارسی کنونی
اسوا (Ashva)	اسب
کهرا (Khara)	حر
موسکه (Mushika)	موس
کنوبا (Kapota)	کنوبر
هسا (Hasti)	دست
حانو (Janu)	رانو
بد (Pad)	با
دسا (Danta)	دندان
باهو (Bahu)	بارو
حایا (Chaya)	سایه
سدباها (Saptaha)	همه
ماسا (Masa)	ماه
دورا (Dûra)	دور
کاهارما (Gharma)	گرم

همجنس افعال و ریشه‌های سنسکریت وفارسی بهم شباهت دارند

کری (Kri)	کردن
کهدری (Khadri)	خوردن
دا (Da)	دادن
گره (Grih)	گرفتن
کریش (Krish)	کشیدن

۲ - مختصری دربارهٔ تاریخ ادبیات سنسکریت

۱ - سرزمین هفت رودخانه

دسته اول آریاها که عدهٔ زیادی از همراهان خود را پشت‌سر گذارده بودند سرزمینی حاصلخیز در اطراف رودخانه‌های بزرگ پنجاب ودره سند (Indus Valley) رسیدند. رنج بی‌پایان مسافرت پرخطر این دسته با رسیدن باین سرزمین حاصلخیز جبران شد. جنگلهای خوش‌منظره، رودخانه‌های پرآب وآب وهوای نشاط‌انگیز این منطقه بهترین پاداشی بود که طبیعت باین کاروان بخشید. در اینجا بود که آریاها برای اولین‌بار طلوع خندان وزیبای آفتاب وآسمان پرستاره را مشاهده کردند. این مناظر مجلل و لذت بخش طبیعت، مسافران تازه رسیده را بحدی تحت نفوذ خود قرارداد که درهمان نقطه‌ماوی ومسکن گزیدند. طبیعت سرزنده ونسیم معطر این نواحی همچون نفس آرام‌بخش معشوق، این‌مسافران خسته و کوفته را وادار به سکوت در دامان خود نمود. مسافران نورسیده وخسته که در دامان طبیعت آسایشگاهی یافته بودند مصمم شدند تا از وطن‌نویافتهٔ خود تاآخرین لحظه دفاع کنند وبا فروتنی‌وسادگی، بزرگی وافتخار طبیعت را بستایند.

ساکنان اولیه سرزمین هفت رودخانه که تندرست ونیرومند بودند فکری نیرومند و تخیلی قوی نیز داشتند. شادی و سرور ناگهانی که از رسیدن باین محیط پر برکت برایشان حاصل‌شده بود سبب شد که بکرنش و تعظیم درمقابل این پدیدهٔ باعظمت طبیعت دست‌زنند وبرای وجوه مختلف آن از قبیل ماه، خورشید، باد، ستارگان وغیره رب‌النوع قائل شوند وهریک‌را رب‌النوعی سازند و بپرستش آن بپردازند. باین ترتیب رب‌النوع‌های جدیدی بر آنچه که در میتولوژی اولیه وجود داشت افزوده شد.

برخورد آریاها باساکنان اولیهٔ سواحل هفت رودخانه - این طوایف آریایی بزودی دریافتند که مبارزهٔ ایشان هنوز بپایان نرسیده است چه دیری نگذشت که ساکنان اصلی این نواحی بطوریکه گاهی از پشت علفزارهای بریده وجنگلهای انبوه آنانرا مورد حمله قراردادند این ساکنان اصلی سیاه‌پوست ودارای قدی کوتاه ودماغی پهن وبسته معمولها بودند تمدن این قبایل بقدری وسیع بود که مایه تعجب نژاد سامیان و باستان شناسان معاصر گردیده است آنها بهیچوجه از آریاها عقب نبودند چه علاوه بر ساختمانی کامل محل چون در شهرها وقلاعی که از داخل وخارج محفوظ بود زندگی میکردند بر آریاها بموقع داشتند ایشان که از هجوم آریاها رنجیده خاطر شده بودند موجبات ناراحتی آنانرا فراهم کردند

بهرحال چون عدهٔ آریاها زیادتر بود وعلاوه برداشتن بدن قوی وتجربه جنگی زیاد مجبور بودند از مسکن خود سر دفاع کنند اقوام بومی این سرزمین را بنواحی ساحلی جنوب عقب راندند ، اقوام بومی در وداها بنام داسا Dasa یاداسیو Dasyu بمعنی پست وزیردست نام برده شده‌اند امروزاکثر این قبائل بوسیله دراویدی‌های Dravidian جنوب هند که بیشترشان درمدرس ، جنوبی‌ترین نواحی ، زندگی میکنند مشخص میشوند دراوداها و دانی این قبائل سیاه‌پوست ازرنگ پست و بعنوان برده آریاها و نژاد عالی نام برده شده‌اند بعلت شواهد زیاد عقیده براین است که این ساکنین اصلی بانه گذاران تمدنی بسیار وسیع هستند که آثار آن در خرابه های موهنجودارو Mohanjo Daro در پاکستان غربی محفوظ مانده است درحقیقت این آثار درسراسر هاراپا Harappa دره سند Indus Valley تا حدود جلگه‌های گنگ پراکنده‌اند هنر معماری - مجسمه‌سازی وسفالکاری این قبائل و نمونه‌های خانه‌ها وقصرهاشان سیستم علمی زه کشی وحمامهای مجلل ، ذوق دکوراسیون و پوششان همه عالی وخیره کننده است بدون شك آریاها مجبور بودند که زمین وقدرت را بزور وبا دادن قربانی زیاد بدست آورند وشواهد متعددی وجود دارد که ثابت میکند که زمین وجب بوجب وبسیار جنگهای خونینی مسخرشده است

پروردگاران آریاها ـ بسیار ابلهانه است اگر تصور کنیم که آریاها بیار رسیدن به سرزمین هفت رودخانه سرگرم ابداع رب‌النوع ها وساختن میتولوژی خود شدند چه آریاها مدتها قبل از مهاجرت بایران وعبور از سلسله جبال هندوکش دارای تمدنی بودند که در میتولوژی بسیار بر مایه پایه گذاری شده بود همه‌آنان زئوس Zeaus (سانسکریت آن دیاوس Dyaus) رب‌النوع درخشندهٔ آسمان راکه از اولین رب‌النوع های میتولوژی هند و اروپایی است میپرستیدند طلوع‌آفتاب Dawn که اغلب بعنوان دختر زیبای زئوس Zeaus ستوده شده است نیز یکی از الهه‌های هند و اروپایی است علاوه برا ینها ایندرا Indra رب‌النوع جنگ وگاهی رب‌النوع باران و آب، وروبا Varuni نگهبان قانون ونظم، میترا Mitra رب‌النوع روشنائی و بدرستی و رمتی بزرگ وروا Varuna و چندین رب‌النوع دیگر قبلاً بوجود آمده و میتولوژی اولیه آریاها را تحت تاثیر خود قرار داده بودند

وجود این رب‌النوعها و چند رب‌النوع دیگر را میتوان در تمام آریاهائیکه همزمان با مهاجرت دسته مورد بحث بساحل هفت رودخانه بطرف شمال یا سمت های دیگر مهاجرت کردند بخوبی مشاهده کرد سکه‌های منحی که اخیراً در بغازکوی (Boghaz Qui) در آسیای صغیر کشف شده وحاکی از پیمان میان که جنگ بین رئیس‌دو قبیله هیت Hittite ومیتانی Mitani میباشد، وجود رب‌النوع های هندی را در آن نواحی درسال ۱۵ قبل از میلاد مسیح ثابت میکند

عقیده براینست که هنگامی که آریاها بطرف مشرق ویا بعقیده پروفسورماکس‌مولر (Max Muller) بطرف جنوب مهاجرت کردند این‌رب‌النوعها را از خود باقی گذاردند وساکنان آن نواحی نیز از عقیده آریاها در پرستش این رب‌النوعها ادامه دادند بدیهی است پس‌ازاینکه درسواحل‌هفت‌رودخانه مسکن گزیدند‌باپیروی بشری‌پرستش خدایان اولیه خود پرداختند و برای آنان مقامی برتر از رب‌النوعها و ربه‌النوعهای جدید قائل شدند

همانند آثار وابسته بسیار قدیمی هند واروپایی که بجای مانده است این وداها سر آمال وآرزوها وفعالیت‌های بشر اولیه را به بهترین صورت ثبت نموده‌اند مطلب جالب اینست که وداهای دیگر وجود ریگ‌ودا را پیش ازحود لازم وفرض نموده‌اند ولی ریگ‌ودا هیچ اثر ادبی را لازم ندانسته است

ریگ ودا تصویریست از گیتی ونظام آن تصوری که با تصویر زمانهای بعد کاملاً اختلاف دارد همین اختلاف بارگی خاص بآن بخشیده که باوجود بعسر زمان کهنه‌نشده است این کتاب که قدیمی‌ترین سند مدون آریاهاست دارای قسمتهای پیچیده و مبهم میباشد ولی‌معهذا مجموعه بی‌نظیر ویکتایی است ازسرودهایی که درآن تفکرات بشر اولیه بصورت درخشانی منعکس گردیده است

هرگاه بترتیب تاریخ تصنیف ، وداها را مورد مطالعه قراردهیم پس از ریگ‌ودا به آتاروا Atharva ودا میرسیم اگرچه مدتها تعللی که بعداً شرح داده خواهد شد مورد احترام نبود ولی بایستی گفت که بعضی از سرودهای آن بقدمت وکهنگی ریگ وداست و موضوعات آن نیز همزمان با ریگ‌ودا بنظر میرسد این کتاب بعلت موضوعاتش مدت مدیدی ساخته نشده بود آتاروا Atharva ودا علاوه برسحر مقدس شامل سحرجادو نیز میباشد و علائمی وجود دارد که نشان میدهد بعضی از قسمتهای‌آن تحت تاثیرساکنان بومی این نواحی بوجودآمده وبهمین جهت پیمبران آریایی راغلب این کتاب‌را انگیخته‌است آتاروا Atharva ودا شامل‌اطلاعات مفیدی‌است دربارهٔ‌پیشرفت آریاها بطرف مشرق تا حدود بنگال وترس آنان از ببرهای بنگاله علاوه بر سرودهایی راجع به علم پزشکی دعای خیر، واحسام این ودا متضمن سرودهایی راجع به سحر و جادوگری و ارواح خبیثه نیز میباشدکه جالبی غیرعادی و ترسناك بآن بخشیده است

یجور ودا وسام ودا مطالبشان‌را مدیون به ریگ ودا هستند دریجور ودا سرودهایی راجع به قربانی‌ومراسم عبادت‌جمع‌آوری شده درحالیکه سام‌ودا فقط سرودهایی‌مربوط به مشروب جاودانی‌خداوندان یعنی سوم Soma (دراوستا هما Haoma) را شامل است این مشروب نیروبخش مورد تحسین رب‌النوعها نیز بوده است علاوه برمراسم عبادت

پس از اینکه آریاها بر داساها پیروز شدند قسمتهای برجستهٔ تمدن آنها را اخذ نموده تا حدودی تحت تاثیر تمدن آنها قرار گرفتند

پیروزی بر داساها آریاها را جسور کرد بطوریکه شروع بکشورگشائی و توسعهٔ سرحدات خود نمودند. فرهنگ و تمدن آنان که متکی بر میتولوژی بود جنبش جدیدی را آغاز نهاد که بطوری بارز بصورت شرح وقایع در منتراهای (Mantra) ودا ضبط شده است. وداها علاوه بر اینکه منبع تمام علوم هستند یادداشتهای روزانهٔ ملتی بزرگ بشمار میروند که در آن طبقه اشراف از ابراز هیچگونه کینه‌ای نسبت به بردگان فروگذار نکرده‌اند. همزمان با نشست آریاها در سرزمین هفت رودخانه این قوم اقدام به جمع‌آوری منتراها و سرودهائیکه تا آنزمان بصورت آثار پراکنده‌یی بود نموده از آنها مجموعه‌یی فراهم آوردند. تاریخ تصنیف منتراها بسیار قدیم است ولی جمع‌آوری آن هنگامی شروع شد که دیدند علوم درک شدهٔ آنان رو بنابودی است و خطر فراموشی این گنجینه را مورد تهدید قرار داده است

تقسیم و ترتیب منتراها برطبق اصول علمی انجام گرفته و تمام کتاب بچهار سام هیتا Samhita یا مجموعه بشرح زیر تقسیم شده است

۱ ـ ریگ ودا Rig – Veda

۲ ـ یجور ودا Yajur - Veda

۳ ـ سام ودا Sama – Veda

۴ ـ آتاروا ودا Atharva - Veda

ادبیات ودائی

ریگ ودا قدیمی‌ترین قسمت از چهار ودا است و پر از دعاهای خدایان و توصیفات بزمی مناسب. این ودا شامل ده کتاب و۱۰۲۸ سرود است. کتابهای دوم تا نهم آن، کتاب‌های خانوادگی بوده و بسیار قدیمی‌تر از کتابهای اول و آخر هستند. در این کتب آثار وعلائم بالنسبه قدیمی‌تری نیز وجود دارد

براهماها : Brahmanas

علاوه از ازدیاد عناصر مخالف، تعبیر و تفسیر بعضی از سرایش‌ها هم مشکل شد زیرا هردو مکتب ـ پیروان و برهمنان محصوص بخود داشت که باهم اختلافات زیادی داشتند. بنابراین برهمنان شروع نمودند به نوشتن تفسیرهایی بر وداها نمودند که نه تنها مفصل هستند بلکه شامل مطالب هر ودا نیز میباشند این تفسیرها براهمنا نام دارند و شامل تحقیقات و نظریات فلسفی ـ زبان‌شناسی ـ علم اشتقاق لغات ـ تاریخ ـ افسانه ـ مراسم عبادت و چیزهای دیگر در خصوص وداها میباشند

اوپانیشادها Upanishads

در خلال این دوران هرج و مرج بعضی از افراد طبقه ممتاز پس دست از قربانی و انجام مراسم مذهبی کشیده تنها و دور از مردم در جنگلها به تفکر و تأمل پرداختند اینان پیشقدمان مکتب آزادی فکر و حقیقت جویی بودند که نمیخواستند خود را در قید و بند اشکال و شعارهای حدیثی بوابر نگاه‌دارند اینان با اشتیاق تمام میخواستند بدانند سرار کجا مآمد و بکجا میرود منظور از ابتدایی او چه بوده، پس از مرگ سرنوشت چه خواهد بود، چه کسی بر جهان حکومت میکند چه چیز است که زندگی میبخشد و دوباره پس میگیرد این مردم صادق و مصمم که قلباً ناراحت بودند سرگرم مباحث و مطالب فلسفی شدند که امروزه ما آنرا اوپانیشاد مینامیم اوپانیشادها گوهرهای دانش بشری میباشند و سهم بسیار مهمی در تکامل تدریجی فکر بشر دارند اینها گنجینه های تفکرات عالی قدیم هند که با پوشش‌های عارفانه آراسته شده‌اند طبقه عالی هنگامی که در کنار از محیط کاهنان بودند بصورت هدیه‌ای بس تنها کمک‌های بسیار ذیقیمتی کردند پادشاهان، جنگجویان، دانشمندان و حتی زنان نیز در این بحث‌ها شرکت‌میکردند تعداد اوپانیشادها زیاد است ولی ۱۲ عدد بسیار قدیمی هستند و سرده‌ای آن متعلق به کمی بعدتر درطی زمان تعداد اوپانیشادها زیادشد و به ۱۰۸ عدد رسید و آخرین آنها در قرن ۱۹ نوشته شد که عنوان آن الله اوپانیشاد میباشد

دستوراتی درخصوص طرز فشردن ودرست کردن سوم Soma نیز در این ودا آورده شده است

سنجش ودا باکتب مذهبی موجود دیگر ازقبیل قرآن - انجیل - گرانتا صاحب Grantha Saheb صحیح نیست زیرا مؤلف کلیه کتب مذهبی نامبردهٔ فوق فقط یکنفر بوده وتمام کتاب نیز درزمان حیات این مؤلف یاشخصا بوسیله خوداو ویا اززوی تعلیماتش تالیف گردیده است (اوستا بوسیله یك شخص معین تالیف نشده است بلکه مانند ودا در تالیف آن چندین نفر نیز یك مساعی کرده‌اند) درحالیکه ودانه تنها بوسیله یکنفر تصنیف نشده است بلکه تالیف آن نیز دریك دورهٔ مشخص بپایان نرسیده بین تاریخ تالیف منتراها وزمان جمع آوری بعدی آنها بصورت سامهیتا فاصله زیادی بوده‌است علاوه براین درادبیات جهان نظیراین مجموعه پرحجم که درآن کوشش‌های چندین هزارساله بشر که نسل بنسل بوسیله سنن شفاهی منتقل شده بوده است و بالا نهایت دقت ممکن جمع آوری شده یافت نمیشود

بطور تقریب میتوان گفت که جمع آوری ودا بایستی در ۳۰۰۰ سال قبل ازمیلاد تمام شده باشد شواهد زیادی درودا یافت میشود که بروجود شك نسبت به موجودیت رب النوعها و تفوق آنان نسبت به بشر دلالت دارد

ازشواهدی که درود‌اها یافت میشود چنین برمیآید که نسبت به موجودیت رب النوعها و برتری آنان نسبت به بشر شك وتردید هایی نیز بوجودآمده است این شك وتردیدها بعضی اوقات طبقه برهمنان را بسیار عصبانی میکرد چه آنان برای هم فکر و متحد نگاه‌داشتن مردم، سخاره ودرمانده میشدند بخاطر استحکام واطمینان، بعضی از آگاهان بجستجوی دل خود پرداختند تا حقیقت را درك کنند علاوه بر این عده یی یاغی نسبت بوجود رب النوعها اندیشه‌های خودرا بصورت نحوی یادوستان خوددرمیان گذاردند و پاسخ آنانرا سؤالات بسیاری که در قلبشان پیدا شده بود خواستار شدند

درحه دوم سدا نمودند با ولی علی‌رغم این رسد و برقی حـدند وداها یعنی سر حشمه ابدی داس همشه مسع موبق بشمار میرفسد

اشعار حماسی (Ramayana and Mahabharata)

یکی ار آبار برحسته‌ای که دراین دوران بوحودآمد اسعار حماسی است کـه بدو دسته مسحص ومحرا بقسیم مسسوند Legend Itihasa با یورانا (Purana) بامىده مسوىد دسته دوم که بیسر روی اشکال رمسی و مصنوعی سعر تکیه کرده و سام اسعار کاویا (Kavya Poetry) مسهورىد نماىنده اصلی هردسته مهابهارابا وراماىانا هستند که اسعاری بسیار با اررس‌اند و محموعت ریادی سر کسب کرده‌اند مهابهاراتابعلت رسدو برقی سگفت‌انگیر و باز گی عبارات وعلل‌متعدد دیگر بعنوان یك اتر برر گ ادبی‌همانند ودایرةالمعارف سعر کلاسیك سناحته سده است

داستان اصلی بعلت مطالب آموزنده وتعالیم احلاقی حود آنقدر پیچیده و مبهم است که حواننده درروایات وحکایات برر گ آن کم میسود مصنف مهابهارابا « ویاس Vyasa » حکیم ودانسمند معروف است کـه علاوه برمهابهارابا ۱۸ پورانای دیگر نیز تصنیف کرده است که مورد ستایش عموم اهل ادب است نام ویاس در ادبیات اوستائی نیز بعنوان یك حکیم مسهور ذکر گردیده است مهابهاراتای فعلی دارای صد هـزار اسلوکا (Shloka) کـه تقریبا هست برابر ایلیاد و اودیسی Iliad ، Oddyssey تر رویهم میباشد این کتاب به ۱۸ فصل تقسیم سده ویك فصل نوزدهم نیز بعنوان‌مکمل بآن اضافه گردیده است این‌حماسه دارای عبارات نوسگانه میباشد وسواهدی‌دردست است که ثابت میکند لااقل دوبار این‌حماسه تغییرسکل یافته است بر پایه شواهدی که در داحل‌حماسه موجود است عده‌ای عقیده‌دارند که حماسهٔ اصلی سامل ۱۸۰۰۰اسلوکا بوده سپس تعداد اسلوکاها به ۲۴۰۰۰ودر آحر با ۱۰۰۰۰۰ افزوده سده است

داستان‌اصلی‌دربارهٔ کسمکس وردوحورد دوقبیله همسایه بنام پنحال‌ها و کوروها Kurus ،Panchalas است که‌ازیك‌نژاد وپسرعموی‌یکدیگربودند کوروها درمیتولوری

اوپانیشادها فکر و ذوق هندوها را بمیزان قابل ملاحظه‌ای تحت تأثیر قرار داده‌اند در حقیقت حدیث رسالهٔ فلسفی دو ملتهای بعد بر اساس مطالعهٔ اوپانیشادها تألیف گردیده است در حالیکه فلاسفه مغرب زمین از قبیل کانت و شوپنهاور احترام بسیار زیادی برای اوپانیشاد قائل هستند یکی از اولین تحسین کنندگان اوپانیشاد سرامسرا نورشاه جهان بود که دانشمند برجسته وایرانی و زبان سانسکریت را نیز آموخته بود ترجمه بعضی از قسمتهای اوپانیشاد که بوسط داراشکه Dara - Shikoh انجام گرفته است و بنام اوپانکهت Oupanekhat معروفست بفارسی نیز برگردانده شده است

سوتراها Sutras

زمان ودایی تقریبا با اوپانیشادها بپایان میرسد و بعداً تشکیل سوتراها ادامه پیدا میکند

سوتراها آخرین دایرهٔ ادبیات ودایی است بعلت ادبیات برحجم و نبودن وسائل کافی برای نگاهداری این آثار بصورت خطی یا چاپی صلاح در این دیدند که قسمت اعظم این آثار را بصورت کلمات قصار (Aphorisms) در آورند و بوسیله حافظه باقی نگاهدارند ، سوترا بمعنی رشته با کلمات قصار است که در آن یك اثر مفصل بصورت مختصر میشود با این روش ساده علما توانستند مقدار زیادی از ادبیات موجود را در حافظه خود نگهدارند و از نابودی آن جلوگیری کنند

ادبیات بعد از ودا

آثار ادبی دورهٔ بعد از ودا از نظر مضمون و شکل وسایر مشخصات ادبی با ودا متفاوتند اگرچه تمام آثار سنسکریت باهم شوسنگی دارند ولی ادبیات ودایی اصولا دارای مضامین فلسفی ومذهبی میباشد در حالیکه آثار کلاسیك بیشتر جنبه دنیوی و رمانتیك دارند

بعلت معاشرت با ساکنان اولیه و دگرگون شدن مفاهیم مذهبی وسایر تغییرات کلی، رب‌النوعهای جدید اهمیت بیشتری کسب کردند واکثر رب‌النوعهای ودایی موقعیت

پادشاه آیودهیا (Ayodhyá) دورمیرند این پادشاه ظاهراً بادختر جوانی ازاهالی سرحدات ایران وافغان ازدواج کرده بود ، زن جوان پادشاه میخواست برخلاف سنن مسلم که طبق آن جانشین سلطان پسر ارشد ملکه بزرگ میباشد رفتار نموده پسر خود را ولیعهد سازد با دسیسه و توطئه این زن موفق شد که پسر خود را جانشین پادشاه سازد این عمل سبب مرگ سلطان گردید ودر نتیجه این زن توانست راما پسر بزرگ پادشاه را بهمراه زن و یکی از برادرانش بجنگل تبعید کند

سیتا (Sita) زوجهٔ راما که بسیار زیبا بود بوسیلهٔ سلطان شیطان صفت سیلان ربوده میشود پس از زدوخوردهای زیاد سیاحات بیدا میکند وراما بشهر آیودهیا (Ayodhya) برمیگردد وبتخت سلطنت جلوس میکند درسراسرداستان ازراما بعنوان یك نیمه رب النوع یادشده واعمال قهرمانانه او درخصوص کمك به مذهب و پیروان دین مورد ستایش قرار گرفته است دراین کتاب راما بعنوان رب النوع مجسم فرض شده که باکشتن جند شیطان نظم را مجددا روی زمین برقرار کرد

داستان رامایانا قرنهای متمادی قلوب هندیان را مجذوب کرده بود و در شمال هند جندین ترجمه آن ازبرخوانده میشد راما بعنوان یك سلطان ایده آل توصیف شده و کتاب براساس اززندگانی خانوادگی ایده آلی وارتباط باشکوه بین شوهر ـ زن ـ پدر و پسران وبرادران واطاعت ازبزرگان این کتاب دارای مجموعی همگانی وشهرتی خاص است

عقیده براین است که این کتاب بطور تقریب در ۸۰۰ سال قبل از میلاد نوشته شده است بدنبال این دوائر حماسی دودسته ادبیات مجزا بوجود آمد بلافاصله پس از مهابهاراتا، پوراناها، که مجموعه هائی تعلیماتی وآموزنده باروح فرقه ایست تصنیف گردید، این مجموعه ها بطورکلی راجع به میتولوژی ـ کارهای برجسته وخارق العادهٔ رب النوعها مبارزه بین رب النوعها وسلاطین وشجره نامه سلاطین شمسی وقمری بحث میکند

اینها شامل اصولی از تاریخ قدیم هستند که بعلت مبالغه درخوبی انتخاب لعاب

و دانی بعنوان یك قبیله متعدد نامبرده شده است و بنابراین مایه ومنشاء اصلی تاریخی آنرا میتوان در ۲۰۰۰ قبل از میلاد جست کوروها صدنفر بودند درحالیکه (Panchalas) فقط پنج برادر ولی بطور قطع جوانمرد وباایمان‌تر بودند وارفانون برا طاعت میکردند این قبیله موفق شدند که دشمنان ومخالفین خودومتحدین آنانرا هزارهزار بقتل برسانند و سپس کناره گیری کردند وبجنگلها رفتند تا با تحمل عذاب جسمانی توبه کنند و گناهشان بخشیده شود ودر کوههای پربرف همالایا در گذشتند

درحدود چهار پنجم مهابهاراتا اختصاص دارد به داستانها وحوادث قدیمی متعددی که پایه واساس اشعار و درامهای شعرای بعد قرار گرفته‌اند داستان مشهور شکنتلا (Shakuntala) که بوسیله کالیداس (Kalidasa) بصورت درامی جاودانی درآمده از این کتاب گرفته شده است وبالا داماپانتی (Nala - Damayanti) که محبوبیت زیادی در مشرق‌زمین کسب کرده از این کتاب بدست آمده است علاوه براین داستانها از منظوم Bhagvadgita که بصورت یك قطعه ادبی عالی وفلسفی بدست ما رسیده است نیز قسمتی از مهابهاراتا است بطور تقریب میتوان گفت که این حماسه بزرگ در حدود ۵۰۰ قبل ازمیلاد بصورت فعلی تمام شده است درصورتیکه تاریخ شروع آن بایستی ۱۰۰۰ قبل‌از میلاد ویا حتی کمی قدیمتر باشد

رامایانا Ramayana

رامایانا دارای اهمیت و ارزش معادل مهابهاراتا است و اولین شعر آراسته‌بصنایع بدیعی است که بوسیله والمیکی Valmiki تصنیف گردیده است اینمجموعه‌شامل ۲۴۰۰۰ اسلوکا میباشد که به هفت کتاب تقسیم گردیده است پنج کتاب وسط صحیح‌تر وموثق‌تر بوده واز نظر زبان ـ سبك ومضمون نیز یکدست ویکنواخت میباشد

رامایانا براز اشکال تکامل یافته زبان ونیز کتاب ادبی‌وشعری بیان سبکی آراسته است وضع این کتاب نشان میدهد که بوسیله یکنفر نوشته شده و از حوادثی تحریف بر کنارمانده‌است داستان‌اصلی‌روی عملیات قهرمانانه‌راما ، پسردشرث (Dasharatha)

که مسوا‌ندریان را برطبق زمان وحال‌بقالب بریزد علاوه براین دوشعر ، شعر دیگری بنام مگهدوتا (Meghaduta) سامبرابر ، بهترین وظریفترین امثله زیبائی ونرمی است

اگرچه اشعار کاویا (Kávya) پس از کالیداس بسرعت تصنیف گردید ولی این اشعار روزبروز جنبهٔ ساختگی وتکلف پیدا کرد وبهرحال آثار برجسته تا ۱۰۰۰ قبل‌ازمیلاد مسیح بوجود آمد که از میان‌آنها شعرا بهاروی (Bharavı) ماگها (Magha) هارشا (Harsha) برای اشعارشان که برروی داستانهای مهابهاراتا ساخته شده مشهورند

شعر بزمی آثار کالیداس

گرچه قسمت زیادی ازاشعاربزمی‌سنسکریت درنمایشنامه ها ذکر گردیده‌است، چند قطعه شعر بزمی مستقل‌نیز قابل ذکراست از این قبیل« مگهادوتا » (Megha - duta یعنی « ابر ») و « ریتوسامهارا » (Rıtu - Samhaıa - یعنی « گردش فصول »)

مگهادوتا اثر بزمی‌لطیفی‌است که از تخیلات شاعر ناشی‌شده وداستان جوانی بنام‌یاکشا (Yaksha) است که براثر لعنتی از نوعروس خود دور میشد ودر آغوش کوههای هیمالایا متروی میشود شاعر درضمن این داستان بامهارت تمام زیبائی‌های طبیعت رابیان میگوید وعظمت جهانی میباید

« گردش فصول » داستان فصول شش‌گانه هند است که یکی پس از دیگری بتماشای جهان میآیند دراین اثرعشق وعواطف رقیق دیگروطبیعت دوستی بحداشباع جلوه‌گر است

۲ - آثار بیلهانا

چوراپانچاسیکا (Chaura – panchashıka) اثر بیلهانا (Bılhana) شاعر کشمیری قرن یازدهم بسیار زیبا است گویند بیلهانا با شاهزاده خانمی نهانی نردعشق میباخت وچون سرانجام‌ماجرا برملاشد به مرگ محکومش کردند روزی که وی‌را برای‌اعدام میبردند این اشعار را ساخت وخواند شاه را اشعار اوچنان خوش‌آمد که عفوش کرد و معشوق را بدو داد

بصورت غیرموثق درآمده‌اند علاوه‌براین بطورشگفت‌انگیزی تمام نکات این مجموعه‌ها تحت تاثیر چندشعرمجزا بوجودآمده‌اند اسمریتی‌ها (Smritis) کتاب قوانین نیز با این مجموعه‌ها ارتباط داشت و شامل ۱۸ کتاب‌اند که مهمترین آنها مانواسمریتی (Manusmriti) یعنی قوانینی که‌بوسیله مانو (Manu) وضع‌شده است میباشد این نام با منوچهر که در میثولوژی اولیهٔ ایران ذکرشده شباهت بسیار زیاد دارد

چندین شعرنیز به پیروی از رامایانا سروده شده است که مضمون اکثر آنها از داستانهای مهابهاراتا ورامایانا گرفته‌شده است این دوره را باستانی دوران شعر دربار نامند چه در این زمان هرشاعری تحت حمایت یك سلطان قرارمیگرفت واشعار خود را باو تقدیم میکرد درحدود اوایل عصر مسیح و دو قرن قبل از آن وضع سیاسی هند متزلزل شد پس‌ازقرن سوم‌با تسلط گوپتا (Gupta) قدرت به هند و ادبیات رانشو نو کرد

این دوره بعلت پیشرفت‌های همه‌جانبه وترقی عمومی‌آن به عصرطلایی‌تاریخ هند مشهوراست درهمین دوره بود که کالیداس شاعر بوجودآمد وبامهارت درشاعری‌وقدرت تخیل وبیان قوی‌خود شهرتی بسزا کسب‌کرد اگرچه بعضی علمای هند عقیده دارند که این ملك الشعرا قبل از دوران مسیح میزیسته ولی بیشتر دانشمندان معتقدند که کالیداس متعلق به دوره گوپتا (Gupta) میباشد و از شعرای دربار ویکرامادیتیا (Vikramaditya) بوده است

کالیداس‌شاعریست برجسته وکم‌نظیر که غالبا باشکسپیرانگلیسی‌مقایسه میشود او نبوغی فراوان داشت و در توصیف احساسات بشری وتشبیهات قوی واز همه مهمتر برگزیده ترین عبارات رقیب ونظیری ندارد

دوشعراو، راگهوواسما(RaghuVamsha) برادرراگهو(Raghus) کومارسامبهاو (Kumara Sambhava) تولد کومار از نظرتازگی واصالت و زیبائی تخیل و مهارت فوق‌العادهٔ شعری مشخص ومعروفند اواستاد تشبیه است ودارای این‌موهبت نیزمیباشد

مبنای نمایشنامه‌های هندی است هیچ مدرکی در دست نیست که سوال بالکای آنها گفت که یونانیان درهند نمایش پرداختند

محتملا نمایش‌های سنسکریت نیز مانند نمایشهای یونانی در آغاز جنبه دینی داشت مدارکی در دست هست مبنی براینکه دراجرای پاره‌یی مراسم اساطیری برای اعیاد برتری خدایان برشیاطین وتسلط ویشنو (Vishnu) براهریمنان صحنه‌های نمایش نیز برپا میشده است

۲ ـ زبان نمایشنامه‌ها

چون نمایشنامه‌ها مرکب از شعر و نثر وتصویری یکنواخت و خسته کننده بود قطعاتی نیز به گویش های محلی (پراکریت) به آنها افزوده میشد شخصیت های معتبر نمایشنامه بزبان سنسکریت و آدم های معمولی و زنان بگویش‌های پراکریت سخن میگفتند

۳ ـ موضوع

موضوع نمایشنامه‌ها اغلب متخذ از حماسه های قدیمی بود صور گوناگون عشق و گاه عواطف قهرمانی موضوع اصلی نمایشنامه را تشکیل میداد تلخی و اندوه در نمایشنامه های هندی دیده نمیشد شاعران کوشا بودند که آثار خود را با خوشی پایان رسانند ومردم را سرخوش سازند بدیهی است که درنمایشنامه غم وشادی با هم آمیخته بود ولی نمایشنامه باخوشی خاتمه میافت ودرآخرآن دعایی برای کامروایی وآسایش مردم خوانده میشد

هر نمایشنامه شامل چند پرده (از یك تا ده) و هر پرده مشتمل بر چند صحنه میگردید

۴ ـ نمایشنامه نویسان مشهور

پانزده نمایشنامه‌ازنمایشنامه‌های‌سنسکریت‌اهمیت‌بیشتری‌دارند این‌نمایشنامه‌ها همه در فاصله قرن دوم پیش از مسیح و ۸۰۰ پس از مسیح بوجود آمده‌اند مهمترین

۳ ـ آثار باهر تری‌هری :

« ساباکاس» (Shatakas) با « سده » بامسه ابر است از امیر شاعر پیشه باهر بری‌هری این آبار حاکی ار مراحل سه گانه‌یی است که ساعر سموده است ابر اولی (شرینگر - Shringar) گویای مرحله عسق وسور بدگی‌است ابردوم (بی بی - Niti) رساسدهٔ مرحله بعلیم و بملك بفس وابرسوم (ویراگیا ـ Vairagya) حاکی‌ار برك دسا وسهوب وهوس است

ارمیان سایر آبار باهر بری‌هری «آماروساباکا » (Amaru Shataka) که‌داسبان عسق حسی است اررس بسیری دارد

باهر بری هری درسان عواطف رفیق اسباد مسلم است

۴ ـ آثار جیدوا

یکی دیگر ار آبار مهم فرن دوازدهم « گیبا گوویدا » (Gita Govinda) منطومه معروف حیدوا (Jaideva) اسب دراین مطومه عشق کریشنا (Krishna) سان سده است

گیبا گووبدا » بمونه آبار دورهٔ بحول بمایسامه‌های بیگالی است بایں معنی که یابرا (Yatra) ها با مراسم وبسریفاب ارباب‌انواع، بصور بی‌مردم‌پسند درمیآید اسعار حیدوا بسیار سیرین وسلیس است

بمایشنامه‌های سسکریت

۱ ـ تئوری .

آغار رمانی بمایشنامه های سسکریت معلوم بیست میبوان گفت که فرن سوم بس ار مسیح بمایشنامه های سسکریت بصورت یکامل‌یافته‌یی در آمده بودید برخلاف نظر برخی ار محققان اروپایی بمیبوان بمایسامه های سسکریت را بیاسی ار منابع یونانی داست بمایسامه‌های سسکریب واحد مشخصات اصیل هند میباشند وشاید بس ار بسلط یونانیان بر باکتریا (Bactria) فقط ارلحاظ فنی با انداره‌یی ریر بفود بمایشنامه های یونانی فرار گرفته باشند برخی محققان باور دارند که مکالماب منطوم ریگ‌ودا

افسانه ها

مهمترین خدمت هند به ادبیات جهانی در افسانه‌های عامیانه است. اخلاق و تعلیمات و مثلها و فلسفهٔ اجتماعی بخوبی در افسانه‌ها منعکس است. معمولا دربارهٔ حادثه معینی عده‌ای افسانهٔ مختلف بوجود می‌آید و پراگنده میشود. افسانه‌های هند در ایران و عالم اسلامی بخش شد و بجاهای دیگر رسید.

۱ - پنچاتانترا

از میان افسانه‌های هند پنچاتانترا یا کتاب چهار فصل شهرت بسیار دارد. ظاهراً باندیت وشنوشارما (Vishnu Sharma) برای تربیت پنج پسر پادشاه به تألیف این افسانها دست زد. از تاریخ تألیف اطلاعی در دست نیست. اما میدانیم که در قرن ششم به پهلوی و سپس به فارسی ترجمه شد، همچنین در همین زمان به زبان سریانی درآمد. از این ترجمهٔ فارسی اثری مانده ولی ترجمه پهلوی باقی نیست. عنوان ترجمه سریانی «کلیلك ودمنك» میباشد که در عربی «کلیله ودمنه» شده است. از مقایسه این ترجمه هاچنین برمی‌آید که متن اصلی (سنسکریت) در کتاب «تانترا خیایکا» (Tantrakhayika) سالم‌تر مانده است.

۲ - در ادبیات بودایی جینی

بعضی برای این افسانه‌ها مبانی بودایی وجینی قائلند. شك نیست که بسیاری از قصه‌های پیروان آیین جین (Jain) و افسانه‌های مربوط به ولادت بودا از دیر زمان درهند شیوع داشته است ولی نمیتوانیم ارتباط این افسانه‌ها را با مآخذ بودایی و جینی معلوم کنیم.

درهرحال افسانه‌های کلیله و دمنه در اروپا بنام افسانه‌های «بیدپا» یا «پیلپا» مشهور شد ودر داستانهای لافونتن مؤثر افتاد.

۳ - هیتوپدشا

مجموعه دیگری از افسانه‌ها بنام هیتوپدشا (Hitopadesa) از کلیله ودمنه گرفته

نمایشنامه نویسان این دوره عبارتند از باسه (Bhasa) و کالیداس و سودراکا (Shudraka) و باوابوتی (Bhavabhuti) و سری هارشا (Sri Harsha) باسه از دیگران قدیمتر است و نمایشنامه های سیزده گانه او تا اوایل قرن حاضر در دست نبود این نمایشنامه‌ها بسیار ساده ، لطیف و مؤثر میباشند و موضوع اصلی اغلب آنها افسانه‌های مردم پسند حماسی است

۵ ـ شودراکا

در یک حاکاسکام اثر سودراکا سر اثری فوق‌العاده دارد بنابراین کلی کارت ـ (Clay - Cart) دارای اثری زیاد و حاکی از داستان عشق یک جوان برهمن است و عوامل مابعد طبیعی در آن وجود ندارد در بعضی از صحنه‌های این نمایشنامه زنان بارا کریت گفتگو میشود

۶ ـ شاکونتالا اثر کالیداس

مسلماً برجسته ترین نمایشنامه نویس هند کالیداس است و شاکونتالا (Shakuntala اثر معروف او همپایه عالی ترین آثار نمایشی جهان میباشد کالیداس سه نمایشنامه رومانتیک نوشت شاکونتا نام بانویی است که عشق او با پادشاه دوشیانتا (Dushyanta) موضوع نمایشنامه است اصل این نمایشنامه از مهابهارات (Mahabharata) است ولی کالیداس آنرا با لطف و مراعات کامل بیان کرده است این نمایشنامه بقدری در گوته نویسنده بزرگ آلمانی اثر کرده است که شعری درباره آن سرود دکتر هادی‌حسن استاد دانشگاه علیگر خلاصه این نمایشنامه را به فارسی در آورده و آقای علی‌اصغر حکمت سفیر کبیر سابق ایران درهندسر آنرا بنظم فارسی در آورده‌اند

۷ ـ بهاوابوتی

بهاوابوتی (Bhavabhuti) بعد از کالیداس نمایشنامه نویس برجسته ایست و « اوتارام چاریتا » (Uttara Ram Charita) که وی برای داستان رامایانا فراهم کرد بسیار زیبا است گرچه نویسنده این موضوع تا قرن سیزدهم ادامه یافت باز اثر بهاوابوتی هیچگاه از رونق نیفتاد

مشاهده میشود که شاید بااندازه‌ای تعلیمات اخلاقی محسوس و روشن افسانه‌های بعدی را دربر ندارند

هرتل (Hertel) یکی از دانشمندان مشهور عقیده دارد این‌افسانه‌ها دست کم از دویست سال قبل ازمیلاد مسیح وجود داشته‌است بنفی (Benfey) یکی از دانشمندان بزرگ آلمان اظهار میدارد که اصل‌این افسانه‌ها بودایی بوده ، ولی دراین مورد دلیل قاطعی اظهار ننموده است بعضی از دانشمندان اروپایی که سردسته آنها وبر (Weber) است ، طرفدارفرضیه یونانی‌بودن دراین‌افسانه‌ها بوده ولی‌تئوری‌آنان بادلیل‌قانع کننده‌ای همراه نیست ومدارکی برای اثبات‌آن دردست ندارند

یکی از مهمترین افسانه‌های تعلیماتی و اندرزآمیز پنجاتنترا (Panchatantra) است که بعلت داشتن پنج فصل بدین‌نام خوانده شده است این کتاب بوسیله برزویه (Burzoi) درزمان سلطنت‌انوشیروان درحدود سال۵۴۵ میلادی به زبان پهلوی‌ترجمه شد ولی متاسفانه ترجمه پهلوی واصل سنسکریت آن ازبین رفته است ترجمه پهلوی برزویه مابین‌سالهای ۵۷۰ و ۷۵۰به زبانهای سریانی وعربی‌ترجمه شد وسزاوارجای‌تعجب است که هم ترجمه پهلوی وهم ترجمه عربی کتاب مجموعه افسانه های پنجاتنترا به‌نام کلیله ودمنه‌خوانده شده است شایداین کتاب درهند درابتداء‌بنام «کاراتاکا» و «دمناکا» نام دوشغالی که نقش مهمی در یکی ازفصول کتاب برعهده دارند خوانده میشده است بعضی ازدانشمندان عقیده دارند این کتاب درابتداء فقط دارای سه فصل بوده و بعدها که دوفصل دیگر بدان اضافه شد نام پنجاتنترا یعنی پنج فصل خوانده شد

بهرحال‌حکایات پنجاتنترا مدت دوهزارسال‌است که درهند کاملا محبوب‌ومتداول است این کتاب بعدازانجیل تنها کتابی است که تا این اندازه به زبانهای مختلف دنیا ترجمه‌شده علاوه‌براین‌ترجمه‌های مختلف ، که عموما ازترجمه عربی کتاب‌اقتباس‌شده آثاری ازاین افسانه‌ها در کتابهایی مانند La Moral Filosofia , La Fontaine , Fables of Pilpai or Bedpai , Buch der Biespe

شده‌است این مجموعه که از اولین کتب فرابی‌خوانندگان زبان‌سنسکریت است، شامل چهار کتاب است مجموعه دیگر «وتال - پنچاویمساتی» (Vetala – Pancavımsati) نام دارد، شامل ۲۵ افسانه مجموعه دیگر، «سوکا - ساپتاتی» (Shuka - Saptatı) شامل ۷۰ افسانه است

۴ - منابع دیگر

«کاتا - سریت - ساگارا» (Kath‌a – Sarıt - Sagara) ، «بریهات - کاتا - منجاری» (Brıhat - Kath‌a - Manjarı) درقرن یازدهم بوسیله کاشمیر (Kashmır) منظم شد و مرکب از شعر ونثر است

۵ - نثر نویسی

گرچه ادبیات منثور سنسکریت غنی نیست ، از برخی آثار مهم منثور مانند آثار «داندین» (Dındın) و بانا (Bana) و سوباندهو (Subandhu) ارزش فراوان دارند کادامباری (Kadambarı) اثر بانا بسیار زیبا است

البته در این مختصر از آثار فلسفی وحقوقی و نویسندگی سنسکریت نامی نبرده شده است

افسانه‌های هند و کلیله ودمنه

مبدأ تاریخی افسانه(۱) های ادبیات‌سنسکریت تا اندازه‌ای تاریك بوده وروی این اصل مسائل مهمی در آن وجود دارد که حتی تا امروز هم لاینحل مانده است بسیار مشکل‌است که بتوان اظهارداشت که این افسانه‌هادرچه‌زمان شروع‌شده وچه کسی اصل وپایه آنها را بنیان‌نهاده است در ودا که یکی ازمنابع نخستین ومهم آثار ناستهاست چند افسانه دیده میشود در اوپانیسادها (Upanısadas) و متون دیگرحکایات وداستانهایی

۱ - لغت افسانه در این مقاله ترجمه لغت انگلیسی fable است که عموماً به پند و اندرزها یی که بصورت افسانه‌هایی از زبان حیوانات بیان میشود اطلاق‌میگردد بهترین نمونه این افسانه‌ها کلیله ودمنه است

راجع به مأخذ اولیه این افسانه‌ها نظرات مختلفی است، ولی همه دانشمندان توافق دارند که بیشتر آنها از برِیهات کاتا ـ مجموعه‌ای از افسانه‌ها که فعلاً بیشتر آن از بین رفته ـ اقتباس شده است. چنانکه گفته‌شد بریهات کاتا بزرگترین مجموعه افسانه‌ها بوده ودر آن‌هفتصد هزار شلوکاس (Shlokas) وجود داشته‌وفقط یك‌هفتم آن باقیمانده‌است مجموعه‌های دیگری از افسانه‌ها بنام « وتال ـ پنجاویمساتی » (Vetal - Pancavımsatı) (بیست‌وپنج‌افسانه گوبلین) « سیمهاسانا ـ دوا ـ تریمشات ـ یو تانکا» (سی‌ودو افسانه گفته شده بـوسیله تحت سلطنت به ویکراماتاه) وجود دارد که هردو این مشخصات بودایی دارند مجموعه دیگر بنام «سوکا ـ ساپتاتی» (هفتادافسانه گفته شده بوسیله‌طوطی) که ارتباط نه‌زن وشوهری دارد، موجود است و هرسه‌این نه‌نثر نوشته‌شده دومجموعه دیـگر افسانه‌ها درکشمیر هردو بسبك شعر نوشته شده کـه یکی مجموعه‌ای بنام «بریهات ـ کاتا ـ منجاری» (شکوفه حکایات) بوسیله کشمندرا سروده شده ودیگری‌بنام «کاتا ـ ساریت‌ساگر» (اقیانوس‌حکایات) بوسیله سومادوا به‌نظم‌در آمده‌است درهردو این آثار بریهات کاتا ماخذ افسانه‌ها ذکر گردیده ودرقرن دهم و دوازدهم میلادی‌نظم شده‌اند اشعار اخلاقی این دوائر و کتب دیگر بصورت شعر « درام » کتب حقوقی و حماسه‌سرایی منتشر گردیده است



وکیت دیگر مشاهده میشود تقریبا تمام زبانهای ادبی جهان شامل ترجمه افسانه ها و خوسمرکبها و مکاهبات آن میباشد اگرچه اصل این کتاب متعلق به هندیها بوده ولی ایرانیان در انتشار آن سهم بسزایی داشته‌اند وچنانکه گفته شد اولین ترجمه آن به زبان پهلوی تهیه واساس ترجمه بعدی عربی این کتاب گردید

باآنکه این افسانه‌ها بمنظور نصایح وتعالیم عملی اخلاقی برای شاهزادگان تهیه شده ولی نویسندهٔ آن زحمات فراوانی برای جالب‌شدن آن متحمل شده است مؤلف با ترتیب ماهرانه و هنرمندانه‌ای (مانند حقه سیندرلا Cindrella) این افسانه‌های جدا ازهم را که درعین حال مجموعا حکایت طولانی را ادامه میدهند ، شرح داده وحکایات متعددی برای اثبات نظرات اخلاقی خویش بیان نموده است عموما قهرمانان این افسانه‌ها حیوانات بوده وگیاهان نیز نقش های کوچکتری را برعهده دارند این عادت اصحاب حیوانات درافسانه‌ها یك سنت قدیمی است که در هندوستان وجود داشته وچند افسانه بدین گونه در ودا و اوپانیشادها و ماهابهاراتا وجود دارد که درآنها حیوانات از حکمت ودانش گفتگو مینمایند همچنین درافسانا های مربوط به ولادت بودا ، حیوانات نقش مهمی را برعهده دارند

این طرز افسانه‌های جدا ازهم که در ضمن مجموعا افسانه طولانی‌تری را ادامه میدهند در قرون وسطی‌بسیار متداول بود حکایات شبهای عرب وهزارویك‌شب یکی از نمونه‌های آنست

۱

پنجاتنترا در نسخه‌های مختلف و متنوع وجود دارد و تنوع این نسخ بعلت مخصوص این کتاب بوده کـه در هردوره افسانه‌های آنرا با وضع زمان تعدیل و نسبت به تمایلات واحتیاجات خویش‌تغییراتی بهمین کتاب داده‌اند تغییرات چاپ (Recension) پهلوی چهار چاپ مهم دیگرنامهای چاپ شمال‌غرب ، چاپ کشمیر، چاپ نپالی وچاپ هیتوپدشا خوانده میشوند آخرین چاپ بنا بر روش پنجاتنترا تهیه و در آن صریحا اقرار شده است که تا چه اندازه مرهون پنجاتنترا میباشد

ب ـ مصوت مرکب

آی	ai		ای	e	کامی
او	ou		او	o	لبی

آح ah (بافشار تلفظ میشود)

آم am (غنه)

حروف بی صدا

گلوبی	Guttural	k	ک	kh	که	g	گ	gh	گه	n	
کامی	Palatal	c	چ	ch	چه	j	ج	jh	جه	ñ	
مغزی	Lingual	t	ت	th	ته	d	د	dh	ده	n	
دندانی	Dental	t	ت	th	ته	d	د	dh	ده	n	ن
لبی	Labial	p	پ	ph	په	b	ب	bh	به	m	م
نیم‌صدا	Semi - vowels	y	ی	r	ر	l	ل	v	و		
صفیری	Sibilants	ś	ش	ṣ	ش	s	س				
فشاری	Aspirate	h	ح								
غنه	Nasal	n		n		n		n		m	

۱ ـ اسامی وصفات Nouns and Adjectives

الف ـ در سنسکریت اسامی وصفات آنقدر بهم شبیه و نزدیك است که میتوان یکجا از آنها بحث کرد اسامی و صفات دارای سه جنس یعنی مذکر ومؤنث و خنثی میباشند

هیچ قانون مؤکدی دربارهٔ تشخیص وتعیین جنس در زبان سنسکریت وجود ندارد بلکه فقط از روی استعمال یك اسم یاصفت میتوان بجنس آن پی برد مثال

آسوا « بریان » (اسب نر) ، مذکر

مالا (تاج گل) ، مؤنث

۳ - مختصری دربارهٔ دستور سنسکریت

فراگیرندگان زبان سنسکریت اغلب بعلت دستور آن هراسان میشوند درحالیکه دستور سنسکریت چندان پیچیده ومشکل نیست بلکه جامع وکامل است واگر کمی دقت شود ، مسلم خواهد گردید که مطلب پیچیده‌ای وجود ندارد که در مبتدیان ایجاد ترس نماید زیرا هر زبانی کیفیات مخصوصی دارد که با حوصله وتمرین قابل یادگرفتن است ومسلماً دانش آموز باساختمان واصول زبان آشنا شود میتواند بسهولت پیشرفت کند

مطالب مختصر ذیل اشکالات اولیه گرامر سنسکریت را بآسانی برطرف خواهد کرد

الفباء سنسکریت

زبان سنسکریت باخط دوناگری (زبان خدایان) Devanıgarı نوشته‌میشود نمونه حروف آنرا درقسمت‌جداگانه‌ای بعداً خواهیم‌آورد ودراینجا الفباء سنسکریت رابا خط لاتین و فارسی‌می‌آوریم خط دوناگری دارای۴۸حرف است که شامل‌حروف صدادار و بی‌صدا است و این حروف برطبق قواعد علمی صدا شناسی (Phonetıc) دسته‌بندی شده‌اند

حروف صدادار

الف ـ مصوت مفرد

آ	ı	ا	a	گلویی
ای	ı	ای	ı	کامی
او	u	ا	u	لبی
ری	r	ری	r	مغزی
		لری	lr	دندانی

	مفرد	تثنیه	جمع
Nom	s (m,f) m (n)	au (m,f,n) ı (n)	as (m,f) ı (n)
Acc	am (m,f) m (m,f,n)	au (m,f) ı (n)	as,s (m,f) n (m) ı (n)
Ins	a (m,f,n) ına (m,n)	bhyam (m,f,n)	bhis (m,f,n) ais (m,n)
Dat	e (m,f,n) ya (m,n)	bhyam (m,f,n)	bhyas (m,f,n)
Abl	as (m,f,n) t (m,n)	bhyam (m,f,n)	bhyas (m,f,n)
Gen	sa (m,f,n) sya (m,n)	os (m,f,n)	ım (m,f,n)
Loc	ı (m,f,n) sm , su	os (m,f,n)	su (m,f,n)

۳ - ضمایر واعداد Pronouns

الف - ضمایر واعداد نیز ازحیث جنس وعدد سه دسته تقسیم میشوند ضمایر حالت ندائی ندارند درحالیکه اعداد دارند

ب - ضمایر شخصی عبارتند از

	مفرد	تثنیه	جمع
اول‌شخص	sah	tau	te
دوم‌شخص	tvam	yuvam	yuyam
سوم‌شخص	aham	avam	vayam

همانطور که ملاحظه میشود این ضمایر فقط دراول شخص ازحیث مذکر و مونث تغییر میکنند ودرسایر اشخاص عینا یکی هستند

ج - ضمایر اشاری دارای سه‌جنس وسه‌عدد وهفت حالت هستند

د - استعمال ضمیر موصولی تا حدی در زبان سنسکریت عجیب است این ضمیر دارای سه جنس است درسنسکریت ضمیر و اسمی که ضمیر بآن عطف میشود قبل‌از جمله موصول میآید مثلا yam balam hyah apaśyam sah agatah

یعنی آن پسرراکه دیشب دیدم او آمده است

۵ - ضمیر استفهامی **کیم** (kım) دارای سه جنس است برای دلالت بیک‌معنی مبهم ، گاهی یکی از پساوندهای ذیل باین ضمیر اضافه میشود

حلام (آب) ، حسی

ب ـ همهٔ اسامی وصفات ارحیث عدد سه دسته تقسیم مسوند مفرد و سبه و حمع استعمال سبه درسسکریت سیارمتداول است ، برحلاف ربان یونانی که در آن سبه درحال فراموس سدن است

ح ـ کلمات سسکریت دارای هست حالت هستند فاعلی ـ مفعول به ـ مفعول فیه ـ مفعول‌عنه ـ مفعول مع ـ ملکی ـ ندا حالت فاعلی وندا فقط درمفرد تغییرمیکند وتصریف حسی درفاعلی ومفعولی عینا یکی است

د ـ کلمات حسی‌در تمام حالات تابع مدکرهستند مگردرحالت فاعلی‌ومفعولی ریسه اسامی و صفات و مستقات فعل یا به حروف صدادار حتم مسوند و یا به بیصدا حروف آحراصلی عبارتند ار

۱ ـ ریسه‌هایی که به «ا» و «آ» حتم مسوند ، دسته اول‌مدکر وحسی و دومی اغلب مؤنث هستند **اسوا** ـ مدکر، **حل** ـ حسی ، **مالا** ـ مؤنث

۲ ـ ریسه‌هایی که به **ای و او** حتم می‌سوند این ریسه‌ها در تمام حنس‌ها یافت مسوند ، اگرچه بیستر ریسه‌هایی‌که به «او» حتم مسوند مدکرند

مثال **کاوی** (ساعر) ، مدکر **عانی** (عقل) ، موبث **واری** (آب) ، حسی **بهانو** (حورسید) ، مدکر **مادهو** (عسل) ، حسی **دهنو** (گاو) ، موبث

۳ـ ریسه‌هایی‌که‌به **ای** و **او** (کسیده) حتم‌مسوند این ریسه‌ها اکبرسان‌موبث هستند مثال

نادی (رودحانه) **داسی** (کلفت) **وادهو** (عروس)

۴ ـ ریسه‌هایی که بحروف بی‌صدا حتم مسوند متعدد هستند و سامل هرسه‌حنس میباسند ولی **آم و اس** بیستر حسی هستند

۵ ـ ریسه‌هایی که به **ری و ری** (کسیده) حتم مسوند ایبها درهرسه حنس یافت مسوند مثلا **پیتر** (پدر) ، مدکر **ماتری** (مادر) ، موبث **داتری** (بحسنده) ، مدکر و حسی

هـ ـ تغییرات طبیعی برای حالات محتلف در سسکریت سرح ریر است که برطبق قواعد گرامر تغییر میکنند

Non - thematic است و ریشه‌های آنها حروف دیگری میگیرند که برطبق آن حروف بر دسته‌بندی میشوند

Thematic √ bhū - bhavati , √ drś - paśyati

√ tud - tudati , √ cur - corayati

Non - thematic

√ as - asti , √ dā - dadāti , √ su - sunoti

√ krī - krīṇāti , √ rudh - rundhati , √ kṛ - karoti

زمان ووجوه افعال Moods and Tenses

افعال دارای سه زمان هستند که گذشته (ماضی) وحال وآینده

زمان حال دارای چهار وجه است وجه اخباری ـ وجه امری ـ وجه‌الزامی ـ وجه دعائی

Benedictive - Optative - Imperative - Indicative

زمان گذشته به ماضی مطلق و ماضی نقلی و ماضی بعید و (Aorist) تقسیم میشود

Aorist Imperfect and perfect

زمان آینده به مستقبل قریب و مستقبل بعید وشرطی تقسیم میشود

Conditional , Indicative , Immediate

بهرحال برای مبتدیان یادگرفتن چهاروجه زیر بسیار ضروری وآسان است

۱ ـ حال اخباری ۲ ـ امر ۳ ـ آینده بعید ۴ ـ ماضی نقلی

Past - imperfect , Future - indicative , Imperative , Present - indicative

افعال مشتق ـ سنسکریت دارای خصوصیت دیگریست وآن اینست که فعل اصلی برحسب معنی مورد نظر بانواع مختلف ، تصریف میگردد ، ازمیان این انواع چند قسمت زیر بسیار متداول است

Causative Verb

۱ ـ سببی ـ این اشتقاق با افزودن ay به ریشه ساخته میشود و مخصوص در ـ

	هرجه	جمع معنی	
Masc	kas – cid	kis – cani	kah – ipi
Fem	ki – cid	ki – cani	ki – ipi
Neu	kim – cid	kim – cini	kim – ipi

ه ـ اعداد یك ـ دو ـ سه دارای سه جنس هستند ولی یك فقط مفرد و دو فقط تثنیه وسه فقط جمع است از سه تا ده فقط درجمع تصریف میشوند

۳ ـ فعل THE VERB

الف ـ زبان سنسکریت از حیث ریشه افعال غنی است و از این لحاظ نشانه فراوانی زبان بوده و نشان دهنده ادبیات وغنای زبان ، دارای اشکال مختلفی بوده که در زمان حاضر بمیزان قابل توجهی از تعداد آنها کاسته شده است

ب ـ افعال سنسکریت دارای دو بناء معلوم ومجهول هستند بعلاوه ، بناء معلوم به دو حالت تقسیم میشود معلوم ومیانه این دو بناء دارای تصریف جداگانه هستند و کاهی یك ریشه بر دو بناء صرف میشود بناء معلوم بوسیله اسم (Parasmai - pada) وبناء میانه بوسیله اسم (Atmane pada) ساخته میشود

(معلوم) Active yajati sih اوقربانی میکند

(میانه) middle yajate sin او قربانی میکند

(مجهول) passive ijyate teni بوسیله اوقربانی میشود

ج ـ اشخاص ـ افعال در سنسکریت دارای سه شخص هستند که هرشخص نیز یا مفرد است یا تثنیه و یا جمع بهرحال باید دقت کرد که اول شخص سنسکریت معادل باسوم شخص زبان فارسی است

د ـ ریشه افعال در سنسکریت بده دسته تقسیم میشوند که هردسته دارای تصریف مخصوصی است برای آسانی میتوان افعال را بدودسته تقسیم کرد

Thematic و non - Thematic تصریف دسته اول وچهارم و ششم ودهم Thematic است و ریشه آنها a میگیرد تصریف دسته دوم و سوم و پنجم و هفتم و هشتم و نهم

میشوند این حروف بصورت حرف اضافه استعمال میگردند تا حالت اسم را بهتر نشان دهند

Vına (بدون) - sevakam vınа , sevakena vına بدون یك مستخدم

sevakıd vına

Saha (با) - sevakena saha با یك مستخدم

ج - کلمات زیر کلماتی هستند که بنا بر قرارداد و استعمال مداوم بعنوان قید (حرف اضافه) وحرف ربط استعمال میشوند وغیر متصرف اند

uccaıh	بلند وبالا	nıcaıh	پایین
adhah	پایین	uparı	بالا
kutra	کجا	tatra	آنجا
atra	اینجا	sanaıh	آهسته
apı	هم ، نیز	saıvadı	همیشه
tadı	آنوقت	yada	وقتیکه
kıntu	اما	yadı	اگر
va	یا	eva	فقط

د - کلمات استفهامی - بعضی از کلمات استفهامی ضمیر و دارای جنس و عدد و تصریف اند درحالیکه عدهٔ دیگر غیرمتصرف اند

Pronouns	kım	چه
	kah	که
	kım - artham	چرا
Indeclınables	kadı	کی
	kutra	کجا
	katı	چقدر

موردی که شخص دیگری غیرفاعل ، بشو بی بانجام عمل‌میکند بکار برده میشود مثال
gamayati - gam ۱ رفتن - او میرود - او روانه میکند

Desiderative Verb

۲ - هوسی - و آن درمواردی استعمال میشود که غرض‌بیان هوسی باشد برای ساختن‌این‌فعل، ریشهٔ اصلی‌تکرار وحرف S اضافه میگردد مثال jigamisati - gam ۱
او میخواهد برود

Denominative Verb

۳ - اسمی - این وجه عبارتست از تصریف اسم‌مانند فعل مثال

خوشبختی - او خوشبختی میآورد	sukha - sukhayati
ریاضت - او ریاضت میکشد	tapas - tapasyati
الاغ - او احمقی میکند	gardabha - gardabhiyate

Adverbs , Prepositions and Conjunctions

۴ - قید - حرف اضافه - حرف ربط

الف - پیشاوندهای فعلی - سنسکریت‌دارای پیشاوندهای متعددیست که بصورت قید استعمال میشوند ودر معنی فعل واسم هردو تغییر میدهند

این پیشاوندها جای مستقلی ندارند ولی باسم وفعل اضافه میشوند

او دنبال میکند ۱	gam ۱ anu - gacchati
جمع میشود اوهمراه میشود یکی‌میشود	sam - gacchati
او خارج میشود	nir - gacchati
او میفهمد	ava - gacchati

ب - حروف اضافه - در سنسکریت حرف اضافه بمعنی واقعی خود وجود ندارد ولی چند حرف غیرمتصرف هستند که عمل حرف اضافه را انجام میدهند باوجود این حروف غیرمتصرف هرگز وجود مستقلی ازخود نداشته وهمیشه بااسم یاصفتی بکاربرده

کار بوسیله او انجام شد \ kṛ kṛtah tena kṛtyam kṛtam

کو با او رفته است \ gam gatah , sah gatah

هنگامیکه معنای انفعالی از این فعل گرفته میشود این کلمه جنس مفعول خود را میگیرد و فاعل آن مانند وسیله انجام فعل (Instrumental) استعمال میشود

بسر بوسیله او دیده شده \ drs - drstrah , tena bilah distah

دختر بوسیله او دیده شده distā - tena bāla - distā

Gerund and Infinitive

ب ـ Gerund عبارت از یك نوع اسم مصدر خاصی است که دارای معنی فعلی باشد و بترتیب ذیل ساخته میشود هرگاه فعل دارای پیشاوند نباشد tvā را به ریشه ضعیف آن میافزائیم ولی اگر فعل پیشاوند همراه داشته باشد بجای tvā , ya را اضافه میکنیم

آمده \ gam gatvā رفته ā - gam āgatya

فائده کرده \ kṛ kṛtvā کرده upa - kṛ upakṛtya

مصدر ـ مصدر با اضافه کردن tum به ریشه فعل ساخته میشود

برای رفتن \ gam gantum

برای کردن \ kṛ kartum

صفت تفضیلی و صفت عالی Comparative and Superlative degrees

۱ ـ مانند فارسی، صفت تفضیلی با اضافه کردن tara وصفت عالی با اضافه کردن tama بصفت مطلق ساخته میشود

dura دور duratara دورتر duratama دورترین

۲ ـ بعضی از اسامی که به iyas ختم میشوند با اضافه کردن istha بآنها صفت عالی ساخته میشود

katham چطور

kada paryantam تاچه وقت

VERBAL NOUNS (present and past – Participles)

۵ ـ اسم مصدر **Verbal noun** ـ مصدر ـ اسم مفعول ـ اسم فاعل

الف ـ اسم مصدر ـ اسم فاعل **Present participle**

۱ـ اسم فاعل ـ با اضافه کردن **at** بریشه بناء معلوم و **mana** (**ana**) در بعضی حالات بریشه بناء میانه ساخته میشود و قابل تصریف بهرسه جنس است در حقیقت وقتی **at** به ریشه اضافه میشود برای مذکر بهشکل **an** و برای مونث بهشکل **anti** درمیآید

اسم فاعل درزبان حال استمراری دلالت بردو عمل میکند مثال

در حال ایستادن او دشمن را کشت **Patan sah arim hatavan**

۲ـ اسم مفعول‌معلوم **Past - participle** ـ عبارت ازاسم مفعولی‌است که برای تصریف فعل معلوم استعمال میشود این نوع‌اسم مفعول‌با اضافه کردن **tavat** به‌ریشه ساخته میشود اسم‌مفعول معلوم تمام احوال‌هشتگانه صرف‌میشود وبرحسب جنس **vat** را به **van** در مورد مذکر و به **vati** در مورد مونث تبدیل باید کرد

krtavati (fem) ,\ **kr – krtavat krtavan (masc)**

۳ ـ اسم مفعول مجهول ـ وقتیکه **ta** یا **na** مانند پساوند بریشه فعل متعدی افزوده میشود یك صفت فعلی‌میسازد که دارای معنای مجهولی است که‌آنرا اسم‌مفعول مجهول میتوان نامید هرگاه همین **ta** یا **na** بیك فعل لازم اضافه شود حالت مجهولی خود را از دست داده مفهوم گذشته غیرمعین بوجود میآورد

مانند سایر ریشه‌هائی‌که به **a** ختم میشوند این ریشه نیزدارای سه‌جنس وبهرسه جنس نیز قابل‌تصریف است

ح ـ وقتی که i و u بدنبال a بیاید از ترکیب a - i ، حرف صدادار e و از ترکیب a - u ، حرف صدادار o بدست می‌آید

حالا اینجا است	atra - idanım atredanım
بالا رفته	gatā - uparı gatoparı

د ـ وقتی که e یا o بدنبال a بیاید، از ترکیب a با e ، ai و از ترکیب a با o ، au بدست می‌آید

بعداً یک‌بار	atha – ekadā athaikadā
بر هیچ آنجا است	tatra - odanam tatraudanam

ه ـ قواعد مربوط به تغییر s و r متعدد است و بعداً بیان خواهد شد s هرگاه در آخر کلمه واقع شود اغلب به h تبدیل میگردد ولی اگر حرف a بر آن مقدم باشد به o تبدیل میشود

بسربچه میافتد	balah patatı
او اینجا است	sah atra astı–/ so ، trastı

کلمات مرکب Compounds

ترکیب دو یا سه کلمه باهم در زبانهای هند و اروپایی بسیار متداول است زبان سنسکریت بر اساس این قاعده مبتنی بوده ، کلمات مرکب فراوانی در آن بچشم میخورد بنابر محل کلمات ، ترکیب آنها را بشش دسته تقسیم میتوان کرد در کلمات مرکب فقط آخرین جزء برحسب حالت کلمه تغییر می‌یابد

مثال

۱ ـ وقتی که عضو اول دارای اهمیت است شاهزاده (شاه ـ زاده) rāja–putrah

۲ ـ وقتی که عضو دوم دارای اهمیت است مار سیاه krsna – sarpah

۳ ـ وقتی که هر دو عضو دارای اهمیت هستند مادر و پدر māta – pıtarau

کوچك کوچکتر کوچکترین kanıyas kanıyan ، kanıstha

بزرگ بزرگتر بزرگترین jyayas jyıyan ، jyestha

ادغام وعدم تنافر Euphonic inflexions

ادغام یا Sindhi درزبان سنسکریت عبارت است از ترکیب حروف آخر کلمات با حروف اول کلمات بعدی برای عدم تنافر اصوات آن حروف اگرچه ادغام دراغلب زبانها کم وبیش یافت میشود و در زبانهای اروپایی به Euphony معروف است درزبان سنسکریت این جریان بحد اعلای تکامل خود رسیده و قسمت لاینفکی از دستور این زبان‌را تشکیل داده است

ترکیب و چسباندن دوکلمه برحسب حروف صدادار و بی‌صدایی که در آخر و اول کلمات مورد نظر قرار گرفته ، تابع قواعد مختلفی است بعضی باشتباه تصور میکنند که‌ادغام‌وعدم تنافررا ایده جعل‌وفکرمحققان دستورزبانست‌ولی‌باید دانست که ادغام و عدم تنافر پدیده است طبیعی که محققان دستور زبان قواعد آنرا مرتب نموده‌اند

برای درك این مطلب بهتراست دانشجویان بدروسی که در آخر کتاب حاضر آورده شده مراجعه کنند در این دروس کلمات ادغام شده بطور جداگانه ذکر گردیده است

ذیلا پاره‌ای از اشکال ساره‌معمولی ادغام را یادآور میشویم

الف ـ هرگاه نزدیکی زیادبین دوحرف صدادار مورد نظر باشد ترکیب آندو باکشیدن همان حرف صدادار بدست میآید

kadı – apı kadıpı

kıvı – ısah kıvısah

ب ـ وقتیکه a بدنبال ı ، u باشد ı به y و u به v تبدیل میشود

همین طور ıtı – apı ıtyapı

عسل بیاورید madhu – anaya madhvanaya

درس اول ـ اسمها

۱ ـ اسمهایی که بحروف باصدا ختم میشوند .

الف ـ کلمات مذکر ومؤنث که به (a) ختم میشوند

مذکر		خنثی	
اسب	asva	میوه	phala
خر	khara	ثروت	dhana
شیر	simha	ناخن	nakha
طوطی	suka	علم	gyana
کبوتر	kapota	سخاوت	dana
فیل	gaja	گل	puspa
شتر	ustra	برگ	patra
گرگ	vrka	روز	dina
پسربچه	bala	غذا	anna
مرد	jana	گوهر	ratna
درخت	vrksa	آب	jala

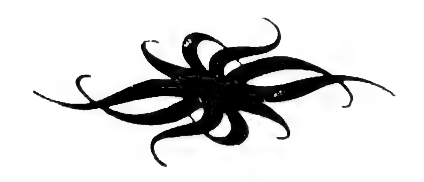
ب ـ کلمات مؤنث که به (ā) ختم میشوند

ارتش ـ لشکر	senā
تاج گل	mala
دختربچه	bala
سایه	chayā

۴ ـ وقتی که هیچ یک از اعضاء دارای اهمیت نیست و کلمه مرکب معنی جداگانه‌ای را میرساند (جاسوس ـ چشم) پادشاه cāra – caksu

۵ ـ وقتی که عضو اول از حروف غیرقابل تصریف باشد (هم ـ سفر) مسجدم anu – carah

۶ ـ وقتی که یکی از کلمات جزء اعداد باشد پنجاب (پنج ـ آب) panca – nadam



۲ ـ صرف کلمات خنثی مختوم به (a)

phala (میوه) ـ خنثی

Nom	phalam	phale	phalānı
Voc	phala	»	»
Acc	phalam	»	»

صرف حالات دیگر مانند صرف مذکر است

۳ ـ صرف کلمات مؤنث مختوم به (a)

bala (دختر)

Nom	bālā	bale	balah
Voc	bale	»	»
Acc	balım	»	»
Instr	balaya	balābhyım	balabhıh
Dat	balayaı	»	bālabhyah
Abl	balayıh	»	»
Gen	balayah	balayoh	balānam
Loc	bālayam	»	balaşu

تمرین

کلمات زیر را بفارسی برگردانید

śukam balan aśvena gajaya janaıh kapotābhyım balayoh gyanena vrkśat sımhasya patranam senam bālaya chayayam kharena dınayoh puspeśu Sıtayaı senābhıh śālāyām

dayā	مهربانی
aśa	امید
ksama	بخشش
bhasa	زبان
sandhya	غروب
Kamala	اسم خاص
kanyā	دختر
bhāryā	زن (همسر)
vidyā	علم
sala	منزل
Sita	اسم خاص

۱ ـ صرف کلمات مذکر مختوم به (a)

(اسب) aśva

	مفرد	تثنیه	جمع
Nom	aśvah	aśvau	aśvah
Voc	aśva	»	»
Acc	aśvam	»	aśvan
Instr	aśvena	aśvabhyam	aśvaih
Dat	aśvaya	»	aśvebhyah
Abl	aśvat	»	»
Gen	aśvasya	aśvayoh	aśvanam
Loc	aśve	»	aśvesu

۲ ـ صرف کلمات مؤنث مختوم به (i)

(عقل) mati

Nom	matih	matayah
Voc	mate	»
Acc	matim	matih
Instr	matinā	matibhih
Dat	mataye – matyai	matibhyah
Abl	mateh – matyāh	»
Gen	mateh »	matinām
Loc	matau – matyam	matisu

سنهٔ این کلمه مانند سنه درحالت اول است

۳ ـ صرف کلمات حسی مختوم به (i)

(آب) vari ـ

Nom Voc	vari	varini	varini
Acc	vārnnā	varibhyam	varibhih
Instr			vāribhysh
Dat	varine		»
Abl	varineh	varinoh	varinam
Gen	»	»	varisu
Loc	vārini		

فعل زمان حال

صرف زمان حال فعل بودن وشدن √ as

	مفرد	سنه	جمع
اول شخص	asmi	svah	smah
دوم شخص	asi	sthah	stha
سوم شخص	asti	stah	santi

ضمیر شخصی

aham	من	avam	ما دونفر	vayam	ما
tvam	تو	yuvām	شمادونفر	yūyam	شما
sah	او	tau	آن دونفر	te	آنها

درس دوم

ح ـ کلمات مذکر ومؤنث وخنثی مختوم به (i)

خنثی ، مؤنث		مذکر	
gatı f	حرامیدن	kavı	شاعر
matı f	عمل	alı	زنبور
santı f	آرامش	munı	درویش ـ قلندر
prıtı f	عشق	agnı	آتش
varı n	آب	patı	شوهر

۱ ـ صرف کلمات مذکر مختوم به (i)

kavi (شاعر)

	مفرد	تثنیه	جمع
Nom	kavı	kavı	kavayah
Voc	kave	»	»
Acc	kavım	»	kavın
Instr	kavınā	kavıbhyām	kavıbhīh
Dat	kavaye	»	kavıbhyah
Abl	kaveh	»	»
Gen	kaveh	kavayoh	kavınām
Loc	kavou	»	kavısu

درس سوم

اسمهای مذکر و مؤنث مختوم به (i و u)

مؤنث		مذکر	
رودخانه	nadī	حیوان	paśu
الهه	devī	خورشید	bhānu
زن	nārī	قلندر	sādhu
کلفت	dāsī	استاد	guru
زن (درمقابل شوهر)	patnī	دشمن	śatru
شهر	nagarī	تبر	paraśu

صرف کلمات مؤنث مختوم (۱)

nadī (رودخانه) ـ مؤنث

	مفرد	تثنیه	جمع
Nom	nadī	nadyau	nadyah
Voc	nadī	«	«
Acc	nadīm	«	nadīh
Instr	nadyā	nadībhyām	nadībhih
Dat	nadyai	«	nadībhyah
Abl	nadyah	«	«
Gen	«	nadyoh	nadīnam
Loc	nadyām	«	nadīśu

۱ ـ صرف زمان حال فعل بودن as ۱ ناصمر

aham - asmı	avam – svah	vayam – smah
tvam – ası	yuvam - sthah	yuyam – stha
sah – astı	tau - stah	te – santı

۲ ـ صرف زمان حال فعل pat ۱ افتادن

اول شخص	patamı	patavah	patamah
دوم شخص	patası	patathah	patatha
سوم شخص	patatı	patatah	patantı

تمرین

۱ ـ جملات زیر را بفارسی برگردانید

sah asvah astı
tvam balah ası
aham janah asmı
Ramah sıtayah patıh astı
sımhah vanesu santı
Hasanah asvat patatı
sa bala astı
phalam patatı
vrksat patram patatı
sukah vrkse santı
jale puspānı santı
vayam vıksat jale patamah

۲ ـ جملات زیر را به سنسکریت برگردانید

او شیر است آنها دختراند کملا (Kamalı) دختر وحشی شیراست روی درختها میوه است نزدیک است که شما از اسب بیفتید فیل در آب میافتد در خانه مقداری گل است فیل در جنگل است شما دختر جاکا است آنها در خانه‌اند



تمرین

۱ ـ جملات زیررا بفارسی برگردانید

janah grihesu vasanti kapotah vrksesu vasanti gajah nadyah jalam pibati aham ākaśe bhanum paśyami guroh putrah sadhunā nadyām gacchati aśvah nrpam nagarim nayati dāsyah devyai phalani nayanti śukah vrksesu phalani khadanti Ahmadah pasun vanesu nayati balāh ākāśe bhanum paśyanti sadhuh grhe tisthati pibanti nadyah svayam na jalam svayam na khadanti phalāni vrksah simhah kharasya śatruh asti tvam patnya saha nagarim gacchasi

۲ ـ جملات زیررا بسنسکریت برگردانید

آنجا دودرخت است شما کجامیروید ؟ من صبحها میوه میخورم امروز ما میخواهیم بشهر برویم اکنون غروب است زورها بشت هم میآیند ومیروند ولی ما نمیدانیم دخترها چطور گلهارا میبرند ؟ اینجا سایه است اگر شما بجنگل بروید، من نیز میروم دختران مشغول خوردن میوه وخندیدن اند آنها اسب نیستند بلکه خرانند



صرف کلمات مذکر مختومه (u)

guru (معلم) ـ مذکر

Nom	guru	guru	guravah
Voc	guro	«	«
Acc	gurum	«	gurūn
Instr	gurunā	gurubhyam	gurubhih
Dat	gurave	«	gurubhyah
Abl	guroh	«	«
Gen	«	gurvoh	gurunam
Loc	gurau	«	gurusu

Conjugational Verbs افعال تصریفی

صرف سوم شخص مفرد زمان حال	ریشه	
gacchati	√ gam (gacch)	رفتن
hasati	√ has	خندیدن
pathati	√ path	خواندن
vadati	√ vad	صحبت کردن
nayati	√ nī	حمل کردن
pibati	√ pa (pib)	نوشیدن
khadati	√ khad	خوردن
vasati	√ vas	زندگی کردن
tisthati	√ stha (tisth)	توقف کردن
paśyati	√ drś (paśya)	دیدن

INDECLINABLES . کلمات غیر متصرف

کلمات غیرمتصرف زیر دارای جنس وشماره وحالت نیستند وتغییر نمایذیرند

اینجا	atra	واو (عاطفه)	ca
آنجا	tatra	فقط	eva
جاییکه	yatra	یا	va–athavā
کجا	kutra	هم	apı
هرجا	sarvatra	نه	na
آنوقت	tada	مانند	ıva
وقتیکه	yada	آهسته	śanaıh
چه‌وقت	kada	چگونه	katham
هروقت	sarvada	صبح	pratah
چنانکه	yathā	عصر	sāyam
بنابراین	tatha	اکنون	adhuna
دیروز	hyah	امروز	adya
پس‌فردا	paraśvah	فردا	śvah

تمرین

۱ ـ جملات زیررا بفارسی برگردانید

bala matrā sah nagarım gacchatı tvam pıtıā kutra gacchası ? gajah śanaıh śanaıh nadyam gacchantı mātā duhıtre phalanı puṣpanı ca nayatı adhuna vayam guroh pustakam pathamah adya vayam pıtra nagarım gacchamah kım tvam apı gacchası? janāh vrkṣanam phalanı kutra nayantı ? yatra yatra agnıh tatra tatra

درس چهارم

اسمهای مذکر ومؤنث مختوم به (r)

pitr	پدر
dātr	بخشنده
bhratr	برادر
duhitr f	دختر
matr f	مادر
svasr f	خواهر

صرف کلمهٔ (pitr) (پدر) ـ مذکر

Nom	pita	pitarau	pitarah
Voc	pitah	«	«
Acc	pitaram	«	pitrn
Instr	pitra	pitrbhyām	pitrbhih
Dat	pitre	«	pitrbhyah
Abl	pituh	«	«
Gen	«	pitroh	pitrnām
Loc	pitari	«	pitrsu

تبصره کلمات مؤنث مختوم به (r) فقط در حالت جمع (Accusative) مانند matrh صرف میشوند وبقیهٔ حالات آنها مانند مذکر است

درس پنجم

۲ ـ اسمهایی که بحروف بی‌صدا ختم میشود و ماضی نقلی

هوا	marut m	فکر	manas n
پزشک	bhısak m	ریاضت	tapas n
تاجر	vanık m	آب	payas n
جهت	dık f	تاریکی	tamas n
گفتار	vak f	چشم	caksus n

صرف کلمه marut (مذکر) و vık (مؤنث)

	مفرد		جمع	
Nom	marut	vık	marutah	vıcah
Voc	«	«	«	«
Acc	marutam	vacam	«	«
Inst	maruta	vaca	marudbhıh	vagbhıh
Dat	marute	vace	marudbhyah	vagbhyah
Abl	marutah	vıcah	«	«
Gen	«	«	marutam	vacam
Loc	marutı	vacı	marutsu	vaksu

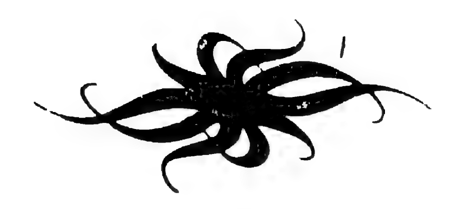
صرف کلمهٔ manas (حسی)

	مفرد	جمع
Nom, Voc & acc	manah	manānsı
Instr	manasā	manobhıh

dhūmah astı bhānuh sarvatra akaśe gacchatı janān ca paśyatı putrah pıtaram vadatı pıta hasatı Mālā adya pratah bhrātrā sah kutra gacchatı ? nāryah hasantı janāh ca paśyantı

۲ ـ حملات زیررا به‌سنسکریت برگردانید

پسران درس میخوانند گله بجنگل میرود کبوترها میوه می‌خورند ما آب مینآشامیم خدمتکار زن گلهارا میآورد پروین بخورشید نگاه میکند گله درسایه میماند شما مشغول خندیدن بدختران هستید شیر گوشت الاغ‌را میخورد مردم درشهرویرندگان روی‌درختان زندگی میکنند



۲ ـ جملات زیررا به‌سنسکریت برگردانید

او ازدرخت بزمین افتاد سماد یرورکجا رفتند شاه بزرگی موسوم به انوشیروان زندگی میکرد صدای بچه‌ها شیرین است میوه‌هاو گلهارا باخود بشهر میبرد «سیما» و «ریما» دختران زیبایی هستند آب رودخانه شیرین است وسگ باد سرد میوزد ، مردم بدرون خانه‌هاشان میروند پرندگان از این درخت بآن درخت می‌پرند اکنون هوا تاریک است وشغالها میآیند



Dat	manase	manobhyah
Abl	manasah	«
Gen	«	manasam
Loc	manası	manassu

CONJUGATIONAL VERBS صرف افعال

(Past–Imperfect Tense) ماصی نقلی

(افتادن) √pat صرف

	مفرد	جمع
اول‌شخص	apatam	apatama
دوم‌شخص	apatah	apatata
سوم‌سخص	apatat	apatan

(نوشیدن) √ pıb (pa) صرف

اول‌شخص	apıbam	apıbama
دوم‌سخص	apıbah	apıbata
سوم‌سخص	apıbat	apıban

تمرین

۱ ـ جملات زیررا بفارسی برگردانید

adya sıtah marut calatı hyah bhrátra udyanam agacchama tatra dısı dısı puspānı apasyam nārınām vak madhura bhavatı munıh Visvamıtrah tapası Indram ajayat payası kamalam kamalena ca payah vıbhatı taması caksusa kım apı na pasyamı aham bhısajah grhe gacchamı yuyam balam kutra nayatha ? adhuna tamah astı ? gajah asvah ca nadyah jalam apıban vayam payası sundaranı kusumanı apasyama vanıjah patnı phalanı puspanı ca nagare anayat nrpasya gajah vrksanam patranı phalānı ca akhādan

Gen	rajñah	rajñam
Loc	rajñi	rajasu

(نیرومند) balin

Nom	bali	balinah
Voc	balin	«
Acc	balinam	«
Instr	balina	balibhih
Dat	baline	balibhyah
Abl	balinah	«
Gen	«	balinam
Loc	balini	balisu

صرف کلمهٔ (naman) (نام) ـ جنثی ٠

Nom	nama	namāni
Acc	«	«
Voc	naman	»

تبصره صرف حالات دیگر مانند صرف (rajan) است

افعال

۱ likh	نوشتن
۱ nam	تعظیم کردن
۱ pac	پختن
۱ tad	زدن
۱ gan	شمردن
۱ smr	بخاطر داشتن
vi— ۱ smr	فراموش کردن
۱ krid	بازی کردن

درس ششم

کلمات اسمها

sevaka m	نوکر	sevı f	خدمت
kupa m	دلو	lajja f	خجلت
pavana m	باد	maksıkā f	مگس
mrga m	آهو	jıhva f	زبان
rıjan m	شاه	yıtra f	مسافرت
atman m	روح-خود	vıtayana n	پنجره
bılın m	قوی	ısana n	قالیچه
dhanın m	ثروتمند	sopına n	پله
gunın m	ستاینده	jılaśaya n	آبگیر
svamın m	مالك	ıhıra n	غذا

صرف اسمهای مذکر مختوم به (-an) و (-ın)

(شاه) rajan

	مفرد	جمع
Nom	raja	rajanah
Voc	rajan	rıjınah
Acc	rajanam	rajnah
Instr	rajñā	rajabhıh
Dat	rājñe	rajabhyah
Abl	rājñah	〃

درس هفتم

صرف اسمهایی که بحروف بی صدا ختم شوند

	مذکر	مؤنث
دانشمند	vidvān	viduṣī
خدا ـ برومند	bhagavān	bhagavatī
خوشگل	rūpavān	rūpavatī
سنگین	garīyān	garīyasī
بزرگ	jyāyān	jyāyasī
بزرگتر	jyeṣṭha	jyeṣṭha
کوچکتر	kaniṣṭha	kaniṣṭhā

— —

وقت	kāla	اجازه	ajña
اعتقاد	viśvasa	انجمن	sabha
گدا	yācaka	شماره	ganana
آشپز	pācaka	زحمت	pida
بزرگ	mahat	ترازو	tula

صرف کلمه vidvas ـ دانشمند (مذکر)، مختوم به (-as)

	مفرد	جمع
Nom	vidvan	vidvānsah
Voc	vidvan	«

√ roh	کاشس
ā √ roh	بالارفس
ava– √ roh	پایینآمدن
ut– √ pat	پریدن
√ kr	کردن

تمرین

۱ ـ جملات زیررا بفارسی برگردانید

sevakah svāminah sevām kurvanti rājñah sevakah aśvavaih jalaśayam gacchanti hyah kutia api na agaccama ātmanah grhe atisthāma Iqbālah gunī balah asti pratidinam pituh sevam karoti simhah mrganām mansam khādati vayam atmnah udyāne pushpāni rohāmah dhaninah yatrayai aśvān arohanti kapotah vrksāt vrksam utpatanti te sopānena grhasya upari agacchan tatra bālaih akridan Shakuntala lajjaya kim api na avadat kevalam tusnim atisthat

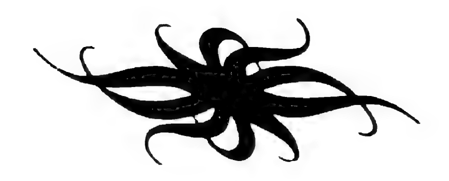
۲ ـ جملات زیررا بهسنسکریت برگردانید

نوکران آبرا ازچاه میآورند بچهها در مدرسه بازی میکنند رستم بسیار نیرومند وشجاع بود من سرگرم نوشتن کاغذی بپدرم هستم خواهراو با برادرش بشهر رفتهاست نیرومندان بگدایان غذا میدهند یک حوض زیبای پرآب آنجاست من همیشه شادیها و ترسان هستم دیروزآموزگار کتک خوبی بهاحمدزد پرندگان درآسمان پروازمی کنند ودخترها از کوه بالا میروند او ازپلهها پایین آمد نوکرها درباغ، درخت میکارند آدم شجاع هرگز غمها وشادیهارا نمیشمارد

Vırasena sutah balı yatha rıja tatha prajı dhanınah dhanam ıcchantı kıntu yıcakıh ıharam eva ıcchantı sadhavah pas'unām apı vıs'vasam kurvantı rajñah sevakıh jananım gananām kur–vantı balıh udyıne akrıdan vrksesu ca ırohan Das'aıathasya kanısthı patnı Ramasya vanavısam aıcchata ayam kalah vasan - tasya, udyanesu puspını hasantı

۲ ـ حملات زیررا بهسسکریت بر گرداسد

Kalıdasa ساعر داشمندی بود حواهر سهراب‌سسار رساست آن گدا برای گرفس بول برد بادساه رفت بسر بزرگ این مرد بهندوسان رفته است ودحتر کوحکش درمدرسه‌ای درس میحواند معلم درمجمع‌داشمندان سحن گفت ماآسرمان‌را بحانه سما میفرسسم پادساه سوکرانش اطمسان دارد اکنون مامی‌رقصیم طاوسها در روی کوهها مشغول رقصدن‌هسسد من به میهنم و مردان شجاعی که در راه آن جان داده‌اند درود میفرسسم واحترام می‌گزارم



Acc	vıdvansam	vıdusah
Inst	vıdusa	vıdvadbhıh
Dat	vıduse	vıdvadbhyah
Abl	vıdusah	«
Gen	«	vıdusam
Aoc	vıdusı	vıdvatsu

صرف کلمه mahat (بزرگ)، مذکر مختوم به (-at)

Nom	mahan	mahantah
Voc	mahan	«
Acc	mahantam	mahatah
Instr	mahata	mahadbhıh
Dat	mahate	mahadbhyah
Abl	mahatah	«
Gen	«	mahatam
Loc	mahatı	mahatsu

زمان حال	افعال	
ıcchatı	\ ıs	خواستن
prcchatı	\ pıcch	پرسیدن
nrtyatı	\ nrt	رقصیدن
haratı	\ hr /	بردن
presayatı	\ pres	فرستادن
purayatı	pı	پر کردن

تمرین

۱ ـ جملات زیر را بفارسی برگردانید

Ramasya patnı Sıta vıdusı rupavatı ca asıt mahan mahatsu eva vıkramam karotı Ahmadasya kanıstha duhıta sandhyıyam nrtyatı raja sevakan nagare presayatı asıt rajı Nalah nama

Dat	**tubhyam-te**	**yusmabhyam-vah**
Abl	**tvat**	**yusmat**
Gen	**tava–ad**	**yusmākam–vah**
Loc	**tvayı**	**yusmasu**

افعال

گرفتن	√ **grah**	**grhnatı**
خریدن	√ **krı**	**krınatı**
فروختن	**vı–** √ **krı**	**vıkrınatı**
دانستن	√ **jnı**	**jānatı**

صرف مضارع ازمصدر **pat** √ (افتادن)

	مفرد	جمع
اول شخص	**patısyamı**	**patısyamah**
دوم »	**patısyası**	**patısyatha**
سوم »	**patısyatı**	**patısyantı**

تمرین

۱ـ جمله‌های زیر را بفارسی برگردانید

aham svah Shıraz nagaram ganısyamı asmakam grhe adya utsavah bhavısyatı atah aham phalanı krınāmı ratrıh gamısyatı bhavısyatı suprabhatam tatra nadyām tava asvah jalam pıbatı aham tava pustakam nesyāmı svah ānesyāmı mama bhısajı bahu vısvasah astı sah gunı vıdvan ca astı yusmākam sevakah hyah mahyam phalanı anayat agamısyatı yat yanam tat asmān nagaram nesyatı aham tvam janamı tava pıtaram apı jānāmı pıbantı nadyah na svayam jalanı svayam na khādantı phalānı vrksālı

درس هشتم = ضمایر

تمام ضمایر باستثنای ضمایر شخصی درسه جنس صرف میشوند

ضمایر شخصی درحالت فاعلی وندا فرق ندارند

kım	چه	asmad	مال من
sarva	هر	yusmad	مال شما
vısva	هر	tad	مال آن
adas	این	etad	مال این
anyad	دیگر	yad	مال کی
katarad	کدام	bhavad	مال شما

۱ ـ صرف ضمیر شخصی asmad (مال من)

	مفرد	جمع
Nom	aham	vayam
Acc	mām–ma /	asman–nah
Inst	mayā	asmābhıh
Dat	mahyam–me	asmabhyam–nah
Abl	māt	asmat
Gen	mama–me	asmākam–nah
Loc	mayı	asmasu

۲ـ صرف ضمیر شخصی yusmad (مال شما)

Nom	tvam	yuyam
Acc	tvām–tvā	yusmān–vah
Inst	tvayā	yuṣmābhıh

درس نهم

واژها

طاوس	mayura m	آبی	nıla m-
خروس	kukkuta m	زرد	pıta m
غاز	hansa m	سرخ	lohıta m
کلنگ	baka m	سفید	sveta m
کلاغ	kaka m	سیاه	krsna m
کوکو	pıka m	سبز	harıt m
گنجشک	cataka f	رنگ	varna m
نام مرغی است	sārıka f	زمین	dharā f
مرغ	khaga m	آسمان	nabha n
ماهی	matsya m	ماه	candra m

۱ ـ صرف ضمیر اشارهٔ tad (آن)

	مفرد			جمع		
	مذکر	مؤنث	خنثی	مذکر	مؤنث	خنثی
Nom	sah	sa	tat	te	tāh	tānı
Acc	tam	tam	tat	tān	tāh	tānı
Inst	tena	taya		taıh	tabhıh	
Dat	tasmaı	tasyaı		tebhyah	tābhyah	
Abl	tasmat	tasyāh		«	«	
Gen	tasya	«		tesām	tāsām	
Loc	tasmın	tasyam		tesu	tāsu	

۲ ـ جمله‌های زیررا به‌سنسکریت برگردانید

شب گذشته دزدی وارد خانه ماشد کی پدرشما بخانه من خواهد رفت؟ همانگونه که مردم لباسهای کهنه‌را بدور میاندازند ولباسهای نورا انتخاب میکنند، ماهم زندگی تازه را انتخاب میکنیم کدامیك از این دو کتاب را خواهند خواند؟ اگر از این درخت بالا بروید خواهند افتاد هروسیلهٔ نقلیه‌ای که باید همه‌مارا خواهد برد

خواهر کوچك شما امروز باما خواهد آمد اگرشما بمن دستور بدهند برایشان میوه خواهم خرید این‌اسب‌رابرای که می‌برید؟ هرکاری که کنند خدا آنرا میداند مردم بدجنس و شریر همیشه افکار مختلفی در مغزشان دارند وعزار آنچه که فکر میکنند عمل میکنند آیا پادشاه شما این اسب را از من خواهد خرید؟



nıśa nıśayā ca śaśı, śaśına nısaya ca vıbhatı nabhah matsyah jalāśaye khagah ca dharayam vasantı tah balah nadyam tarantı snāntı ca enam krsnam catakam Ahmadāya dasyamı Parvīn udyānāt phalānı corayatı

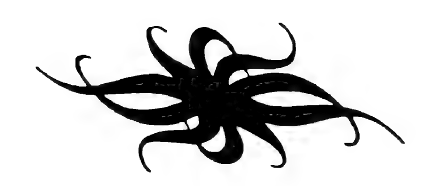
ślokau

1 – hansah svetah bakah śvetah kah bhedah baka-hansayoh,
nıra-ksıra-vıbhāge tu hansah hansah bakah bakah

2 – kākah krsnah pıkah krsnah kah bhedah pıka–kākayoh,
prāpte vasanta-samaye kākah kakah pıkah pıkah

۲ ـ حمله‌های زیر را به‌سنسکریت بر گردانید

وقتیکه ابرها در آسمان‌میغرند،طاوسهامیرقصند وخوشحالی‌میکنند بچه‌ها در آب باران‌آب‌بازی‌میکنند خواهربزرگ من‌لباسهای قرمز دوست دارد این دخترهای گدا برای پول میرقصند ومی‌خوانند گاوها سفیدند ولی اسبهاسیاه هستند دربهار درجنگل وجرندگان برگهای‌سبزرا بو می‌کنند لك‌لكهای سفید در آسمان پرواز میکنند زن حسن غذا را خواهد آورد و ما آنرا خواهیم خورد دختران در رودخانه مشغول شنا و شادی کردند اسب شما چه رنگ است ؟



۲ـ صرف ضمیر اشارهٔ idam (این)

	مفرد			جمع		
	مذکر	مؤنث	خنثی	مذکر	مؤنث	خنثی
Nom	ayam	iyam	idam	ime	imah	imani
Acc	imam	imām	idam	iman	imāh	imani
Inst	anena	anayā		ebhih	abhih	
Dat	asmai	asyai		ebhyah	abhyah	
Abl	asmāt	asyāh		«	«	
Gen	asya	asyah		eṣām	asām	
Loc	asmin	asyam		esu	asu	

افعال

کشیدن	√ krs	karsati
باریدن	√ vars	varsati
خوشحال شدن	√ hars	harsati
نجات دادن ـ حفظ کردن	√ raks	raksati
دزدیدن	√ cur	corayati
شنا کردن	√ tr	tarati
پایین آمدن	ava- √tr	ava-tarati
دادن	√ da	dadati
درخشیدن	√ bha	bhāti
حمام کردن	√ snā	snati

تمرین

۱ـ جمله‌های زیر را بفارسی برگردانید

meghah varsanti garjanti aham ebhyah kukkutebhyah jalam anesyami sārika sarvada anena sukena vicam vadati śasina ca

	eka-una-vımśatı	نوزده
	vımśatı	بیست
	eka–vımśatı	بیست ویک
وغیره	dva–vımśatı	بیست ودو
	trımśat	سی
	catvarımśat	چهل
	pancāśat	پنجاه
	sastı	شصت
	saptatı	هفتاد
	aśıtı	هشتاد
	navatı	نود
	śata	صد
	sahasra	هزار
	ayuta	ده هزار
	laksa	صد هزار

---

prathama	یکم
dvıtıya	دوم
trtıya	سوم
cathurtha	چهارم
pancama	پنجم
sastha	ششم
saptama	هفتم
astama	هشتم

درس دهم

اعداد

eka	یك
dvi	دو
tri	سه
catur	چهار
pañca	پنج
sas	شش
sapta	هفت
asta	هشت
nava	نه
daśa	ده
ekadaśa	یازده
dvadaśa	دوازده
trayodaśa	سیزده
caturdaśa	چهارده
pancadaśa	پانزده
sodaśa	شانزده
saptadaśa	هفده
aṣṭādaśa	هجده

Dat & Abl	tribhyah	tisrbhyah
Gen	trayanam	tisrnam
Loc	trisu	tisrsu

۴- صرف pat ۱ (افتادن) در وجه امری

	مفرد	جمع
اول شخص	patāni	patama
دوم شخص	pata – patatat	patata
سوم شخص	patatu – patatat	patantu

تمرین

۱ ـ جمله‌های زیر را بفارسی برگردانید

Aham vidyalayasya prathame varse pathāmi rajñah Dasarathasya catvārah putrah tisrah ca patnyah asan evam dinanam ekavimsatih vayam videse avasāma nagaram asmat gramat yojanasatam asti balah sanaih sanaih gacchantu aham api pascid igamisyami bhoh Parvin kim aitham hasasi ? yadi guruh draksyati tvam tadayisyati meghāh varsantu garjantu purayantu dharatalam yani kani ca mitrāni kartavyani satani ca varam ekah guni putrah na ca murkha – satani api astadasa purananam karta Vyāsah nrpah dharam raksantu meghah kale varsantu Mahā-bhāratah pancamah vedah

۲ ـ جمله های زیر را به سنسکریت برگردانید

وقتیکه بمدرسه میرفتم برادرم را دیدم اگر مردم این کار را نکنند، پاداش خواهند دید نادانان درس دانایان درخشندگی ندارند، همانگونه که لک لک ها در میان یکدسته قو جلوه‌ای ندارند

navama	نهم
dasama	دهم

صرف اعداد

اعداد یك و دو وسه درسه جنس و هفت حالت صرف میشوند ولی یك در مفرد دو در تثنیه و از سه ببعد درجمع صرف میشود

۱ـ صرف eka (یك)

	مذکر	مؤنث	خنثی
Nom	ekah	eka	ekam
Acc	ekam	ekam	ekam
Inst	ekena	ekaya	
Dat	ekasmai	ekasyai	
Abl	ekasmat	ekasyāh	
Gen	ekasya	ekasyah	
Loc	ekasmin	ekasyam	

۲ـ صرف dvi (دو)

	مذکر	مؤنث	خنثی
Nom	dvau	dve	dve
Acc	dvau	dve	dve
Inst	dvabhyam		
Dat	«		
Abl	«		
Gen	dvayoh		
Loc	«		

۳ـ صرف tri (سه)

	مذکر	مؤنث	خنثی
Nom	trayah	tisrah	trini
Acc	trin	«	«
Inst	tribhih	tisrbhih	

درس یازدهم

۱ـ افعال میانه زمان حال وماضی نقلی

افعال میانه که نام atmanepada معروفند یک گروه پساوندهای (terminations) مختلف درهمه حالتها وزمانها دارند

صرف زمان حال labh ۱ (بدست آوردن)

	مفرد	تثنیه	جمع
اول شخص	labhe -e	labhavahe - vahe	labhamahe - mahe
دوم شخص	labhase-se	labhethe - the	labhadhve - dhve
سوم شخص	labhate - te	labhete - ete	labhante - ante

صرف ماضی نقلی labh ۱ (بدست آوردن)

	مفرد	تثنیه	جمع
اول شخص	alabhe	alabhavahi	alabhamahi
دوم شخص	alabhathah	alabhetham	alabhadhvam
سوم شخص	alabhata	alabhetam	alabhanta

واژه‌ها

مذکر

ستاره	taraka
آسمان	akaśa
آرزو ـ رب‌النوع عشق	kama
حرص	lobha
شیفتگی	moha

حـرص ریشه ٮمام صفاٮ اهریمنی است   چرا در حباٮان گدایی مںکںںد ؟
ٮاداٮاں ٮاوقںںکه ساکت هسںںد حلوه‌ای دارںد   ٮا وقںی که می‌رقصم آں دحںرٮمں ںگاه
مںکںںد   حںی یك سحص مںروی در حںگل هم دوست و دسمں دارد   سا گرداں
ٮا وقںی که درمدرسه رںد گی‌مںکںںد، ٮمعلم حدمت حواهںد کرد   اسحاص‌عاقل‌ںںوسںه
کوسس مںکںںد، ٮاسراںحام کاررا ٮمام کںںد ولی‌اسحاص ٮاداں حںری‌را سروع‌مںکںںد،
اما دروسط کار آںرا رها مںکںںد



مذکر	labhamanah	labhamānau	labhamānah
مؤنث	labhamana	labhamane	labhamanah

تمرین

۱ ـ جمله‌های زیررا بفارسی برگردانید

akaśe tarakıh śobhante upavane phalını khadantah balakah modante śısyāh gurun gyanaya sevante Ramena saha vanam gacchantı Sıta adhıkam ıśobhata sevamanıh purusah rajñah dhanını ayacanta mahyam phalanı rocante tubhyam kevalam mıstam rocate ratnam ratnena samgacchate samgıt samjāyate kamah› kımat krodhah abhıjıyate yasya dharme matıh sah vıdvın vıtah ca jāyate ye vırıh svadeśaya amryanta te svaıgam alabhantı

۲ ـ داستان زیررا بسنسکریت برگردانید

در کنار رودخانه ای درخت تنومندی بود بر آن درخت سه پرنده و دو موش ویك میمون زندگی میکردند میمون بسیار با هوش بود بطوری که پرندگان وموش کمك میکرد یکروز باران سخت ببارید وهیچکدام نتوانستند برای بدست آوردن غذا بیرون بروند درهمانوقت میوه‌فروشی آنجارسید و زیر درخت ایستاد میمون میوه‌هارا دید وچندتای آنهارا برداشت بعدمیوه‌هارا به پرندگان و موشها داد و همه‌شان بسیار خوشحال شدند معروف است که یك‌دوست همیشه سایر دوستان را کمك میکند



krodha	غصه
dharma	مذهب
svarga	بهشت
śisya	شاگرد

افعال

labhate	√ labh	بدست آوردن
modate	√ mod	خوشحال بودن
sevate	√ sev	خدمت کردن
sahate	√ sah	تحمل کردن
yācate	√ yāc	گدایی کردن
yatate	√ yat	کوشش کردن
śobhate	√ śobh	زیبا بنظر آمدن
rocate	√ ruc	درخشیدن
jāyate	√ jan	تولد شدن
sam – gacchate	sam - √ gam	متحد شدن

۲ - اسم فاعل

اسم‌فاعل با اضافه کردن (-at) بریشهٔ بنای معلوم و mana (ana) در بعضی حالات بریشه بنای میانه ساخته میشود وقابل تصریف بهرسه جنس وهرهفت حالت‌است

مثال

مؤنث	مذکر		
hasanti	hasan	√ has	(خواندن)
labhamāna	labhamanah	√ labh	(بدست آوردن)

صرف اسم فاعل

hasantah	hasantau	hasan	Nom	مذکر
hasantyah	hasantyau	hasanti	Nom	مؤنث

۴ - اسم مفعول معلوم:

اسم مفعول معلوم با اضافه کردن «- vant» به اسم مفعول مجهول ساخته می‌شود، و در دو حالت مذکر و مؤنث صرف می‌شود

√ gam	gata - gata	gatavan - gatavatı
√ da	datta - datta	dattavān - dattavatı

		مجهول	معلوم
کشتن	√ han	hatah	hatavan
ایستادن	√ stha	sthitah	sthitavān
بردن	√ ji	jitah	jitavan
کردن	√ kr	krtah	krtavan
صحبت کردن	√ vid	uktah	uktavān
بردن	√ ni	nitah	nitavān
نوشیدن	√ pa	pitah	pitavan
ترك کردن	√ tyaj	tyaktah	tyaktavan
خم شدن	√ nam	natah	natavan
بدست آوردن	√ labh	labdhah	labdhavān
رباییدن	√ hi	hitah	hrtavān
دانستن	√ jna	jnatah	jñatavān
خواندن	√ path	pathitah	pathitavan
نوشتن	√ likh	likhitah	likhitavan
بودن	√ bhu	bhūtah	bhutavān

واژه‌ها

مذکر

جنگ	sangrama	داستان	katha f
تیر	bāna	رحم	daya f

درس دوازدهم

اسم فعل

۱- گذشتهٔ معلوم - اسم مفعول(Past active - Passive Participles) اسم مفعول مجهول بوسیله ساوند (ta-) یا (na-) به ریشه فعل ساخته می‌شود کلمات مذکر مختوم به (a-) این دسته، مانند دیگر اسمهای مختوم به (a-) صرف میشوند، حالیکه مؤنث این کلمات حرف (a-) می‌گیرد

	مذکر	مؤنث
۱ gam	gatah	gata
۱ hin	hatah	hata
۱ stha	sthitah	sthita

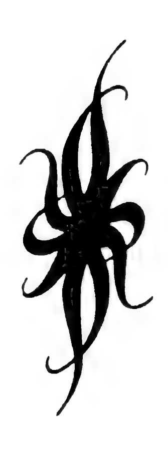
۲- وقتیکه اسم مفعول از افعال متعدی ساخته می‌شود، در این حالت فاعل آن بجای حالت (Instrumental) استعمال میشود

۱ dā	datta m	۱ tena dhanam dattam ,
	datta f	tena mala datta

۳- وقتیکه از افعال لازم ساخته شود حالت مجهولی ندارد وبصورت ماضی نقلی یا فعل اسنادی استعمال میشود

۱ gam	gatah m	gata f
۱ pat	patitah m	patita f
	sah grham gatah	sa balā nadım gata
	balah vrksāt patıtah	phalam jale patitam

«راونه» (Rāvana) شاه اهریمنان وشیاطین «سیتا»را بهسیلان برد نمعلم کاغذی
نوشتهام و او فردا خواهد آمد از این کتاب چند درس خواندهاید ؟ چه کسی از این
طرف شیر خورده است ؟ ما به نوکرها پول و لباس و میوه میدهیم پروین دم در
ایستاد وباخواهرش صحبت کرد پسران بسته های لباس را روی پشتشان حمل کردند
مادر درحالیکه میخواست بچهرا نجات بدهد خودش در رودخانه افتاد



گاو نر	vrśabha	رعیت	praja f
لنگ	khanja	صخره	śila f
کور	kana	کشاورزی	krśi f
نیرومند	balavad	مال التجاره	vanijya n
ثروتمند	dhanavad	دوستی	maitri f
پا	pada	اضطراب	cinta f
گاری	śakata	شعر	kavya n
کشور	deśa	جنگل	aranya n

تمرین

۱ ـ جمله‌های زیر را بفارسی برگردانید

ekasmin aranye Pingalaka - namakah simhah vasati sma tasya Karataka - Damanaka namanau śrgalau mantrinau astam ekada ekah vanik vanijyaya śakatena deśantaram prasthitah aranye śakatasya ekah vrśabhah khanjah jatah tam vrśabham tatra vihaya vanik anyam vrśabham anitavan , śakatena ca gatavan atha gacchati kale sah khanjah vrśabhah balavan abhavat tasya ca simhena maitri samjata kintu simha-vrśabhayoh maitrim drstvā śrgalau duhkhitau jatau śanaih śanaih tâbhyam simhasya vrśabhasya ca madhye vairah sthapitah kupitena simhena sah vrśabhah hatah vrśabham hatam drstva tau śrgalau muditau eśa kathā Pancatantre likhita asti

۲ ـ جمله‌های زیر را به‌سنسکریت برگردانید

حسن مار را با چوبدستی بکشت داریوش شاه درجنگ فایق شد ودشمنانش را شکست داد شاه نله (Nala) زنش را درجنگل جاگذاشت

مثال

۱ gam	gamya	gantavya
۱ drs	drsya	drastavya
۱ ni	neya	netavya

این کلمات مانند صفات دومی هستند و با موصوف در سه جنس و سه شماره (مفرد ـ تثنیه ـ جمع) مطابقت دارند

M gantavyah desah

F gantavya nagari

N gantavyam sthanam

۴ ـ افعال

وجه التزامی

الف ـ صرف فعل معلوم

اول شخص	pateyam	patemah
دوم شخص	pateh	pateta
سوم شخص	patet	pateyuh

ب ـ صرف فعل میانه

اول شخص	labhai	labhamahi
دوم شخص	labhethah	labhedhvam
سوم شخص	labheta	labheran

واژه‌ها

بردبار	dhira m	مردسوه‌ـغمگین	vidhura a
ارابه	ratha m	حمام	snana n
چتر	chatra m	چرخ	cakra n

درس سیزدهم

۱ ـ اسم مصدر (Gerund)

برای ساختن این نوع اسم مصدر هرگاه فعل دارای پیشاوند نباشد(tva)رابه ریشه ضعیف آن میافزائیم ولی اگر فعل پیشاوند همراه داشته باشد بجای (tvā) ,(ya) را اضافه میکنیم مثال

\ gam	gatva
\ drs	drstva
\ ni	nitva
ā- \ ni	aniya
upa- \ kr	upakrtya

۲ ـ مصدر

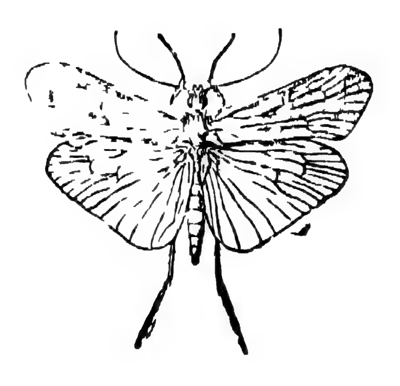
زبان معمولی سنسکریت یك نوع مصدردارد وآنهم باافزودن(tum)بریشه ساخته میشود مثال

\ gam	gantum
\ drs	drastum
\ ni	netum
\ pa	patum

۳ ـ صرف مستقبل مجهول

مستقبل مجهول باافزودن(-ya)و (-tavya)بریشه ساخته میشود

سرناصر و حوصله اعمال مهمی را انحام داده است نگدار همه‌حوشحال نماسد و ار
نعمت های رندگی بهره‌مند شوند شما همشه سحاع و سعادتمند باشند



ghrta n	روغن (خوردنی)	tāta m	عزیز
dhairya n	صبر	yāvat ind	تاوقتیکه
śaurya n	شجاعت	tāvat ind	تاآنوقت
sukham n	سعادت	nityam adv	همیشه
ā- √ car	عمل کردن	nirmala a	صاف
√ jiv	زندگی کردن	kalusa a	کثیف-آلوده

تمرین

۱- جمله‌های زیررا بفارسی برگردانید

yani kani ca mitrani kartavyani śatani ca tyajyam na dhairyam vidhure api kale yavat jivet sukham jivet, rnam krtvā ghrtam pibet prajāh pālayitum tata gacchami nagaram svakam sevitavyah mahā-vrksah phala-cchāyā samanvitah rajan ekena cakrena na rathasya gatih bhavet datavyam sarvada danam pātavyam nirmalam jalam pāpte tu sodaśe varśe putram mitravad acaret krtvā snanam pathet nityam, bhuktva gacchet pada-trayam

۲- جمله‌های زیررا بسنسکریت برگردانید

شما چبر بدست کجا میروید؟ ماباغ رفتیم که زیبایی گلهارا ببینیم آب رودخانه صاف است و من برای آب بآنجا میروم تا وقتی که خورشید در آسمان است کار را تمام کن کسی نباید سخنان گمراه کننده را باور کند کسی نباید به اشخاص نادان و جاهل که نصیحت نمی فهمند پند دهد ممکن است ما برای صد سال زندگی کنیم

ح- افعال سببی وخواهشی (Causative and Desiderative Verbs)

فعل سببی باافزودن (-aya) بریشه ساخته میشود

gamayatı	√ gam	روانه میکند
karayatı	√ kr	وادار بکاری می کند

balakah nagaram gacchatı	پسر بچه بشهر میرود
pıta balakam nagaram gamayatı	پدر، پسر بچه‌را بشهر روانه‌می کند
sevakah karyam karotı	پیشخدمت کاری کند
svamı sevakam karyam karayatı	مالك، پیشخدمت‌را اووادار بکاری کند

واژه ها

ası f	امید	matsya	ماهی
anujña f	اجازه	sarpa m	مار
mekhala f	کمربند	pasa m	تور
vapı f	آبگیر	budha m	دانشمند
rajju m	طناب	jamatı m	داماد
karana n	سبب	sındhu m	دریا
bhojana n	خوراك	ksetra n	دست

افعال

ganayatı	√ gan	شمردن
ksalayatı	√ ksāl	شستن
pıdayatı	√ pıd	زحمت‌دادن
pujayatı	√ pūj	عبادت کردن
dharayatı	√ dhr	نگهداشتن

درس چهاردهم

افعال

الف- صرف حالت مجهول و علامتهای تصریف (Passive-Voice and Inflexions)

برای ساختن حالت مجهول پساوند (-ya) را بریشه ضعیف اضافه کرده، بعد از آن، پساوند حالت میانه (ātmanepada Middle Voice) را میآورند

صرف حالت مجهول مانند صرف حالت میانه است عموماً در افعال متعدی، فاعل بحالت مفعول‌به (instrumental) در میآید

√kṛ	kriyate	mayā kıryam kriyate
√pib	piyate	mayā jalam piyate
√dā	diyate	mayā dhanam diyate

ب - معمولاً (-va) و (-ya) ابتدایی به (-u) و (-i) بترتیب تبدیل میشود (-i) و (-u) انتهایی دراز بر سده، (-ṛ) انتهایی به (-ri) تغییر پیدا میکند

ucyate	√vad-vac		بوسیله او گفته شد
ijyate	√yaj	»	» قربانی کرده شد
jiyate	√ji	»	زندگی کرد
stuyate	√stu	»	تعریف کرد
sthiyate	√sthā	»	ایستاده شد

درس پانزدهم

(Prefixes and Adverbial Prepositions) پیشاوندها وحروف اضافهٔ قیدی

پیشاوند های زیر بیشتر مانند حروف اضافهٔ قیدی بکار میروند این حروف همیشه به‌اسمها و فعلها اضافه شده، تأثیر فراوان در مفهوم جمله دارند مطالعهٔ پیشاوندها که به سنسکریت اوپاسارگا (Upasarga) گویند، در این زبان بسیار حائز است

برای توجه به تأثیر پیشاوند ها در مفهوم اصلی کلمات ریشه √ gam و √ Kr را با پیشاوندهای سنسکریت در زیر میآوریم

adhi	√ kr	adhikāra	حق
anu	√ kr	anukara	تقلید
apa	√ kr	apakāra	کارزشت
ava	√ gam	avagamana	فهم
ā	√ gam	āgamana	آمدن
upa	√ kr	upakāra	کار مفید
dus-dur	√ kr	duskara	کار دشوار
ni	√ kr	nikāra	توهین
nis-nir	√ gam	nirgamana	بیرون‌رونده
para	√ gam	parāgamana	برگشت
pra	√ kr	prakāra	روش
vi	√ kr	vikāra	تغییرو فساد
sam	√ kr	samskara	تشریفات
su	√ kṛ	sukara	آسان

دزدیدن	√ cur	corayati
بستن	√ badh	badhnati
زدن و کشتن	√ han	hanti

تمرین

۱ـ جمله‌های زیر را بفارسی برگردانید

matsyah paśaih badhyante asmābhih gitāni giyante sarpena danśyate bālah sarpah ca purusaih lagudena hanyate sevakaih annam khadyate aham jalaih vasansi kśalayami aśva balavati rajan aśā jivayati naram puryate salilaih vapi svadeśe pujyate rājā vidvan sarvatra pūjyate budhah sukham duhkham va na ganayanti pidayanti vasudham khalu nicāh pālayanti jagatim naravirah dhāryate mekhala taya anujñam dehi maya adya eva videśāya gamyate

۲ ـ جمله‌های زیر را بسنسکریت برگردانید

اشخاص بدسرشت و شریر همیشه مردم خوب را شکنجه میدهند بگذار سلاطین ملتشان را محافظت کنند و هنگام احتیاج آنان را یاری دهند مساعدت و نیکی که به نادانان کرده شده همه بیهوده است ما درسها را می‌خوانیم و معلم هم آنرا بما یاد میدهد زنها با آب رودخانه لباسهارا می‌شویند دلاورانی که برای خیر و خوبی می‌جنگند، همیشه تشویق می‌شوند ماهیان با تله گرفته میشوند «راما» با کسب اجازه از پدرش بجنگل رفت تا در آنجا زندگی کند «راما» که شش روز در خانه مانده بود زنش را بشهر برد خدمتکاران معمولاً کارها را انجام نمیدهند تا اینکه شما وادار بانجامشان کنید

۵ ـ مرکبات اضافی (Possessive Compound bahuvrıhı)

danda-hastah (چوبدست) ، gatā-ayuh (عمرسایان‌رسیده)، tapo- dhanah (ثروت ریاضت)

۶ ـ مرکبات ظرفی (Adverbıal Compound avyayıbhava)

atı–bhayam (ترس زیاد) ، anu -dınam (هرروز) ، pratı-aham (هرروز)

واژه ها

stena m	دزد	kumara m	سرجوان
natakam n	درام	āśrama m	معبد
mūrtı f	قایق	sırathı m	گاریچی
lāvanya f	زیبا	tapovana n	گوشه‌نشینی
sundarı f	زن‌قشنگ	tıra n	کناره
kamı m	مردهرزه	mahısı f	ملکه
kımını f	زن	mrgaya f	شکار
vıyoga n	جدایی	dhanuh m	کمان
vıvaha m	عروسی	sakhı f	رفیق دختر
angulıyaka n	انگشتر	pranaya m	عشق
abhuṣana n	زیورآلات	śısya m	شاگرد

افعال

pravıśatı	pra– √ vıś	داخل شدن
upagacchatı	upa– √ gam	نزدیک شدن
nıvartate	nı– √ vrt	بازگشتن
vıjahatı	vı – √ ha	ترک کردن
anusaratı	anu – √ sr	دنبال کردن

کلمات مرکب Compounds

زبان سنسکریت از زبانهای ترکیبی (Synthetic) است از اینرو مانند زبانهای دیگر هند واروپایی،کلمات مرکب فراوانی دارد ترکیب دو یا چندکلمه را به‌سنسکریت سماسا (Samasa) خوانند در کلمات مرکب علامتهای صرفی (case-endings) فقط به پایان آخرین کلمه ترکیب اضافه میشود

بنابر وضع دو کلمه با یکدیگر ، کلمات مرکب در سنسکریت به شش دسته تقسیم میشوند

۱ـ مرکبات جمعی (Copulative Compound dvanda)

sukha- dukhau (خوشی- رنج) ، ahar–niśam (روز ـ شب)
Sohrab – Rostamau (سهراب –رستم) ، mata - pitarau (مادر–پدر)

۲ـ مرکبات معینه (Determinative Compound tatpurusa)

mahı - bhāratah (هندوستان بزرگ) ، aśva-ırohı (سوار اسب) ،
praja - palakah (رعیت پرور) ، raja– putrah (پسرشاه)

۳ـ مرکبات صفاتی (Adjective Compound karamadharaya)

candra - mukhı (چهرهٔ چون ماه) ، pıta - raktah (زرد ـ قرمز) ،
kanya - ratnam (دختر چون گوهر) ، megha - śyamah (ابرسیاه)

۴ـ مرکبات عددی (Numerical Compound dvıgu)

daśa – grıvam (ده گردن) ، dvı– cakram (دوچرخه) ، panca – lokah ،
(پنج–طبقه) ، trı - bhuvanam (سه–فلك)

چند نمونه از متن های مشهور و مختلف سنسکریت

۱ـ هیتوپدشا (Hitopadeśa)

۲ـ پنچاتانترا (Pancatantra)

۳ـ رامایانا (Ramayana)

۴ـ مهابهاراتا (Mahābhārata)

۵ـ اپانیشاد (Upanisat)

۶ـ ریگ ودا (Rigveda)

تمرین

۱ـ جمله‌های زیررا بفارسی برگردانید

Hastınāpurasya Dusyantah nāmakah rājā ekada mrgayayaı ratham aruhya gatavān tatra mrgam anusaran sah ekasmın tapovane pravıstah ratham sārathına bahır sthāpya sah āsrame gatah tatra ca ekam sundarım munı-kanyām apaśyat asramasya guruh Kanvah tasmın samaye yatrayaı duram gatah atah tayā kanyayā nrpasya satkārah krtah Kanvasya tām lavanyamayım duhıtāram drstvā rajā moham upagatah kanyāyah nama asıt Shakuntalā , sā ca ekasyah apsarasah putrı asīt Shakuntala apı pranayım darśıtavatī pranaya—pāśa-badhābhyam tabhyam vıvāhah krtah rajā ca Shakuntalam tatra eva vıhāya nagaram pratı-nıvrttah esā kathā kavınā Kalıdāsena Shakuntalā nāmnı natake varnıta

۲ـ جمله‌های زیررا بسنسکریت برگردانید

«گئوتاما بودا» (Gautama Buddha) پسر پادشاهی بود وقتیکه پسر جوانی بود ، پدرش برای او شاهزاده خانم زیبا و موقری را برنی گرفت اسم این خانم «یسودهرا» Yasodharā بود. شاه مایل بود که «گئوتاما» بشکار و بتمایش برود و نقاط زیبای مملکت‌را دیدن کند، اما «گئوتاما» موجود عجیبی بود وخوشیهای زندگی‌را دوست نداشت شبی خانه‌را ترك کرد وبارابسته ارابه‌اش به جنگل ریاضت رفت شاه و ملکه بسیار نگران و غمناك شدند زن او در فراق شوهرش خیلی ناتوان شد وهمیشه گریه میکرد «گئوتاما» درجنگلها وکنار رودخانه‌ها تمرین ریاضت میکرد وقتیکه حقیقت را دریافت بودا نامیده شد

هیتوپدشا

۱

درسهر سارس « Banārasa » (۱) لباس سوبی سام « Karpūra-pata » (۲) بود وقتی براحتی خوابیده بود پس از مدتی که گذشت ، دردی برای سرقت اسباب وی بخانه او داخل شد درمحوطه منزل وی الاغی در حال ایستادن بسته شده وسگی نشسته بود هنگامی که الاغ دزد را دید سگ را گفت این کار تواست که اکنون باصدایی بلند صاحب خانه را ازخواب بیدار کنی (چرا چنین نمیکنی؟) سگ گفت چرا تودر کار من مداخله میکنی؟ ومیدانی که من چگونه شبانه روز خانه را می‌پایم صاحب من ازمدتها پس ازمن بی‌پرسیده، بطوری که فایدهٔ مرا نمیداند و چنان بی‌علاقه شده که برای غذا دادن نیز سر تنبل شده است الاغ گفت ای وحشی گوش کن ، کسی که درهنگام کار خواهش کند، چگونه پیشخدمت وچه دوستی است ؟

سگ پاسخ داد صاحبی که فقط درهنگام کاراحترام میکند چه صاحبی است ؟

الاغ خشمگین شد وناراحتی گفت توبه کاری هستی که بکار صاحب توجه نداری در اینصورت ، من برای بیدار کردن صاحب کوشش می کنم این را گفت با صدای بلند شروع به عرعر کشیدن کرد لباس شوی با فریاد الاغ ازخواب پریده ، ناراحت ایستاد وباچوب الاغ را زد بنابراین من میگویم « هر که برای استفادهٔ صاحب خود در کاری که جز کار اوست مداخله کند ، بدو آن رسد که به الاغ برابر فریاد کردن رسید »

---

(۱) «Banarasa» از شهرهای مقدس هندوستان است که در کنار رودخانه گنگ (Ganga) واقع شده واززمان پیشین مرکز علم وادب بوده وازنظر مطالعات سنسکریت بسیار جالب است

(۲) «Karpura pata» لغةً بمعنی « پارچه کافور» است یعنی لباس را چنان پاك می شوید که مانند کافور سفید میشود جزء اول «karpura» بمعنی کافور و جزء دوم «pata» بمعنی پارچه است

Hitopadesha

1

asti Vārānasyām[1] Karpurapato nāma rajakah sa caikadā[2]nirbharam prasuptah tadanantaram dravyāni hartum tadgrham caurah pravistah tasya prāngane gardabho baddhah tisthati kukkurascopavistah[3] tam cauramavalokya gardabhah śvānamaha 'tavā tāvadayam vyāpārah' , tat kimiti tvamuccaih śabdam krtva svaminam na jāgarayasi? kukkuro brute 'mama niyogasya carca tvayā kim kartavyā[4]? tvameva janasi yathahametasya aharniśam[5] grharakśam karomi yatah ayam cirannirvrtah mamopayogam na janati, tenādhunā mama āharadāne api mandadarah gardabho brute ' śrnu re barbara

yācate karyakāle yah sa kim bhrtyah sa kim suhrt

kukkuro brute

bhrtyān sambhāvayed[6] yastu karyakale sa kim prabhuh

tato gardabhah sakopam aha 'papiyan tvam yat svāmikaryopekśām karosi bhavatu, yathā svami jagarti tatha mayi kartavyam' ityuktva sa citkārm kitavān tatah rajakah tena citkārena prabuddhah nidravimardakopād[7]utthaya gardabham lagudena tadayamāsa[8] ato'ham bravimi |

parādhikara -carcām[9] yah kuryat svamihitecchaya
sa visidati citkārad gardabhah tadito yatha

---

1 varānasi–loc 2 ca–ekadā, Sandhi 3 kukkurah- ca-upa - vistah, Sandhi 4 √kr–tavyat, fem 5 Copulative compound 6 sam – √bhāv, potential , 7 nidra-vimarda-kopad - Sandhi 8 Past-perfect 9 Compound

هیتوپدشا

۲

در جنگل «گئوتام» (Gautama) زاهدی بنام «مهاتاپا» (Maha–tapā) (۱) بود. زاهد در نزدیك خانقاه خود بچه موشی را که از دهان کلاغ افتاده بود، دید. زاهد بوسیلهٔ علف جنگل بچه موش را پرورد. ولی پیوسته می‌دید که گربه‌ای برای گرفتن موش بدنبال او می‌آمد. بدینجهت بوسیله ریاضت موش را بشکل گربه‌ای درآورد. و چون گربه از سگ می‌ترسید، پس آن گربه را به صورت سگ کرد. وچون سگ از ببر بسیار می‌ترسید، بنابراین سگ را بشکل ببر درآورد. سپس زاهد آن ببر را چون بچهٔ موشی می پنداشت. بنابراین وقتی مردم آنجا آن ببر را دیدند گفتند: بوسیله زاهد این ببر از صورت موش بودن بدین شکل درآمده است. وقتی ببر این سخنان را شنید باناراحتی باندیشه فرو رفت. و با خود گفت: تا این زاهد زنده است داستان این افترا از میان نخواهد رفت. بنابر این اندیشه برای کشتن زاهد آماده شد. وقتی زاهد ارادهٔ ببر را فهمید گفت: دوباره موش شو. سپس ببر موش شد. بنابر این من می‌گویم: «بدکار هرگاه برتری کند، قصد کشتن خداوند خود می‌کند. مانند موش که چون ببر شد به کشتن زاهداراده کرد.»

(۱) (Mahā-tapa) این کلمه مرکب از دوجزء است. جزء اول «مها» بمعنی بزرگ، بسیار، و جزء دوم از ریشه tap بمعنی ریاضت کشیدن است، مجموعا بمعنی بسیار ریاضت کش

Hitopadesha

2

astı Gautamaranye[1] M ıhatapā nama munıh tenāśrama-sannıdhane musıka-śāvakah kaka-mukhād bhraṣṭah drṣtah tatah dayāluna tena munınā nīvara-kanaıh sa samvardhıtah[2] tam ca musıkam khadıtum anudhāvan bıdālo munınā drṣtah paścāt tapah prabhavat tena munınā musıko bıdalah krtah sa bıdalah kukkurād[3] bıbhetı tatah asau kukkurah krtah atha asya vyaghrad mahad bhayım tad anantaram sa vyāghrah kıtah atha vyaghramapı musıka-nırvıśesam paśyatı munıh atah sarve tatrasthā janah tam vyaghram drṣtvā vadantı 'anena munına mūṣıkah ayam vyaghratam nıtah' etat śrutva sa vyāghrah[4] savyathah acıntayat 'yāvadanena munına jıvıtavyam tavad me akırtıkaram ākhyānam na palayıṣyate' ıtı samalocya munım hantum samudyatah tatah sa munıh tasya cıkırṣıtam[5] gyatvā 'punah mūṣıko bhava ıtı aha tatah sa vyāghrah mūṣıkah eva krtah atah aham bravımı—

nıcah ślaghya-padam prapya[6] svamınam hantumıcchatı
musıko vyāghratām prapya munım hantum gato yatha

/

---

1 Gautama-aranye, loc 2 sam- √ vrdh, past-passıve-partıcıple 3 Ablatıve ın case of 'bhaya' 4 vyatha—sahıtah, savyathah Compound 5 √ kr-past-passıve, desıderatıve 6 pra — √ āp, gerund

پنچاتانترا

۴

سنگ پشتی بنام «کمبو گریو» (Kambu-griva)(۱) در آبگیری بسر میبرد دوقو بنام «سنکت» (Sankata) (۲) و «ویکت» (Vikata)(۳) با اودوستی تمام داشتند. پس از چندی به علت نیامدن باران آبگیر اندك اندك خشك شد وقوها بواسطه ناراحتی سنگ پشت افسرده شده، گفتند: ای دوست ما این آبگیر خشك شد و جز منقاری لجن چیزی در آن نیست وما نگرانیم که تو در اینجا چگونه بسر می‌بری.

«کمبو گریو» گفت: بندی محکم و چوبی کوچك بیاورید و من میان آن چوب را محکم و سمامرا به آبگیر دیگر برید. هردو گفتند خواهیم کرد ولی بشرطی که تو ساکت و آرام باشی، وگرنه از چوب خواهی افتاد. هنگامی که کار بپایان رسید «کمبو گریو» شهری را دید. مردم شهر که آنها را باهم در هوا می‌دیدند باشگفتی میگفتند: دوپرنده چیز گردی را در آسمان می‌برند. هنگامی که «کمبو گریو» هیاهوی مردم را شنید گفت: این هیاهو از چیست؟ وقتی دهان بدین سخن باز کرد از بالا بپایین افتاد ومردم او را یافتند وپاره‌پاره کردند.

---

(۱) این کلمه مرکب از دوجزء است. جزء اول کمبو «Kambu» بمعنی صدف وگوش ماهی است وجزء دوم گریو «griva» بمعنی گردن است. مجموعاً بمعنی دارندهٔ گردنی مانند صدف.

(۲) بمعنی آفت وبلا

(۳) بمعنی ترسناك

PANCHATANTRA

3

asti kasmiṃscit jalaśaye Kambugrivo[1] nama kacchapah tasya Sankata- Vikata nāmni mitre hamsa–jātiye parama-sneham aśrite atha gacchati[2] kale anavrsti–vaśat tat sarah śanaih śanaih śosam agamat tatah tad–duhkha–duhkhitau tau ūcatuh ' bho mitra jambala–śesam etat sarah samjatam tat katham bhavan bhavisyati iti vyakulatvam nau Kambugrivah aha' aniyatam[3] drdha-rajjuh laghu va kastham mayā madhya-pradeśe grhite sati yuvam tat kastham maya sahitam samgrhya anyat saro nayatam tau ūcatuh bho mitra evam karisyāvah param tvaya mauna-vratena bhavyam[5] no cet kasthat tava pato bhavisyati tathanusthite[6] gacchatā Kambugrivena kimcid puram alokitam tatra ye paurah[4] te tatha niyamanm tam vilokya savismayam idam ucuh , ' aho cakrākaram kimapi paksibhyām niyate[7]' atha tesam kolahalam akarnya Kambugrivah aha' bho kimesa kolahalah iti vaktumana[8]ardhokte patitah pauraih ca khandaśah krtah ca

---

1 Bahuvrihi compound 2 loc of present participle gacchat 3 a - √ni Imperative 4 mauna-vrata, vow of silence 5 √ bhu-suffix–yat in future sense 6 tathā-anu-ṣthita , locative 7 √ ni , present participle middle voice 8 vaktum manah yasya , Bahuvrihi compound

مهابهاراتا

فرمان بهیشما(۱)

۴

۱ـ ای پسر «کورو» «Kuru» برای شاه چیزی بهتر و مفیدتر از راستی نیست تو باید
در هر کاری فروتن باشی
۲ـ آن شاه بهترین شاه است که مردمان کشور وی آزاد و بی‌ترس باشند ، مانند
فرزندان درخانه پدر
۳ـ شاه باید پس از آنکه بردشمن پیروز شود، بر روح خود چیره گردد او باید کار
نیك و بلند همه ی راستی کند و آرمیدی و جسم را خوار دارد
۴ـ ای سرور کشور بگو که سرچشمهٔ بدی چیست ؟ سرچشمه بدی آزمندی است
که مانند تمساح همه بدیها را می‌بلعد
۵ـ جاودانی و نیستی هردو در بدن آدمی وجود دارد نتیجه شیفتگی بدنیا فناء ،
ونتیجه حقیقت وراستی بقاءاست
۶ـ منظره‌ای همچون دانش وجود ندارد ریاضتی مانند راستی نیست هیچ غمگینی
مانند وابستگی نیست هیچ خوشحالی مانند کناره گیری ارجمند نیست
۷ـ راستی مانند خداست راستی ریاضتی است که بوسیله آن میتوان به بهشت
رفت دروغ مانند نادانی است واز نادانی هر کس پست شود
۸ـ راستی از «ودها» و از راستی ، تسلط بر نفس و از تسلط بر نفس، رستگاری
ارجمند است ، این فرمان مقدس است

(۱) بهیشما (Bhisma) در مهابهاراتا مردی بزرگ و دانشمند معروفی است
و مانند معلم مقدسی بشمار می‌آید

MAHABHARATA

Bhısma–anuśasanam

4

1 na hı satyād[1] rte kımcıd rājñam vaı sıddhı–karakam
ārjavam sarva–karyesu srayethāh Kurunandana[2]

2 putrā ıva pıturgehe vısaye ysaya mānavah
nırbhayah vıcarısyantı sa raja rajasattamah

3 ātmā jeyassada rajña tato jeyasca śatravah
dharmārthau[3] pratıgrhnıyāt[4] kama-krodhau ca varjayet

4 pāpasya yadadhısthānam tat śrnusva naradhıpa
eko lobho mahāgrāho, lobhāt pāpam pravartate

5 amrtam caıva mrtyusca dvayam dehe pratısthıtam
mrtyurāpadyate mohāt satyenāpadyate 'mrtam [5]

6 nastı vıdyasamam caksuh nastı satyasamam tapah
nāstı rāgasamam dukhham nastı tyagasamam sukham

7 satyam brahma tapah satyam svargam satyena gacchatı
anrtam tamaso rupam tamasā nıyate 'hyadhah [6]

8 Vedasyopanısat[7] satyam satyasyopanısaddamah
damasyopanısad moksah etat sarvanuśasanam

/

---

1 Use of ablatıve ın the sense of-vınā 2 Tatpurusa compound, Kurus and Pandavas were cousın brotheıs 3 Dvanda compound 4 pıatı -√ grah , potentıal 3rd person 4 Conceptıon of heaven and hell or ımmortalıty and death 6 hı-adhah , nether worlds, ı e hell 7 upa-nı-√ sad, sıt-together for dıscussıon or secret purposes

رامایانا

۵

۱ـ هنگامی که «راما» (Rama) این سخنان را به «سیتا»ی (۱) زیبا و شیرین سخن گفت، سیتا کمی خشمگین شد و سپس نامهربانی به شوهر گفت

۲ـ ای « راما » این سخنان را چرا می گویی ؟ زیرا که این سخنان بسیار سبک است ای بهترین آدمی من وقتی اینها را شنیدم خنده‌ام گرفت

۳ـ ای سرور گرامی پدرومادر وشوهر وپسروخواهر (هریك به تنهایی) از نتیجه کار خود بهره می‌برند واز قسمت خود بهره‌مند مشوند

۴ـ فقط سرنوشت زن است که وابسته به شوهر است ، بنابراین ای بهترین آدمی، من اجازه گرفتم که با تو در جنگل زندگی کنم

۵ـ نه پدر و نه پسر و نه مادر و نه خود شخص و نه دوستان و رفیقان چه در این گیتی و چه پس از مرگ ، زن را یاری نمیکنند ، فقط شوهر است که برای زن پشتیبان است

۶ـ ای «راگهو» (Raghava) (۲) اگر تو امروز بسوی جنگل حرکت کنی ، من پیش از تو میروم وخار وعلف را با پای خود خرد میکنم

---

(۱) «سیتا Sita » زن « راما » بود برای سرگذشت آنان نگاه کنید به صفحه ۱۸ـ۱۹ همین کتاب

(۲) راگهو (Raghava) یعنی فرزند راگهو (Raghu) است که پدر پدر بزرگ «راما» ومرد بزرگی بود پس از او فرزندان و نوادگان اورا راگهو (Raghava) خواندند بنابراین راگهو همان «راما» است .

RAMAYANA

5

1 evam uktā tu Vaidehi priyarha priyavadini
pranayād eva samkruddhā bhartāram idamabravit

2 kimidam bhasase Rama vakyam laghutaya dhruvam
tvaya yad apahāsyam me śrutva naravarottama

3 arya–putra pita mata bhrata putrah tathā snusa
svani punyani bhuñjana svam svam bhagyam upasate

4 bhartuh bhagyam tu naryeka prapnoti purusarsabha
ataścaivaham ādista vane vastavyam ityapi

5 na pita natmajo natma na mata na sakhijanah
iha pretya ca narinam patireko gatih sada

6 yadi tvam prasthito durgam vanam adyaiva Raghava
agrataste gamisyami mrdnanti kuśakantakan

---

1 Daughter of Videha, king of Mithila, who was famous by name of Janaka 2 naravara–uttama, voc 3 purusa rsabha, voc 4 atah–ca-eva-aham, sandhi 5 Present participle fem from √ mrd to crush

گفتارهای نیک

۶

۱ـ یک سر خوب بهتر از صد سر نادان است چنانکه یک ماه روشن (در آسمان) تاریکی را از میان می‌برد در حالی که یک گروه ستارگان توانائی این کار نیستند

۲ـ پدر ومادری که فرزند خود را وادار به یاد گرفتن دانش نمی‌کنند، دشمن او هستند چنین فرزندی مانند ماهیخواری است درمیان دسته‌ای قو

۳ـ دانش و پادشاهی برابر نیستند زیرا شاه در کشور خود پرستیده می‌شود ولی دانشمند در همه گیتی مورد پرستش است

۴ـ خورشید در هنگام بر آمدن و فرو رفتن قرمزرنگ است مانند مرد بزرگ که در هنگام شادی و اندوه یکسان است

۵ـ رودخانه‌ها از آب خود نمی‌نوشند و درختان از میوهٔ خود نمی‌خورند ابرها برای خود نمی‌بارند، همچنانکه شادی مردم بزرگ برای بهره بردن دیگران است

۶ـ خوشبخت اگر نگاهداری هم نشود زنده می‌ماند، ولی بدبخت اگر هم محافظت شود باز می‌میرد چنانکه بی‌پناه خوشبختی در جنگل تنها سر می‌برد ولی بدبخت در خانه خود باهزار کوشش از میان میرود

۷ـ کسانی که سواد و ریاضت کشی و بخشش و دانش واخلاق و خوبی و دین ندارند مانند بارهایی برروی زمین یا حیواناتی در لباس آدمی هستند

Subhasıtanı

5

1 varam ekah gunı putrah na ca murkha–satanyapı
ekascandrah tamo hantı na ca taraganopı ca

2 mātā satru pıta vaırı yena balo na pāthıtah[1]
na sobhate sabhāmadhye hansa-madhye bako yatha

3 vıdvatvam[2] ca nrpatvam ca naıva tulyam kadācana
svadese pujyate raja vıdvan sarvatra pujyate

4 udetı savıta tamrah tamra evastametı ca
sampattau ca vıpattau ca mahatam ekarupata

5 pıbantı nadyah svayameva nambhah
svayam na khādantı phalanı vrksah
dharadharo varsatı natma–hetoh
paropakārāya satam vıbhutayah

6 araksıtam tısthatı daıva–raksıtam
suraksıtam daıvahatam vınasyatı
jıvatyanatho'pı[3] vane vısarjıtah
krta–prayatno'pı grhe na jıvatı

7 yesam na vıdya na tapo na dānam
gñānam na sılam na guno na dharmah
te mrtyuloke bhuvı-bharabhutah
manusya–rupena mrgascaranti

1 Causatıve form –Past Partıcıple from √ path 2 Suffıx-tva ıs used ın abstract sense 3 jıvatı – anathah - apı, sandhı
4 mrgah–carantı

اوپانیشاد

۷

پند برای شاگردان(۱)

پس از اینکه استاد درس «ودا» را بپایان رساند شاگردان را چنین پند داد:

راست بگو. از روی دین زندگانی کن. از مطالعه روی گردان مباش. از راستی سر مپیچ. از دین روی گردان مباش. از کار مفید روی مگردان. به آفریدگان بدی مکن. در کار خدا و بزرگان غفلت مکن. مادر را مانند خدا ستایش کن. پدر را مانند خدا ستایش کن. استاد را مانند خدا ستایش کن. مهمانان را مانند خدا ستایش کن. همیشه کارهای خوب انجام ده و جز این کارها مکن. هرچیز را می‌بخشی از روی ایمان به‌بخش وبدون ایمان مبخش. هرچه بخشی زیبای آنرا بخش. باشرم‌حیا به بخش. بااحساس‌مسؤلیت به‌بخش. با میل طبیعی به بخش.

این فرمان است. این پند است. این خلاصه «ودا» و «اوپانیشاد» است. این دستور است. اینگونه زندگی کن.

(۱) در گذشته هرگاه دانشجویی در آموزشگاهی درس را بپایان می‌رساند، استاد بزرگ این پندها را باو میداد. این قسمت از «اوپانیشاد تیتری» (Taittiriya-upanisad) گرفته شده است.

Upanısad Anus'asanam

7

Vedamanucya – acaryah[1] antevasınamanus'astı[2] satyam vada Dharmam cara svadhyayanma pramadah satyanna pramaditavyam dharmanna pramaditavyam kus'alanna pramaditavyam bhutyai na pramaditavyam Deva–pitı–karyabhyam na pramaditavyam matrdevo[3] bhava pıtrdevo bhava acaryadevo bhava arıthıdevo bhava

yanyavadyanı[4] karmanı tanı sevitavyanı no itaranı

sraddhaya deyam asraddhaya'deyam, srıya deyam, hrıya deyam samvıda deyam

esa adesah esa upadesah esa Vedopanısat [5] etad anus'asanam evamupāsıtavyam

/

---

1 acaram grahayatı yah, (one who imparts tranng in conduct) derived from a – √ car 2 anu– √ sas to impart instructions, anus'asanam is comparable to Convocation address 3 mata devata yasya, matrdevah 4 avadya (faulty), anavadya (flawless)
5 Vedanām Upanısat, secret of Vedas

ریگ‌ودا

۸

۱

من خدای آتش، موبد خانوادگی، الهه قربانی، بخشندهٔ بزرگ، باری کننده مهربان - **آگنی** (Agni)- را ستایش می کنم

۲

راهدان و پارسایان گذشته و اکنون **آگنی** را مورد پرستش قرار داده و میدهند امیدوارم او خدایان را بدین (جایگاه قربانی) راهنمائی کند

۳

بطر خوب و مهربان **آگنی** ممکن است باعث ثروت وخوشبختی همیشه مردمان سود وآنان را بشکوه ومقام مهرمانی برساند

۴

ای **آگنی** بخشش‌ها و قربانیهائی که از هر مکان بتو میرسد بعدا بخدایان دیگر میرسد

۵

ای **آگنی**- الههٔ مهربانی و دانش و بینش و راستی و درستی که شهرت بسیار داری-ممکن است با خدایان دیگر در اینجا (جایگاه قربانی) حضور یابند

---

(۱) آگنی(Agni)بعدازاندرا (Indra) درادبیات ودا خدای دوم است، واهمیت او درودا بسیار است

RIGVEDA

(agnisuktam)

1 Agnim ile[1] purohitam
yajñasya5 devam rtvijam[2]
hotaram ratnadhātamam

2 Agnih purvebhih rsibhih[3]
idyah nutanaih uta,
sa devan eha[4] vaksati

3 Agnina rayim asnavat
posam eva dive dive,
yasasam viravattamam

4 Agne yam yajñam adhvaram
visvatah paribhuh asi
sah it devesu gacchati

5 Agnih hota kavi-kratuh
satyah citrasravastamah
devah devebhih a gamat[5]

---

1 l and d are pronounced alike in Veda 2 hota and rtvig are two priests 3 rsih is one who knows the secret of mantras 4 eha, a-iha, the particle a will be joined with verb vaksati, this is a Vedic peculiarity where interrupted prefix qualifies the verb 5 Vedic subjunctive mood

الفبای «دوناگری» (Devanagari) که در چاپ کتابها مورد استفاده است (۱)

अ a	आ ā	इ i	ई ī	उ u	ऊ ū
ऋ ṛ	ॠ ṝ	ऌ ḷ			
ए e	ऐ ai	ओ o	औ au		

क k	ख kh	ग g	घ gh	ङ ṅ	
च c	छ ch	ज j	झ jh	ञ ñ	
ट ṭ	ठ ṭh	ड ḍ	ढ ḍh	ण ṇ	
त t	थ th	द d	ध dh	न n	
प p	फ ph	ब b	भ bh	म m	
य y	र r	ल l	व v		
श ś	ष ṣ	स s			ह h

نشانه های حروف صدادار و ترکیب آنها با حرف بی‌صدای «ک»

—	ा	ि	ी	ु	ू	ृ	ॄ	ॢ
क	का	कि	की	कु	कू	कृ	कॄ	कॢ
े	ै	ो	ौ	ं m	ः h			
के	कै	को	कौ	कं	कः			

---

(۱) برای تلفظ این حروف نگاه کنید به صفحهٔ ۳۰ و ۳۱ از کتاب حاضر

خط دوناگری

درست روشن نیست که هنر نوشتن از چه زمان در هندوستان آغاز شده است ولی بودن تمدن و ادبیات ودائی و نشانه‌های حروف صدا دار و بی‌صدا در «ودا» نشان میدهد که در آن زمان هنر نوشتن در هندوستان آغاز شده بود. البته منابع قدیمی نشان میدهد که در آغاز الفبای براهمی (Brahmi) رواج داشته است ومعتقد بودند که این خط مستقیما از دهان خدائی بنام براهما (Brahma) رسیده‌است همینطوردرباره کتیبه «اشوك» شاه (Asoka) چنین گفته شده‌است ازخط «براهمی» خط «دوناگری» گرفته شد که خط یا زبان خدایان و نجبای شهرهادانسته شده‌است این خط درهندوستان ریشه‌خطهای دیگرشد ولی در جنوب هندوستان خط «دراویدها» از این خط گرفته نشده و باخط «دوناگری» تفاوت دارد خط سنسکریت و هندی هردو یك طور نوشته می شود خط «دوناگری» دارای این ویژگی است که تمام صداهای ملفوظ نشانه‌ای در خط دارد وهر چه گفته میشود میتوان با آن خط عینا نوشت تمام حروف صدادار و بی صدا برطبق اصول صدا شناسی بوجود آمده و بعضی نشانه ها هم از خط «دراویدها» گرفته شده‌است

در این قسمت تنها نمونه حروفی که‌درنوشتن‌بادست وحروفی که در چاپ بکارمیرود، آورده شده است

ترکیب «ک» با حرف صدا دار برای نمونه

अ	—	क	k + a = ka
आ	ा	का	k + ā ka
इ	ि	कि	k + ı kı
ई	ी	की	k + ı - kī
उ	ु	कु	k + u = ku
ऊ	ू	कू	k + u ku
ऋ	ृ	कृ	k + r = kr
ए	े	के	k + e – ke
ऐ	ै	कै	k + aı = kaı
ओ	ो	को	k + o = ko
औ	ौ	कौ	k + au – kau
अं	ं	कं	k + am – kam
अः	:	कः	k + ah kah

الفبای «دوناگری» که برای دستنویسی بکار میرود

अ आ इ ई

उ ऊ ऋ ॠ

ए ऐ ओ औ

अं अः

क ख ग घ ङ

च छ ज झ ञ

ट ठ ड ढ ण

त थ द ध न

प फ ब भ म

य र ल व

श ष स ह

برای نمونه‌کلماتی چند از سنسکریت را در زیر می‌آوریم

अत्र	आकाश	स्वर
नख	एक	कपोत
माता	जानु	बाहू
बाला	केश	सप्त
घर्म	अष्ट	पाचक
ईरान	शीराज़	हमादान

رقمها در خط «دوناگری»

१	२	३	४	५
۱	۲	۳	۴	۵
६	७	८	९	०
۶	۷	۸	۹	۰

حروف بی صدا که شامل حروف بزرگ و کوچک است

بزرگ	کوچک	
ग	ग्‍	g
ज	ज्‍	j
न	न्‍	n
ब	ब्‍	b
म	म्‍	m
र	र्‍	r
श	श्‍	ś
स	स्‍	s

بزرگ	کوچک	
क	क्‍	k
च	च्‍	c
त	त्‍	t
प	प्‍	p
भ	भ्‍	bh
य	य्‍	y
व	व्‍	v
ष	ष्‍	ṣ

قسمت زیر یک فرم جداگانه و مخصوص است

क् - ष = क्ष k+s=kṣ

त् - र = त्र t+r=tr

ज् - न = ज्ञ j+n, g+y } = jn, gy

برای نمونه جمله‌هایی چند بخط سنسکریت (دوناگری) در زیر داده میشود

ईरान आर्याणां देश । अस्य देशस्य
अतीतं अति गौरवमयं आसीत् ।
पुरा अत्र बहव· वीरा· राजान
राज्यं अकुर्वन् । महात्मा जरथुश्त
अत्र एव ज्ञान- ज्योति ज्वालयामास ।
अनेके कविभि अत्र मधुराणि
काव्यानि रचितानि । ईरान- वासिन
काव्य- विनोदिन· रसिका. च सन्ति ।
अद्यापि ते कवीना आदरं कुर्वन्ति ।
अस्य देशस्य भविष्यं उज्वल अस्ति ।

برای نمونه جمله‌هایی چند بخط سنسکریت (دوناگری) داده میشود

नमस्ते । namaste (سلام برتو)

त्व कुत्र गच्छसि ? tvam kutra gacchasi ? (تو کجا میروی)

कि ते नाम ? kim te nama? (نام تو چیست ؟)

त्व कस्यां कक्षायां पठसि ? tvam kasyām kaksāyam pathasi ? (تو درچه کلاسی درس میخوانی؟)

अस्य नगरस्य कि अभिधानम् ? asya nagarasya kim abhidhanam ? (نام این شهر چیست؟)

अपि भवान् कुशली अस्ति ? api bhavan kuśali asti ? (حال شما خوب است؟) -

तव कति भ्रातर सन्ति ? tava kati bhratarah santi ? (چند برادر داری؟)

अनुज्ञा देहि अधुना गृह गच्छाम । anujñam dehi adhuna grham gacchamah (اجازه بده اکنون بخانه برویم)

نمونه‌ای از «هیتوپدیشا» و «ریگ ودا» به خط سنسکریت (دیوناگری(۱))

अस्ति गौतमारण्ये महातपा नाम मुनिः । तेनाश्रमसंनिधाने मूषिकशावकः काकमुखाद्भ्रष्टो दृष्टः । ततो दयालुना तेन मुनिना नीवारकणैः स संवर्धितः । त च मूषिकं खादितुमनुधावन्बिडालो मुनिना दृष्टः । पश्चात्तपःप्रभावात्तेन मुनिना मूषिको बलिष्ठो बिडालः कृतः ।स बिडालः कुक्कुराद्बिभेति। ततोऽसौ कुक्कुरः कृतः । कुक्कुरस्य व्याघ्रान्महद्भयम्। तदनन्तरं स व्याघ्रः कृतः । अथ व्याघ्रमपि तं मूषिकनिर्विशेषं पश्यति मुनिः । अतः सर्वे तत्रस्था जनास्तं व्याघ्र दृष्ट्वा वदन्ति । अनेन मुनिना मूषिकोऽयं व्याघ्रतां नीत । एतच्छ्रुत्वा स व्याघ्रः सव्यथोऽचिन्तयत् । यावदनेन मुनिना जीवितव्य तावदिदं मम स्वरूपाख्यानमकीर्तिकरं न पलायिष्यते। इति समालोच्य मुनिं हन्तुं समुद्यतः । ततो मुनिना तस्य चिकीर्षितं ज्ञात्वा पुनर्मूषिको भवेत्युक्त्वा मूषिक एव कृतः। अतोऽहं ब्रवीमि ।

नीचः श्लाघ्यपदं प्राप्य स्वामिनं लोप्तुमिच्छति ।
मूषिको व्याघ्रतां प्राप्य मुनिं हन्तुं गतो यथा ॥

(۱) برای ترجمهٔ فارسی و برگردانیده شدهٔ این قسمت به لاتین نگاه کنید به صفحهٔ ۹۶ و ۹۷ از کتاب حاضر

Transliteration

Irānah āryānām deśah asya deśasya atītam ati gaurava-mayam āsīt pura atra bahavah vīrāh rājanah rājyam akurvan Mahātmā Jarthuśtah atra eva gñana-jyotim jvālayamāsa anekaih kavibhih atra madhurāni kāvyāni racitāni Irān-vāsinah kāvya-vinodinah rasikāh ca santi adyāpi te kavīnām ādaram kurvanti asya deśasya bhaviśyam ujvalam asti

ترجمهٔ فارسی

ایران کشور آریاهاست گذشته این کشور بسیار درخشانست در زمان پیشین شاهان دلیر و بسیار در اینجا پادشاهی کردند زردشت بزرگ اندیشه در اینجا مشعل علم برافروخت در این کشور بوسیله شاعران ، شعرهای شیرین ساخته شده است مردم ایران شعر دوست ودارای ذوق زیباشناسی هستند حتی امروز نیز شاعران خود را گرامی میدارند آیندهٔ این کشور بسیار درخشان است

واژه نامهٔ سنسکریت - فارسی

(۱)RIGVEDA 1 1

अग्निमीळे पुरोहितं यज्ञस्य देवमृत्विजम् ।
होतारं रत्नधातमम् ॥१॥
अग्निः पूर्वेभिर्ऋषिभिरीड्यो नूतनैरुत ।
स देवाँ एह वक्षति ॥२॥
अग्निना रयिमश्नवत्पोषमेव दिवे दिवे ।
यशसं वीरवत्तमम् ॥३॥
अग्ने यं यज्ञमध्वरं विश्वतः परिभूरसि ।
स इद्देवेषु गच्छति ॥४॥
अग्निर्होता कविक्रतुः सत्यश्चित्रश्रवस्तमः ।
देवो देवेभिरा गमत् ॥५॥

(۱) برای ترجمهٔ فارسی و برگردانده شدهٔ این قسمت به لاتین، نگاه کنید به صفحه ۱۰۸ و ۱۰۹ از کتاب حاضر

سنسکریت	فارسی
adhıpatı m	صاحب-مالك
adhunā adv	اکنون
adhvara m	مراسم دینی
anantaram adv	سپس
anāvrstıh f	بی‌باران-خشکسالی
anu adv	پشت (پیشاوند)
anukūla a	موافق
anumatı f	اجازه
anumana m	اندازه
anrta m	دروغ
aneka a	چند-چندین
anta m	پایان
anuSasana n	نظم وترتیب
antıka adv	نزدیك
antevāsın m	شاگرد
antarıksa n	افق
andha m	کور
andha-kara m	تاریکی
anna n	غذا
anyat adv	دیگر
anyatra adv	جای دیگر
anyatha adv	وگرنه

سنسکریت	فارسی
akṣa m	قمار
aksata part,	ناسالم ـ مجروح
agnı m	آتش
agra n	روبرو ـ جلو
anga	اندام
angulīyaka n	انگشت
atah adv	پس ـ بنابراین
atı adv	بسیار
atra adv	اینجا
atha adv	پس ازاین
athava adv	یا
Atharva-veda m	(اتروـ ودای چهارم ودا)
adas pron (asau)	آن
adya adv	امروز
adharma m	نامقدس
adhas adv	پایین
adhastat adv	پایین
adhı adv	بر ـ بالا (پیشاوند)
adhıka a	بسیار ـ زیاد
adhıkaranıka m	قاضی دادگستری
adhıkara m	حق ـ ادعا

سنسکریت	فارسی
asta num	هشت
astama num	هشتم
astadaśa num	هجده
asatya n	دروغ
asambhava a	ناممکن
asi m	شمشیر
asura m	دیو
asta a	غروب
asthi n	استخوان
asmat pro	ما-مال‌ما
aham pron	من
aharniśa n	شب‌وروز
ahita a	مضر
aho int	ای(حرف‌ندا)-آه-آخ
ahorātra n	شب‌وروز
ā adv	دوروبزدیك (پیشاوند)
akāra m	شکل - صورت
akāśa n	آسمان (درودا مذکر آمده)
akarsana n	جاذب
ākheta n	صید-نخجیر-شکار
agama m	کتاب مقدس
agamana m	ورود

سنسکریت	فارسی
ap f (pl) āpah	آب
api adv	نیز ـ هم
apara pron	دیگر
apsaras f	پری
abhaya n	ناترس
abhi adv	روبرو (پیشاوند)
abhyāsa m	تمرین
amrta n, adj	آب حیات
ambā f	مادر
amla n	ترش
aranyam n	جنگل
ari m	دشمن
artha m	ثروت ـ معنی
ardha n	نصف
alam adv	کافی
ali m	زنبور
ava adv	پایین (پیشاوند)
avaśyam adv	حتمی ـ حتماً
avasthā f	حالت
aśiti num	هشتاد
aśru n	اشک
aśva m	اسب

سمسکریت	فارسی
āsana n	مسند
asvadu n	بی‌مزه
aharana n	ربودن-دزدیدن-بردن
ahara n	خوراک-غذا
ahutı f	قربانی-سوزاندن روغن وبخور درهنگام انجام مراسم دینی
ıccha f	میل
ıtarat pro	دیگر
ıtas adv	ازاینجا
ıtı adv	پایان
ıttham adv	چنین
ıdam pro	این
ındu m	ماه
Indra m	ایندرا (خدای باران)
ıyam f	این (دختر)
Iva adv	مثل-مانند
\ ıs	خواستن
ısu m	تیر
ıha adv	اینجا
\ ′ ıd v	ستودن
ıśvara m	خدا-خداوند
ut adv	بالا (پیشاوند)
uttara n	پاسخ-شمال

فارسی	سنسکریت
احلاق	ācāra m
پیر-مرشد	ācārya m
احاره	ājñā f
روح	atman m
آعار-شروع	ādi m
آفتاب	āditya m
دستور	adeśa m
بدست آوردن-حاصل کردن	√ap
آفت-بلا	āpad f
دکان-معازه	āpana m
زیور آلات	abhūṣana n
امبه	āmra m
پهناور-وسیع	ayata a
سن	āyus m
فروتنی	ārjava n
روشنی	aloka m
روشن	ālokita p pf
هردوما	avam pro
امید	aśa f
زود	aśu a
خانقاه	aśrama m
ساهمده	āśrita p pf

فارسی	سنسکریت
حرس	rkṣa m
رگ ودا (نخستین کتاب ودا)	rgveda m
راستی (درودا)	rta m
سرود دینی	rc f
قرص	rna n
اهل نظر	rsi m

یک	eka num
یکبار ـ یکمرتبه	ekada adv
یازده	ekādaśa num
این	etad pro
تنها	eva adv
چنین	evam adv
قوت	oja m

حلو	odana n
لب	ostha m
دوا	ausadha n

کی	kah pro
دستبند	kankana n
شیشه	kaca m
سنگ پشت	kacchapa m
پادری ـ حصیر	kata m
تلخ	katu m

سنسکریت	فارسی
ut √ srij v	ترك كردن ـ رها كردن
uttarıya m	شال
udadhı m	دريا
uddeśya m	مقصود
udaya m	طلوع
udyāna m	باغ
udyoga m	كوشش ـ صنايع دستى
udyogın m	كوشان
unmatta m	مست
upa adv	معاون (پيشاوند)
upadeśa m	پند
upanayana n	كشتى (رسم دينى هندويان)
upanışat f	اوپانيشاد (كتاب هنديان باستان)
upapanna p pf	آماده ـ حاضر شده
Upabhoga m	خوشى ـ لذت
upayoga m	استعمال
upavana n	باغ
upānah f	كفش
ubha a	دو
uru a	ران
uśas f	شفق
uṣtra m	شتر

سنسکریت	فارسی
kartr m	کننده
karman m	عمل
kalaha m	نزاع
kala f	هنر
kalyma n	بهبودی
kalusa n	کسف
kavı m	شاعر
kavıta f	شعر ـ نظم
kaka m	کلاغ ـ زاغ
kāna m	یك‌چشم ـ کور از یك‌چشم
kantı f	نور
kama m	هوی‌وهوس
kamın m	شهوانی
kamını f	زن زیبا
kırana n	علت
kaya m	بدن
karya n	کار
karyālaya	اداره
kala m	وقت
Kalıdasa m	کالداسا (یکی از بزرگترین شاعران زبان سنسکریت)
kıvya m	دیوان شعر
kastha n	چوب

سنسکریت	فارسی
kathora n	سخت
kana n	قطره
kantaka m	خار
kantha m	گلو
katarat adv	کدام
katham adv	چگونه-چطور
kathā f	داستان
√ kathay v	گفتن
kada adv	کی
kadacit adv	هنگامی-شاید
kadacana adv	شاید
kanistha a	کوچکتر
kaniyas a	کوچک
kanya f	دختر
Kandarpa m	کندرپا (رب النوع عشق)
kapi m	میمون
kapota m	کبوتر
Kamala f	کملا (رب النوع ثروت)
√ kamp v	لرزیدن
kara m	دست
karin m	فیل
karna m	گوش

فارسی	سنسکریت
کشاورز	**krşaka m**
کشاورزی ـ زراعت	**krşı f**
سیاه	**krsna a**
کرشنا (یکی ازخدایان هندی)	**Krşna (Prop N) m**
درفش	**ketu m**
بازوبند	**keyura n**
گیسو	**kesa m**
خشم	**kopa m**
پرسروصدا	**kolahala m**
ملایم ـ نازك	**komala n**
دانشمند	**kovıda m**
گنج	**kosa m**
خریدن	**√ krı v**
بازی کردن	**√ krıd v**
بازی	**krıda f**
خشمگین شدن	**√ krudh v**
خشم	**krodha m**
کجا	**kva adv**
لحظه	**ksana m**
نگهبانان مملکتی ـ جنگجویان (طبقه دوم از چهار طبقه درهند قدیم)	**ksatrıya m**
پوزش ـ عذر	**ksama f**

سنسکریت	فارسی
kım n	کی
kīta m	بخشندگی
kırtı f	شهرت
kīrtımat m	معروف
kukkuta m	خروس
kutah adv	از کجا
kutra adv	کجا
kutı f	کلبه
√ kup v	خشمگین‌شدن-عصبانی شدن
kumara m	پسر مجرد
kumarı f	دوشیزه
kumbhakara m	کوزه گر
kuśala a	سلامت
kundala n	گوشواره
kupa m	چاه
kuta	قله کوه
√ kr v	کردن
krpana m	بخیل
krpā f	مرحمت
krśa m	ناتوان-لاغر
√ krs v	کشیدن

سنسکریت	فارسی
√ gam v	رفتن
garıyas m	سنگین
gardabha m	خر
gandha m	بو
garutmat m	شاهین ـ عقاب
gatra n	تن ـ بدن
gatha f	داستان
gır f	سخن
gırı m	کوه
gıta f	سرود
guna m	صفت
gunın m	دارندهٔ صفات متعدد
guıu m	پیر ـ مرشد
guha f	غار
grha	خانه
gopa m	گاوبان
go m	گاو
godhūma n	گندم
grantha m	کتاب
√ grah v	گرفتن
grama m	ده
grasa m	گیاه ـ لقمه

سنسکریت	فارسی
√ ksāl v	شستن
√ ksip v	پرت کردن- افگندن
ksīra n	شیر (خوردنی)
ksudra n	کوچک- پست
ksudhā f	گرسنگی
ksetra n	میدان- مزرعه
ksobha m	آشفتگی- اضطراب
khaga m	پرنده
khanja m	لنگ
khandaśah a	پاره پاره- تکه تکه
√ khan v	کندن
khara m	خر
kharjura m	خرما
khalvāt m	کچل
khyata n	معروف
√ khad v	خوردن
Ganga f	گنگ (نام رودخانه مقدس)
gaja m	فیل
√ gana v	شمردن
gananā f	شماره
gati f	خرامیدن
gabhira n	گود

سنسکریت	فارسی
cikitsa f	درمان-معالجه
cititsaka m	پزشک
citta n	فکر
citra n	تصویر
citrakara m	نقاش
cintā f	اضطراب
citkara m	فریاد-جیغ
√ cur v	دزدیدن
caura m	دزد

---

chatra n	چتر
chaya f	سایه
√ ćhid v	سوراخ کردن-بریدن

---

jagat n	جهان
√ jan n	زاییدن-آفریدن
jana m	انسان
janaka m	پدر
janani f	مادر
jambala m	گِل
jangala n	جنگل
janman	تولد
jaya m	فتح
jari f	پری

فارسی	سسسکریت
کوره ـ سبو	ghata m
پیش آمد ـ حادثه	ghatanā f
گهتکا(برابر با ۲۴ دقیقه)	ghatıka f
روغن حیوانی	ghrta m
و	ca conj
چرخ	cakra n
چهار	caksus n
چهارم	caturtha a
چهارده	caturdaśa num
جانور ـ چهارپا	catuspada a
چهل	catvārımśat num
ماه	candra m
ماه	candramas m
چریدن ـ چریدن	\ car v
پیک ـ قاصد ـ جاسوس	cara m
پا	carana m
شرح حال	carıta n
اخلاق	carıtra n
چرم	carman n
نوعی از پرندگان	cātaka m
زیبا	cāru a
دیر	cıram adv

فارسی	سنسکریت
آنجا	tatra adv
آنطور	tatha adv
آن	tad pron
درآن‌هنگام	tada adv
ریاضت کشیدن	\ tap v
ریاضت	tapas n
ریاضت کش	tapasvin m
جنگل ـ ریاضت	tapovana n
تاریکی	tamas n
درخت	taru m
پس	tarhi adv
زدن	\ tad v
عزیز ـ پدر	tata m
مانند آن	tadrś a
ستاره	taraka m
تاآنوقت	tavat adv
تند	tikta n
خال	tilaka m
تیر ـ کرانه	tira n
زیارتگاه	tirtha n
ترازو	tula f
خاموش	tusnim adv

سنسکریت	فارسی
jala n	آب
jalaśaya n	آبگیر
√ jagr v	بیدار شدن
jagarana n	بیداری
jāti f	طبقه مردم
jamati m	داماد
jala n	نور
√ ji v	بردن-پیروزشدن
jihva f	زبان
√ jiv v	زنده بودن-زیستن
jivana n	زندگانی
jivita n	زنده
√ jña v	دانستن
jñana n	علم
jyayas a	بزرگ
jyestha a	بزرگترین
jyotisa n	علم نجوم
jyotis n	نور-روشنائی
jvara m	تب

سنسکریت	فارسی
tadaga m	آبگیر-آبدان
tandula m	برنج
tatas adv	از آنجا

سنسکریت	فارسی
√ da v	دادن
datr m	دهنده
dāna n	بخشش
danava m	کمان
danta m	دندان
dasa m	پیشخدمت
dası f	کلفت
dık f	سوی-طرف
dına n	روز
dıvasa m	روز
dırgha a	دراز-طویل
dukkha n	غم
dugdha n	شیر (خوردنی)
durga m	قلعه
duıatman m	بدجنس
durjana m	بدجنس
durdaśa f	بدبختی
durlabla a	کمیاب-نادر
√ duh v	دوشیدن
duhıtr f	دختر
duta m	پیک-قاصد
√ drṣ v (paśya)	دیدن

سنسکریت	فارسی
√ tr v	ستا کردن
trtiya	سوم
trṣna f	تشنگی
te pro	ایشان
torana m	دروازهٔ شهر
tau pro	هردوایشان
trāyodaśa num	سیزده
trasa n	ترس
tri num	سه
trimśat num	سی
tvam pron	تو

---

dakṣa m	باهوش
daksina a	جنوب ـ راست
danda m	عصا ـ مجازات
danta m	دندان
daya f	لطف ـ مرحمت
daridra a	فقیر
darpana n	آیینه
darśana n	جلوه ـ ظهور
daśa num	ده
daśama a	دهم
√ dah v	سوزاندن

سنسکریت	فارسی
dhanya n	غله
dharadhara m	ابر
√ dhav v	دویدن
dhı f	عقل-دانش
dhımat a	دانا
dhıra m	باحوصله
√ dhr v	بوسیدن
dhenu f	گاو
dhaırya n	صبر
√ dhya v	اندیشیدن
dhruva n	حتمی-حتم

سنسکریت	فارسی
na adv	نه
naksatra n	ستاره
nakha m ، n	ناخن
nagara n	شهر
nagarı f	شهر
nadı f	رودخانه
naptr m	نوه
nabha n	آسمان
√ nam v	تعظیم کردن- خم‌شدن
nara m	نر
nayana n	چشم

سنسکریت	فارسی
deva m	رب‌النوع
devatā f	رب‌النوع
deśa m	کشور
devi f	رب‌النوع
drdha m	محکم-قوی
daiva n	بخت
dosa m	تقصیر
dravya n	پول
dvara m	دو
dvi num	در
dvija m	برهمن
dvitiya a	دوم
dvipad m	جانور (دوپا)

---

dhana n	ثروت
dhanavat m	ثروتمند
dhanin m	ثروتمند
dhanus n	کمان
dharā f	زمین
dharma m	دین
dhavala a	سفید
√ dha v	گرفتن- پوشیدن
dhati f	پرستار

سنسکریت	فارسی
nırmala a	روشن
√ nı v	بردن
nıca m	پست
nıtı f	روش
nıyamana pr pl	در حال بردن
nıla a	آبی
nıvara m	غله خودروی
nunam adv	حتماً
nutana a	نو
√ nrt v	رقصیدن
nrtya n	رقص
nrpa m	شاه
nrpatı m	شاه
netr m	پیشوا ـ رهنما
netra n	چشم
nau f	قایق
nyaya m	انصاف
nyayya a	درست ـ منصفانه

---

pakşa m	بال
paksın m	پرنده
panka n	گل

سنسکریت	فارسی
naraka m	دوزخ
naradhipa m	پادشاه
navi a	نو
nava num	نه (۹)
navati num	نود (۹۰)
navadaśa num	نوزده (۱۹)
navama a	نهم
navina a	نو - نوین
√ naś v	خراب شدن
nāga m	مار - فیل
nāṭaka n	نمایش‌نامه
nāpita m	سلمانی-سرتراش
nāman n	نام - اسم
nārī f	زن
nāśa m	خراب کردن
nitya a	همیشه
√ nind v	بدگویی کردن
nipuna n	باهوش
niyoga m	دستور - حکم
nirjhara m	آبشار
nirdaya a	ستمگر
nirbhara n	نیازمندی بکسی

فارسی	سنسکریت
رای	paramarśa m
مجلس	parisad f
کوه	parvata m
باد	pavana m
حیوان	paśu m
بعدا	paşcāt adv
نوشیدن	√ pa v (pib)
نگاهداری کردن	√ pa v
آشپز	pacaka m
درس	pātha m
ظرف ـ بااستعداد	patra m
پا	pada m
گناه	papa n
پرورش دادن	palana n
نور	paśa m
سنگ	paşana m
کوکو (نام پرنده‌ایست)	pika m
پدر	pitr m
آزار رساندن	√ pid v
آزار	pida f
ثواب	punya n
پسر	putra m

سنسکریت	فارسی
√ pac v	پختن
pañca num	پنج(۵)
pañcatva n	درگذشتن ـ فوت کردن
pañcama a	پنجم
pañcadaśa num	پانزده(۱۵)
pañcāśat num	پنجاه(۵۰)
√ path v	خواندن
pandita m	دانشمند
√ pat v	افتادن
pati m	صاحب-مالك-شوهر
patni f	زن-همسر
patra n	برگ-نامه
pathin m	راه
pad m	پا
padma n	نیلوفر
payas n	آب-شیر (خوردنی)
para a	مال‌دیگران- متعلق بدیگران
paramatman m	روح کامل-خدا
paraśu m	تبر
paraśva adv	پس‌فردا
parakrama m	شجاعت
paropakara m	نیکخواهی

سمسکریت	فارسی
pratibimba n	انعکاس
prathama a	اول
pramada m	اشتباه
prabhava m	علت
pralaya m	قیامت
praveśa m	ورود
praśna m	سؤال
prasanna n	خرسند
prahara m	پرهر (برابر با سه ساعت)
prana m	روح
pratar adv	بامداد-صبح
prayas adv	غالباً-بیشتر اوقات
prārthana f	نماز-دعا
prasada m	مرحمت
priya a	عزیز
priti f	محبت
preman m, n	محبت-عشق
phala n	میوه-ثمر

---

baka m	ماهیخوار
barbara a	وحشی
bandhu m	برادر - خویشاوند

سنسکریت	فارسی
punah adv	دوباره
pura n	شهر
purā adv	روبرو ـ زمان پیشین
purusa m	مرد
purohita m	آخوند
puspa n	گل
pustaka n	کتاب
√ pūj v	پرستیدن
pūrna n	کامل ـ پر
√ prch v	پرسیدن
prthak adv	جدا
prthvī f	زمین
petikā f	چمدان کوچک
pautra m	نوه
paura m	شهری
prakāśa n	روشنایی
√ prach v	پرسیدن
pranaya m	محبت ـ عشق
prati adv	برای (پیشاوند)
pratikula a	مخالف
pratijña f	قول ـ تعهد
pratyaham adv	هر روز

سنسکریت	فارسی
bhaya n	ترس
bhayankara n	ترسناك
bhartr m	مالك - شوهر
bhavat m	شما
bhaviṣyat n	آینده
bhasman n	خاکستر
\ bha v	درخشیدن
bhagya m	بهره
bhanu m	آفتاب
bhara m	باد
bhavyam adv	بحت حتماً بودنی وشدنی
bharyā f	همسر - زن
\ bhas v	گفتن
bhasa f	زبان
bhasvan m	آفتاب
bhiksa f	گدایی
\ bhi v	ترسیدن
bhisak m	پزشك
bhuvana n	جهان - دنیا
\ bhu v	بودن
bhu f	زمین
bhuta pt pl	جنی - بوده

سنسکریت	فارسی
bala n	نیرو
balavat m	نیرومند
balin m	نیرومند
bahu adv	بسیار-فراوان
bādha f	مانع-جلوگیری
bana m	تیر
badham adv	خوب
bala m	پسربچه
bala f	دختر بچه
baspa m	اشک
bahu m	بازو
bidala m	گربه
bindu n	قطره
buddha part	بیدارشده
buddhi f	خرد - عقل
budha m	دانشمند
brahmacārin m	مجرد-مردی که ازازدواج سربازمی‌زند
Brahman m	روان گیتی - روح کل
Brāhmana m	طبقه روحانی-برهمن
bhakta a	پرستنده
bhagavat m	خدا
bhadra a	نجیب

سنسکریت	فارسی
mayura m	طاوس
marana n	مرگ
marut m	باد
mastāka n	پیشانی
mahat m	بزرگ ـ مه
maharaja m	مهاراجه ـ راجه
mahila f	خانم
mahisi f	ملکه ـ گاومیش
mansa n	گوشت
matr f	مادر
manava m	انسان
mānasa n	اندیشه
marga m	راه
marjara m	گربه
māla f	حلقهٔ گل
malin m	باغبان
māsa m	ماه
mitra n	دوست ـ رفیق ـ آفتاب
mina m	ماهی
mukti f	رهائی
mukha n	دهن
١ muc v	ترک کردن

سنسکریت	فارسی
bhuti f	سعادت
bhūyas adv	دوباره
bhūsana n	زیور
bhrtya m	نوکر-پیشخدمت
bhoga m	لذت
bhojana n	غذا
bhrātr m	برادر
bhru f	ابرو

سنسکریت	فارسی
maksika f	مگس
mani m	سنگ قیمتی
mati f	خرد - عقل
matimat m	خردمند
matsya m	ماهی
madhu n	عسل
madhura n	شیرین
madhya a	میان
madhyānha m	ظهر
manas n	دل-قلب
mantra m	سرود-مشورت
mantrin m	وزیر
mandūka m	قورباغه-غوک

سنسکریت	فارسی
yad pvo	که
yadā adv	وقتیکه
yadı adv	ولی-اگر
yama m	یما (رب‌النوع مرگ)
yava m	جو
yavana m	خارجی - مانند یونانی
yas'as n	شهرت
√ ya v	رفتن
√ yac v	گدایی کردن
yacaka m	گدا
yātrā f	مسافرت
yana n	وسایل نقلیه
yavat pro	تاوقتیکه
yuga n	زمان-جفت
yugma n	جفت
yuddha m	جنگ
√ yudh v	جنگیدن
yuvan m	جوان
yuvatı f	دختر جوان
yuvam pro	هردوشما
yus'mat pro	مال‌شما
yuyam pro	شما

سنسکریت	فارسی
√mud v	لذت بردن
muni m	زاهد
mūla n	ریشه
mūrti f	بت - مجسمه
√mr v	مردن
mrga m	آهو
mrgaya f	شکار
mrta p part √mr	مرده
mrtyu m	مرگ
mrdu n	ملایم-نرم
megha m	ابر
maitri f	دوستی
moksa m	رهایی
moha m	شیفتگی

√yaj v	قربانی کردن
yajña m	جشن قربانی
√yat v	کوشش کردن-سعی کردن
yati m	مرتاض
yatna m	کوشش
yātra adv	مسافرت
yathā adv	همانطور

سنسکریت	فارسی
rudhira n	خون
√ruh v	رسیدن-رشد کردن-روییدن
rupa n	زیبایی
rupavat m	خوشگل-زیبا

سنسکریت	فارسی
laksa n	صد هزار (۱۰۰۰۰۰)
laksmi m	لکشمی (رب النوع ثروت)
laghu n	کوچک
Lanka f	سیلان
lajja f	خجلت
lata f	گیاه خزنده بالا رونده
√labh v	حاصل کردن
lavana n	نمک
labha m	فایده
lavanya n	رعنایی
√likh v	نوشتن
lekha n	سند-خط
loka m	ناحیه
lobha m	طمع
loman n	موی
loha n	آهن
lohita a	سرخ - قرمز

سنسکریت	فارسی
rakta a	خون
√ rakṣ	محافظت کردن
rajat n	نقره
rajju m	ریسمان
rana m	جنگ
ratna n	جواهر
ratha m	گردونه
√ ram v	لذت بردن
ramani f	زن خوشگل
raśmi f	شعاع
rasa m	مزه - آب میوه
raksasa m	دیو
√ raj v	حکومت کردن - درخشیدن
rājan m	راجه
rajya n	سلطنت
ratri f	شب
Rāma pr n	راما (نام خدا)
Ramāyana n	رامایانا (نام داستان مشهور)
Ravana m	راونا (اسم شاه سیلان که در زمان رام زیست میکرد)
raśi f	توده
√ ruc v	پسندیدن - درخشیدن
√ rudh v	مانع شدن

سنسکریت	فارسی
vasu m	ثروت
vastra n	پارچه - لباس
√ vah v	بردن
va part	یا
vac f	سخن - نطق
vanijya n	کالای تجارتی
vata m	باد
vatayana n	پنجره
vapi f	دریاچه
vayasa m	کلاغ
vari n	آب
vasas n	پارچه - لباس
vimsa num	بیست (۱۰)
vinsati num	بیست (۲۰)
vikrama m	دلیری
Vikramaditya n	ویکرمادیتیا (نام یکی از پادشاهان هند)
vitta n	ثروت
√ vid v	دانستن
vida f	خداحافظی
vidya f	دانش - علم
vidvat m	دانشمند
vidhi m	قانون-طریقه

فارسی	سنسکریت
آهنگر	lauha–kara m

خانواده	vamśa m
کج	vakra a
سینه	vakṣas n
گفتن	√ vac v
طبقه تجار	vanij m
بچه	vatsa m
گفتن	√ vad v
فیل	vadha m
عروس	vadhu f
جنگل–بیشه	vana n
ما	vayam pro
سن	vayas n
شوهر–داماد	vara m
بهتر	vara a
خوک	varaha m
ورونا (نام یکی از خدایان هندی)	Varuna m
رنگ–فرقه	varna m
باریدن	√ varṣ v
سال	varsa m
باران	varsā f
زندگی کردن	√ vas v

سانسکریت	فارسی
vaidya m	پزشک
vaiśya m	طبقه تاجر پیشه
vyasana n	اعتیاد
vyākaraṇa n	دستور زبان
vyāghra m	پلنگ
vyādha m	صیاد

---

١ śak v	توانستن
śakaṭa m	گردونه ـ گاری
Shakuntalā f prop n	شکونتلا (نام دختری ـ نام نمایشنامه منسوب به کالیداس)
śaṅkā f	شک
śata num	صد (١٠٠)
śatru m	دشمن
śanais adv	آهسته
śabda m	واژه
śayyā f	تختخواب
śara m	تیر
śarad f	پاییز
śarīra n	تن ـ جسم
śaśaka m	خرگوش
śākhā f	شاخ

فارسی	سنسکریت
مردی که زنش مرده باشد	vidhura m
فروتنی	vinaya m
بدون	vinā pro
جدایی	viyoga n
ازدواج-زناشویی	vivaha m
دانش	viveka n
همه	viśva pro
اعتماد	viśvasa m
زهر	visa n
ویشنو (نام یکی ازخدایان هندی)	Visnu m
پرنده	vihaga m
جایگاه بودایی-عیش	vihara m
چیدن - انتخاب کردن	√ vi v
گرگ	vika m
درخت	viksa m
شدن - بودن	√ vit v
اضافه کردن	√ verdh
پیر	vrddha m
باریدن	√ vis v
گاو نر	vrsabha m
«ودا» کتاب مقدس هندیان	veda m
فلسفهٔ ودا	vedanta m
جایگاه قربانی	vedi f

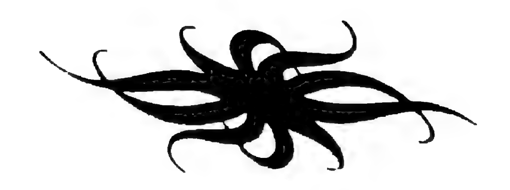
سنسکریت	فارسی
sesa m	باقی
srī f	آقا
srimat a	آقا
srimati f	خانم
sruti f	ودا
svah adv	فردا
svana m	سگ
sveta a	سفید
sas num	شش (٦)
sasti num	شصت (٦٠)
sastha a	ششم
sodasa num	شانزده (١٦)
sah pro	او
sakhin m	دوست
sakhi f	دوست دختر
sangrama m	جنگ
sajjana m	مرد نجیب
satya n	راستی
satvara adv	زود
√sad v	نشستن
sada adv	همیشه
sandhya f	شب ـ عصر
santa m	حکیم

سنسکریت	فارسی
śantı f	آرامش ـ صلح
√śas v	حکومت کردن
śalı m	شالی ـ سلبوک
śala f	خانه ـ منزل
śastra m	کتاب مقدس
√ śıkṣ v	آموختن
śıkhara m	قله
śıla f	صخره
śıras n	سر
śıvıra n	لشکر ـ اردو
śısu m	بچه ـ کودک
śısya m	شاگرد
śıghra adv	زود
śıta a	سرد
śıla m	اخلاق
śuka m	طوطی
śubha a	سعادتمند
√ śubh v	خوش آیند بودن
śudra m	طبقهٔ نجس
śura m	دلیر ـ شجاع
śourya n	دلیری
śıgala m	شغال

فارسی	سنسکریت
گنجشک	sarika f
سخاوت	sahasa n
کمک	sahayya n
شیر (درنده)	simha m
دریا ـ رودخانه	sindhu m
مرز	sima f
سیتا (نام زن رام)	Sita prop n f
آسان	sukara n
خوشی	sukha n
زیبا ـ قشنگ	sundara a
شراب	sura f
خوش‌رنگ ـ طلا ـ زر	suvarna n
دوست	suhrd m
آشپز	suda m
آفتاب	surya m
پل	setu m
ارتش	sena f
پیشخدمت ـ نوکر	sevaka m
خدمت کردن	√sev v
نردبان	sopana n
سوم (شرابی که درمراسم دینی بکار میبردند) ـ ماه	soma m

سنسکریت	فارسی
sapta num	هفت
saptati num	هفتاد
saptama a	هفتم
sabhā f	مجلس ـ جلسه
samacara m	خبر
samaja m	اجتماع
samipa a	نزدیک
samudra m	دریا
sarit f	رودخانه
sarpa m	مار
sarva a	همه
sarvatra adv	هرجا
sarvada adv	همیشه
samprati adv	اکنون
√śah v	تحمل کردن
saha adv	با
sahasa adv	ناگهان
sahasra n	هزار (۱۰۰۰)
sādhu m	درویش
sayam adv	عصر
sarathin m	ارابه‌ران
sārasa m	کلنگ ـ لک‌لک

فارسی	سنسکریت
دست	hasta m
خندیدن	١ has v
ترک کردن	١ hṛ v
برف	hima n
دزدیدن ـ بردن	١ hi v
آخر زمستان	hemanta m
موبد دینی	hotṛ
جشن ـ قربانی	homa
دیروز	hyah adv



سسکریت	فارسی
\ sthā v	استادن
sthana n	مقام ـ مکان ـ محل
\ ´sna v	استحمام کردن
snāna n	حمام گرفتن
\ snıh v	محبت کردن ـ ستدیدن
\ ´smr v	یاد کردن
smrtı f	کتاب قانون اجتماعی
sva a	خود
\ svap v	خوابیدن
svapna m	خواب
svayam adv	خود
svarga m	بهشت
svarnakara m	زرگر
svalpa a	کم
svasr f	خواهر
svamın m	مالک

---

hata pt pf	کشته
\ ´han v	کشتن
hamsa m	قو
harına m	آهو
harıt a	سبز

الف

ب

فهرست واژه های فارسی

در زیر، واژه‌هایی را که در واژه‌نامهٔ «سنسکریت - فارسی» آمده است به‌ترتیب با ذکر شمارهٔ صفحه‌ای که واژه در آن آمده‌است، می‌آوریم

آ

ت

ح

خ

ث

ج

چ

ز

س

ص

ط

ع

غ

ل

م

گ

پاسخ تمرین‌ها

صفحهٔ ۴۵ تمرین

۱ـ طوطی‌را - پسربچه‌را - با اسب - برای فیل - بوسیله مردم - بوسیلهٔ (برای- از) دو کبوتر - مال دو پسربچه - در سایه - با خر - مال دوروز - در گلها - برای سیتا - بوسیله لشکر - درمنزل

صفحهٔ ۴۸ تمرین

۱ـ او اسب است - تو پسربچه هستی - من مرد هستم - رام شوهر سیتاست - شیرها درجنگل زندگی می‌کنند - حسن از اسب می‌افتد - او دختر است - میوه می‌افتد - برگ از درخت می‌افتد - طوطی‌ها در درخت هستند - گلها در آب هستند - ما از درخت در آب می‌افتیم

sah bālah asti etah balah santi Kamala kanya Husainah ca balah asti vrkse phalam asti tvam vrksāt patasi gajah jale patati śalayam puspani santi gajah vane asti Sita Janakasya Kanya asti te śalayam santi

صفحهٔ ۵۱ تمرین

۱ـ مردم درخانه زندگی میکنند - کبوتران بردرخت زندگی می‌کنند - فیل آب رودخانه را می‌نوشد - من در آسمان خورشید را می‌بینم - پسر معلم با مرتاض برودخانه میرود - اسب شاه را بشهر می‌برد - کلفت ها برای ملکه میوه‌ها‌را می‌برند - طوطی‌ها دردرختان میوه‌ها‌را می‌خورند - احمد گله‌را به جنگل می‌برد - پسربچه‌ها درآسمان خورشیدرا می‌بینند - مرتاض درخانه نشسته است - رودخانه‌ها آب خودرا نمی‌نوشند ودرختان میوه‌های خود را نمی‌خورند - شیر دشمن خر است - تو با زن خود بشهر میروی

tatra vrksau stah tvam kutra gacchasi ? aham pratah phalam khādami adya nagaram gacchamah adhuna śayam asti dinani āgacchanti gacchanti ca param vayam atra eva tisthamah bālāh katham puspani nayanti ? atra chayā asti yadi tvam vanam gacchasi aham api gacchami balāh phalāni khādanti hasanti ca te aśvah na santi kintu kharāh santi

صفحهٔ ۶۰ تمرین

۱ـ خدمتکاران ارباب خود را خدمت می کنند. خدمتکاران شاه بوسیله اسبها به آنکیر میروند ـ دیروز هیچجا نرفتم و درخانهٔ خود نشستم ـ «اقبال» پسر بچهٔ خوبی است ـ هرروز پدر را خدمت می کند ـ شیر گوشت آهو را می‌خورد. ما در باغچهٔ خود گلها را می‌کاریم ـ ثروتمندان برای مسافرت سوار اسب میشوند ـ کبوتران از درختی بدرخت دیگر می‌پرند ـ آنان بوسیله پله‌ها بر بالای منزل رسیدند ودر آنجا باغچه‌ها بازی کردند ـ شکوبالا شرمنده شد وهیچ نگفت فقط ساکت ایستاده بود

scvakah kupat jalam anayantı bālah pathaśalayam krıdantı Rustamah balı vırah ca asıt aham pıtaram (pıtre) patram lıkhāmı tasya svasā mama bhratra nagaram gacchatı dhanınah yācake-bhyah annam dadatı tatra ekah jalaśayah jalaena purnah astı aham sada tvām tava putran ca smaramı hyah gurh (sıksakah) Ahama-dam atadayat khagah akaśe utpatantı balah ca gırım arohantı vırah dukkham sukham ca kada apı na ganayatı

صفحهٔ ۶۲ تمرین

۱ـ عروس «رام» به نام «سیتا» دانشمند وزیبا بود ـ بزرگ بابزرگ ستیزه می کند ـ دختر کوچك احمد در هنگام عصر می‌رقصد ـ شاه پیشخدمت را به شهر می‌فرستد ـ شاهی دلیر بنام «نل» پسر ونرس بود ـ شاه هر گونه باشد، مردم نیز همانطوراند ـ ثروتمندان پول می‌خواهند ولی گدایان فقط غذا می‌خواهند ـ مردان‌خوب به‌حیوانات‌اطمینان می کنند ـ خدمتکاران شاه مردم را سرشماری می کنند ـ بچه‌ها درباغچه بازی کردند واز درختان بالا میروند. عروس کوچکتر شاه «داشرت» میخواست که مردم را بجنگل تبعید کند ـ این وقت بهار است. گلها ازباغچه‌ها می‌چینند

Kalıdasah vıdvan kavıhcaasıt Soharabasya svasa rupavatı astı te yacakāh dhanāya rājñah samīpam agacchan aśya narasya jyeșthah

صفحهٔ ۵۳ تمرین

۱ـ دختر با مادر بشهر میرود ـ تو با پدر کجا میروی؟ ـ فیل‌ها آهسته آهسته بسوی رودخانه میروند ـ مادر برای دختر میوه‌ها و گلها را می‌برد ـ اکنون ما کتاب‌را از استاد ورا می‌گیریم ـ امروز ما با پدر بشهر میرویم آیا تو هم میروی؟ ـ مردمان میوه‌های درختان‌را کجا می‌برند ـ هرجاکه آتش‌است دود است ـ خورشید در آسمان همه‌جا میرود ومردمان آنرا می‌بینند ـ پسر با پدر سخن می‌گوید وپدر می‌خندد ـ «ملا» امروز صبح با برادرخود کجا میرود؟ـ زنان می‌خندند ومرد آن می‌بیند

balah pātham pathantı paśavah vanam gacchantı kapotah phalānı khādantı aham jalam pıbamı dasyah puspānı anayantı Paravīn bhanum paśyatı asvah chayayam tısthantı yuyam balasu hasatha sımhah kharasya mamsam khadatı janah nagare vasantı khagah ca vrksesu vasantı

صفحهٔ ۵۶ تمرین

امروز باد سرد میورد ـ دیروز با برادر خود بباغچه رفتم ـ آنجا درهرسو گلها را دیدم ـ صدا وگفتار زنان شیرین است ـ مرتاضی باسم «وشوامتر» بوسیلهٔ ریاضت «ایندرا» (خدای معروف هندیان) را فتح کرد ـ بوسیله آب، گل نیلوفر وبوسیله گل نیلوفر آب می‌درخشد ـ در تاریکی چیزی‌را بچشم نمی‌بینیم ـ من بخانه نزدیک می‌روم تو پسر بچه‌را کجا می‌بری؟ ـ اکنون تاریک‌است ـ فیلها واسبها آب رودخانه‌را می‌نوشند ـ ما درآب گلهای زیبایی دیدیم ـ عروس تاجر، میوه‌ها وگلهارا بشهر برده‌است ـ فیلهای‌شاه برگها ومیوه‌های درختان را خوردند

sah vrksat adhah patatı yuyam hyah kutra agacchata? purı Anusīrvān nāma mahān rāja atra avasat balānam vāk madhura bhavatı vanık puspānı phalanı ca nagaram nayatı Sıma Rıma ca rupavatyau (sundaryau) bāle stah nadyah jalam madhuram astı yadā sıtah vātah calatı narāh śālāyam gacchantı adhuna tamah astı sṛgālah ca āgacchantı

ماهیها در آبگیر وپرندگان در زمین زندگی می کنند ـ آن دختران در رودخانه شنا وآب تنی می کنند ـ این گنجشک سیاه را به احمد خواهم داد ـ پروین از باغچه میوهها را میدزدد

شعر :

۱ـ قو سپیداست وماهیخوار سپیداست، میان ماهیخوار وقو چه فرق است؟
برای جدا کردن آب وشیر، قو، قو است وماهیخوار، ماهیخوار است
۲ـ زاغ سیاه است وکوکو سیاه است میان کوکو وزاغ چه فرق است؟
وقت بهار میرسد، زاغ، زاغ است وکوکو، کوکو است

yadā ākaśe meghah garjanti tada mayurah nrtyanti harşanti ca balah varsāsu snānti mama jyestha bhagini raktani vasansi icchati yacakasya kanyah dhanaya nrtyanti gāyanti ca gāvah śvetah param aśvah krsnāh santi vasante vrksah latāh ca navanti harit-varnani patrani dharayanti śvetah sarasah akaśe utpatanti Husainasya patni annam anesyati aham ca tat khādisyāmi balah nadyam taranti hrsyanti ca tava aśvasya kim varnam asti ?

putrah Bhāratam agacchat, kanıyası kanyā ca atra pāthaśalayam pathatı guruh vıdusām sabhāyām vacam avadat aham atmanah pācakam tava grhe preşayāmı rāja sevakānām vıśvāsam karotı adhunā vayam na nrtyāmah mayūrah parvatesu nrtyantı aham svadeśāya, tebhyah vırebhyah ca ye prānān atyajan namāmı, teşām ādaram ca karomı

صفحهٔ ۶۵ تمرین

۱ـ من فردا به شهر شیراز خواهم رفت ـ امروز در خانهٔ ما جشنی است ـ برای من میوه می‌خرم ـ شب خواهد رفت وصبح خواهد بود ـ آنجا در رودخانه است بو آب می‌نوشد ـ من کتاب را خواهم برد وفردا خواهم آورد ـ من به پزشك بسیار اعتقاد دارم خونوی خوب وداشمنداست ـ خدمتکار شما دیروز برای من میوه‌ها را آورد ـ هرسواری که بیاید ، مارا شهر خواهد برد ـ من برا می‌شناسم وپسر بدر برا می‌شناسم ـ رودخانه ها آب خود را نمی‌نوشند و درختان میوه‌های خود را نمی‌خورند

nıśayām caurāh grham pravıśantı tava pıtā mama grhe kada gamısyatı? yatha narah jırnanı vasansı tyajantı navanı ca dharayantı tathā vayam navanı śarıranı dhārayamah yuyam pustakānı kadā pathısyatha ? yadı yuyam vrksam arohatha patışyatha yat yānam āgamısyatı asmān nesyatı tava kanıyası svasā adya maya saha agamısyatı yadı yuyam ıcchatha yusmabhyah phalanı kresyāmı yad eva karyam kurutha devah sarvam janātı nıcah sadā yat kāryam ārabhante tyajantı kıntu sujanah yat vıcārayantı kurvantı kım yusmākam rāja asmat aśvam kresyatı?

صفحهٔ ۶۸ تمرین

۱ ـ ابر ها می‌بارند و غرّش می کند ـ من برای این خروسها آب خواهم آورد ـ طوطی ماده همیشه با این طوطی‌نر صحبت می کند ـ بوسیلهٔ ماه ، شب می‌درخشد وبوسیله شب ، ماه می‌درخشد وبوسیلهٔ شب وماه ، آسمان می‌درخشد

حشمگیبی‌ازحرص‌پیدا می‌شود ـ مردی که به‌دین علاقه دارد داشمند وشجاع میشود ـ شجاعانی که برای کشور خود کشته شدند به‌بهشت رسیده‌اند

2– nadyāh tıre ekah mahan vrksah asıt tasmın vrkse trayah khagah, dvau mūsıkau, ekah vanarah ca avasat vānarah atı caturah āsıt sada khaganām mūṣıkayoh ca sahāyatam akarot ekasmın dıne (ekada) atı varṣāh avarsan, kah apı aharam ānetum bahıh na agacchat tasmın eva samaye ekah phala–vıkreta tatra āgacchat, vrksasya adhah ca atısthat vanarah phalānı drstva kānıcıt anayat paścat tānı phalanı khagebhyah mūsıkabhyām ca dattavān sarve apı ca amodanta ıdam kathyate, yat suhrt sada mıtrānām sahāyatam karotı

صفحهٔ ۸۰

۱ ـ درجنگلی شیری بنام «پنگلاك» زندگی می‌کرد ـ او دوشغال بعنوان وزیر بنام کرتك ودمنك داشت ـ وقتی تاجری برای تجارت با ارابه‌یی به‌کشوری رفت درجنگل گاوش ارابه اولنگ شد ـ تاجر گاورا درهمانجا ترك کرد وگاو دیگری‌را آورد وبا آن بوسیله ارابه خود رفت پس‌از چندی گاو بر لنگ بهبود یافت وباشیر دوست شد ولی ازدوستی شیر وگاو آن دو شغال بسیار غمگین شدند بتدریج آن‌دو میان گاو وشیر را برهم زدند وقتی که شیر خشمگین شد گاورا کشت وآن‌دو ازکشته شدن گاو بسیار خوشحال شدند این داستان در پنچاتانترا نوشته شده است

2– Hasanah sarpam lagudena hatavan raja Daryūsah yuddhe vıjayı abhavat rıpun ca parājıtavān rajā Nalah bharyam jangale tyaktavan raksasām rāja Rāvanah Sıtām Lankam nītavān mayā sıksakaya patram lıkhıtam sah svah agamısyatı asmın pustake katı pathah yusmabhı pathıtah asmın pātre kena payah pıtam? aham dasebhyah dhanam vāsānsı phalānı ca dadamı Parvın dvārı atısthat svasra ca vartam krtavatı vāsasām bhārānı uṣtraıh prṣthe nıyante vıpattı-kāle mātā bālam araksat svayam ca nadyām patıtā

صفحهٔ ۷۳

۱ـ من در مدرسه درسال اول درس می‌خوانم ـ شاه «دشرت» چهار پسر وسه‌زن داشت ـ من‌این‌چنین ۲۱ روز درخارج کشور زندگی کردم ـ شهر از این ده صد یوجن(۱) فاصله دارد ـ بچه‌ها اندك اندك باید بروند ومن سپس خواهم آمد ـ ای‌پرویز چرا می‌خندی؟ اگرمعلم ترا ببیند خواهد زد ـ باید ابرها ببارند وبغرند وزمین‌را باآب پر کنند ـ هر کس باید صد دوست داشته باشد بهر گونه که باشد ـ يك‌پسر شایسته بهتراز صدپسرنادان است ـ «ویاس» نویسندهٔ ۱۸ پوران است ـ شاهان باید رعیت را نگاهداری کنند وابرها در هنگام مناسب ببارند ـ مهابهارات ودای پنجم‌است

2– yada pathasalam agaccham bhratāram apasyam yadı janāh enam karyam na karısyantı phalanı lapsyante mūrkhah vıdvatsu na sobhante yathā sārasah hamsesu na sobhante lobhāt krodhah jayate (lobhah krodhasya karanam) te kımartham margesu yācante yavat na bhāsate mūrkhah tavad eva sobhate yāvat aham nrtyāmı tāvat sa bala mām pasyatı muneh apı jangale mıtranı satravah ca jayante yāvat sısyah pāthasalayam vasantı guroh sevam karısyantı dhīmantah yat kāryam arabhante prayatnena kurvantı, kıntu mūrkhāh yat kımcıt prārabhante madhye eva tyajantı

صفحهٔ ۷۷

۱ ـ در آسمان ستارگان می‌درخشند ـ بچه‌ها در باغچه ازخوردن میوه‌ها خوشنان می‌آید ـ شاگردها استادرا برای علم خدمت می‌کنند ـ هنگامی که سیتا بارام بجنگل میرفت زیبا بنظرمیرسید ـ مردمان که مشغول خدمت‌بودند از شاه درخواست پول کردند ـ من میوه مثل دارم ولی تو فقط شیرینی می‌خواهی ـ گوهر برای گوهرمناسب است ـ مثل ازخرس بوجود می‌آید و

(۱) یوجن برابر ۲٫۵ مثل است

2- sujanāh sada eva durjanaih pidyante nrpah sada desan raksantu prajāyah sahayatam ca kurvantu sahāyatā upakarah ca yat murkhānam kryate, sarvam vyartham eva vayam pātham pathāmah guruh ca asmān pathayati nāryah nadyah jalena vasansi ksālayanti ye virāh upakaraya yuddham kurvanti sadā yasah labhante matsyāh jalaih badhyante Ramah pituh ajñaya vanam agacchat tatra ca avasat Ramah sad divasebhyah grhe atisthat pascāt bhāryām puram nitavan sevakah tāvat kāryam na kurvanti yāvat te badhitāh na bhavanti

صفحه ۹۲

۱ ـ شاه کشور «هسیناپور» نام «دوسینت» روزی برای شکار سوار ارابه شد ورفت هنگامی که بدنبال آهویی میرفت به جائی رسید رانده را با ارابه بیرون گذاشت وخود داخل خانقاه شد در آنجا دختر زیبای مرتاض را دید مرشد خانقاه نام «کنو» در آن وقت به مسافرت رفته بود بنابراین دختر از شاه پذیرایی کرد از هنگامی که شاه آن دختر زیبای «کنو» رادید شیفتهٔ وی شد نام آن دختر شکونتلا ودختر فرشته‌یی بود شکونتلا نیز محبت خودرا به شاه نشان داد پس هردو گرفتار دام محبت شدند وسرانجام باهم عروسی کردند شاه شکونتلارا آنجا نهاند وبشهر خود بازگشت داستان این‌دو را شاعری نام کالیداس در درامی بنام شکونتلا بیان کرده است

2 - Gautama–Buddhah ekasya nrpasya putrah āsit yadā sa yuvā abhavat rājña tasya vivāhah, kaya api rupavatyā susilayā rājakanyayā krtah kanyayah nama āsit Yesodharā nrpah aicchat yat Gautamah sada mrgayā-natakesu utsavesu gacchet desasya sundarani drsani ca pasyet kintu Gautamah svabhavena vicitrah āsit sah jivane bhogan na aicchat ekada nisayam grham tyaktva rathasya sarathina saha tapase vanam agacchat raja rajñi ca ati akulau duhkhitau ca abhavatam tasya bhārya patyuh viyoge bahu krsa abhavat sada eva ca arudat Gautamah vanesu saritām tiresu ca tapasah abhyasam krtavan yada sah jñanam labhavan tadā tasya nama Buddhah abhavat

صفحهٔ ۸۴

تمرین

۱- درهر صورت شخص باید صد دوست بگیرد آدمی باید هرهنگام سعی صبر را از دست ندهد شخص باید تاهنگامی که زندگی میکند خوشحال باشد، اگرچه وام دار باشد ای پدر گرامیم من برای نگهداری رعیت‌های خود بشهر میروم آدمی باید درختی را که دارای میوه وسایه است خدمت کند ای پادشاه ارابه بایك چرخ حرکت نمیکند شخص باید همیشه ببخشد وآب پاك بنوشد پسری که بسال شانزده رسید باید مانند دوست با او رفتار کرد همیشه بعد از استحمام باید مطالعه کرد همیشه بعد از غذا باید صدقدم راه رفت (۱)

2- yuyam mitraih saha kutra katham va gacchatha? aham upavane sundarani puṣpani draṣṭum gacchāmi nadyāh jalam nirmalam asti aham snatum tatra gacchami yāvat suryah nabhasi asti tavat kāryam samāptam kuru kah api dustanam vaci viśvasam na karotu mūrkhāya ajñāya vā kadā api upadeśah na datavyah jivema varsanam satam dhirah sada dhairyena sva karyam karoti sarve sukhinah bhavantu, bhadrani ca paśyantu yuyam sada virāh sukhinah ca bhavatha

صفحهٔ ۸۸

ملخ‌ها بوسیله تور گرفته شدند آوازها بوسیلهٔ ما خوانده شدند کودك بوسیلهٔ مار گزیده شد مار بوسیله مردم و چوب کشته شد غذا بوسیله خدمتکاران خورده شد من پارچه را با آب میشویم ای پادشاه آرزو بسیار نیرومند است و آرزو مردم را زندگی می‌بخشد دریاچه بوسیلهٔ آب پر میشود پادشاه فقط در کشور خود پرستیده میشود ولی دانشمند درهر کشوری مورد پرستش است مردمان بنده مملکت آزار میرسانند و مرد نیرومند کشور را نگهداری می کند بوسیلهٔ دختر کمربسته میشود اجازه بده من امروز بکشور خارج بروم

(۱) تمام این جمله ها در بین هندوان ضرب المثل است

صفحه	سطر	غلط	درست
٥٦	٢٥	anyāt	anyat
		vrksānam	vrksanam
		agaccama	agacchama
٥٨	٤	دلو	چاه
٦١	١١	kala	kala
٦٩	٣	catakām	catakam
٦٩	١٦	«شادی کردند»	شادی کردن‌اند
٧٧	٧	rajnah	rajñah
٧٩	١٩	path	path
٧٩	٢٤	katha	katha
٨٤	٤	نادرست	درست
٩١	٨	natakam	nataka
٩٢	١١	vivahah	vivahah
٩٢	١٧–١٨	گوماتا	گوتاما
٩٦	٣	Gautamaranye	Gautamaranye
١٠٤	٣	5	6
١٠٦	١	hriya	htya
١٠٦	١٤	tranng	training
١٢٢	٢	part	pt pl
		anga	anga
١٢٢	١٣	(ارو-ودای چهارم ودا)	ارو-ودا (بخش چهارم ودا)
١٢٦	١٢	abhusana	abhusana
١٢٧	١٧	Iva	iva
١٢٨	١٤	او استاد (کتاب هندیان اسم)	او استاد (نام کتاب هندیان)
١٣٢	١٧	kuta	kuta
١٣٤	١	khandaśah	khandaśah
١٣٦	١٥	حر دن-حر دن	حر دن
١٤	٧	trayodaśa	trayodaśa
١٤١	١٩	durlabla	durlabha
١٤٥	٢١	panka	panka
١٥١	١٧	bhiksa	bhiksa
١٥٤	٢١	-yatra مسافرت	-yatra حا ی که
١٦	١٨	verdh	vrdh
١٦٨	١١	آمدن سه سطر بالا در آفتاب نوشته شود	

غلطنامه

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱	۱۳	وحه	وَاحِ
٤	۱۲	sena	senā
۷	۱۷	pancka	pancha
۱	۱۵	Quı	Qoı
۱۳	۱۹	ستار «علم پزشکی» زائد (،) باشد	
۱۳	۲۳	هما	هموما
۱٤	٥	کلمه «اس» ستار جمله « در زمان حیات» زائد است	
۱٥	۳	«ــ» ستار کلمه «مکتب» زائد است	
۱٥	۱۲	توار	متواتر
۱٥	۲۲	۱ ۸	۱۲
۱٦	٥	«وارای ور ان‌سانسکرت»	«وزبان‌فارسی وسنسکرت»
۱۸	۲۱	«بر کتاب ادبی و شعر سانسکرت آراسته»	«بر کتاب ادبی وشعری وسنسکریتکو آراسته»
۲	۲	ستار واره «برگزیده» افزوده شود «در»	
۲٥	۷	«چهار فصل»	«پنج فصل»
۳۲	۲۳	« ر »	«سری»
٤۳	۳	موت	حتی
٤۳	۸	gyanı	jñana
٤۳	۱٤	jana	nara
٤٦	۱٥	kavıbhıh	kavıbhıh
٤۷	۹	matınam	matınam
٤۷	۱	matısu	matısu
٤۷	۲-۱٤		

Nom Voc & Acc	vārı	varını	valını
Instr	varına	varıbhyām	varıbhıh
Dat	varıne	«	varıbhyah
Abl	varınah	«	«
Gen	«	varınoh	varınam
Loc	varını	«	varısu

صفحه	سطر	غلط	صحیح
٥۳	۱۹	inyam	nadım

فهرست انتشارات دانشگاه تهران

۱	وراثت (۱)	تألیف دکتر عزت‌الله خبیری
۲	A Strain Theory of Matter	» » محمود حسابی
۳	آراء فلاسفه دربارهٔ عادت	ترجمهٔ » برزو سپهری
٤	کالبدشناسی هنری	تألیف » نعمت‌الله کیهانی
٥	تاریخ بیهقی جلد دوم	تصحیح سعید نفیسی
٦	بیماریهای دندان	تألیف دکتر محمود سیاسی
۷	بهداشت و بازرسی خوراکیها	» » سرهنگ شمس
۸	حماسه سرائی در ایران	» » ذبیح‌الله صفا
۹	مزدیسنا و تأثیر آن در ادبیات پارسی	» » محمد معین
۱۰	نقشه‌برداری (جلد دوم)	» مهندس حسن شمسی
۱۱	گیاه شناسی	» حسین گل گلاب
۱۲	اساس‌الاقتباس خواجه نصیرطوسی	تصحیح مدرس رضوی
۱۳	تاریخ دیپلوماسی عمومی (جلد اول)	تالیف دکتر حسن ستودهٔ تهرانی
۱٤	روش تجربه	» » علی‌اکبر پریمن
۱٥	تاریخ افضل - بدایع‌الازمان فی وقایع کرمان	فراهم‌آوردهٔ دکتر مهدی بیانی
۱٦	حقوق اساسی	تألیف دکتر قاسم زاده
۱۷	فقه و تجارت	» زین‌العابدین ذوالمجدین
۱۸	راهنمای دانشگاه	—
۱۹	مقررات دانشگاه	—
۲۰	درختان جنگلی ایران	» مهندس حبیب‌الله ثابتی
۲۱	راهنمای دانشگاه بانگلیسی	—
۲۲	راهنمای دانشگاه بفرانسه	
۲۳	Les Espaces Normaux	تألیف دکتر هشترودی
۲٤	موسیقی دورهٔ ساسانی	» مهدی برکشلی
۲٥	حماسه ملی ایران	ترجمه بزرگ علوی
۲٦	زیست شناسی (۲) بحث در نظریه لامارک	تألیف دکتر عزت‌الله خبیری
۲۷	هندسه تحلیلی	» » علینقی وحدتی
۲۸	اصول گدازواستخراج فلزات (جلد اول)	تألیف دکتر [illegible]
۲۹	اصول گدازواستخراج فلزات (» دوم)	» » »
۳۰	اصول گداز واستخراج فلزات (» سوم)	» » »
۳۱	ریاضیات در شیمی	نگارش دکتر هورفر
۳۲	جنگل شناسی (جلداول)	» مرحوم مهندس کریم ساعی
۳۳	اصول آموزش و پرورش	» دکتر محمد باقر هوشیار
۳٤	فیزیولوژی گیاهی (جلداول)	» » اسمعیل زاهدی

۷۴ـ راهنمای دانشگاه	—
۷۵ـ اقتصاد اجتماعی	تألیف دکتر شیدفر
۷۶ـ تاریخ دیپلوماسی عمومی (جلد دوم)	« « حسن ستوده تهرانی
۷۷ـ زیبا شناسی	« علینقی وزیری
۷۸ـ تئوری سینتیک گازها	« دکتر روشن
۷۹ـ کارآموزی داروسازی	تألیف دکتر جنیدی
۸۰ـ قوانین دامپزشکی	« « مهدوی نژاد
۸۱ـ جنگل‌شناسی جلد دوم	« مرحوم مهندس ساعی
۸۲ـ استقلال آمریکا	« دکتر محمد شیبانی
۸۳ـ کنجکاویهای علمی و ادبی	—
۸۴ـ ادوار فقه	« محمود شهابی
۸۵ـ دینامیک گازها	« دکتر عماری
۸۶ـ آئین دادرسی در اسلام	« محمد سنگلجی
۸۷ـ ادبیات فرانسه	« دکتر سپهبدی
۸۸ـ از سربن تا یونسکو ـ دو ماه در پاریس	« « علی اکبر سیاسی
۸۹ـ حقوق تطبیقی	« « حسن افشار
۹۰ـ میکروب‌شناسی (جلد اول)	تألیف دکتر سهراب دکتر میر دامادی
۹۱ـ میزراه (جلد اول)	« « حسین گلژ
۹۲ـ « (جلد دوم)	« « « «
۹۳ـ کالبد شکافی (تشریح عملی دست و پا)	« « نعمت‌الله کیهانی
۹۴ـ ترجمه و شرح تبصره علامه (جلددوم)	« زین‌العابدین ذوالمجدین
۹۵ـ کالبد شناسی توصیفی (۳) ـ عضله شناسی	« دکتر امیراعلم ـ دکتر حکیم دکتر کیهانی ـ دکتر نجم‌آبادی ـ دکتر نیک‌نفس
۹۶ـ « « (۴) ـ رگ شناسی	« « « «
۹۷ـ بیماریهای گوش و حلق و بینی (جلداول)	تألیف دکتر جمشید اعلم
۹۸ـ هندسهٔ تحلیلی	« « کامکار پارسی
۹۹ـ جبر و آنالیز	« « « «
۱۰۰ـ تفوق و برتری اسپانیا (۱۵۵۹ـ۱۶۶۰)	« « ناظر
۱۰۱ـ کالبدشناسی توصیفی ـ استخوان‌شناسی اسب	تألیف دکتر میر بابایی
۱۰۲ـ تاریخ عقاید سیاسی	« « محسن عزیزی
۱۰۳ـ آزمایش و تصفیهٔ آبها	نگارش « محمد جواد جنیدی
۱۰۴ـ هشت مقاله تاریخی و ادبی	« نصرالله فلسفی
۱۰۵ـ فیه مافیه	« بدیع‌الزمان فروزانفر
۱۰۶ـ جغرافیای اقتصادی (جلداول)	« دکتر محسن عزیزی
۱۰۷ـ الکتریسیته وموارد استعمال آن	« مهندس عبدالله ریاضی
۱۰۸ـ مبادلات انرژی در گیاه	« دکتر اسمعیل زاهدی
۱۰۹ـ تلخیص البیان عن مجازات القرآن	« سید محمد باقر سبزواری
۱۱۰ـ دو رساله ـ وضع الفاظ و قاعده لاضرر	« محمود شهابی
۱۱۱ـ شیمی آلی (جلداول) تئوری واصول کلی	« دکتر عابدی
۱۱۲ـ شیمی آلی «ارگانیک» (جلداول)	« « شیخ
۱۱۳ـ حکمت الهی عام و خاص	« مهدی قمشهٔ
۱۱۴ـ امراض حلق و بینی و حنجره	« دکتر علیم مروستی

۳۵-	حبر و آنالیز	نگارش دکتر محمدعلی مجتهدی
۳۶-	گزارش سفر هند	» » علامحسین صدیقی
۳۷-	تحقیق انتقادی در عروض فارسی	» » پرویز ناتل خانلری
۳۸-	تاریخ صنایع ایران - ظروف سفالین	تألیف دکتر مهدی بهرامی
۳۹-	واژه نامه طبری	» » صادق کیا
۴۰-	تاریخ صنایع اروپا درقرون وسطی	» عیسی بهنام
۴۱-	تاریخ اسلام	» دکتر فیاض
۴۲-	جانورشناسی عمومی	» » فاطمی
۴۳-	Les Connexions Normales	» » هشترودی
۴۴-	کالبد شناسی توصیفی (۱) - استخوان‌شناسی	» » امیراعلم - دکتر حکیم دکتر کیهانی - دکتر نجم‌آبادی - دکتر نیک‌نفس - دکتر نائینی
۴۵-	روان‌شناسی کودک	نگارش دکتر مهدی جلالی
۴۶-	اصول شیمی پزشکی	» » آ . وارتانی
۴۷-	ترجمه وشرح تبصرهٔ علامه (جلداول)	» زین‌العابدین ذوالمجدین
۴۸-	اکوستیک « صوت » (۱) ارتعاشات - سرعت	» » ضیاء الدین اسمعیل بیگی
۴۹-	انگل شناسی	» » ناصر انصاری
۵۰-	نظریه توابع متغیر مختلط	» » افضلی پور
۵۱-	هندسه ترسیمی وهندسه رقومی	» احمد بیرشک
۵۲-	درس‌اللغة والادب (۱)	» دکتر محمدی
۵۳-	جانور شناسی سیستماتیک	» » آزرم
۵۴-	پزشکی عملی	» » نجم‌آبادی
۵۵-	روش تهیه مواد آلی	» » صفوی گلپایگانی
۵۶-	مامائی	» » آهی
۵۷-	فیزیولژی گیاهی (جلد دوم)	» » زاهدی
۵۸-	فلسفه آموزش و پرورش	» دکتر فتح‌الله امیرهوشمند
۵۹-	شیمی تجزیه	» » علی‌اکبر پریمن
۶۰-	شیمی‌عمومی	» مهندس سعیدی
۶۱-	امیل	ترجمهٔ مرحوم غلامحسین زیرک‌زاده
۶۲-	اصول علم‌اقتصاد	تألیف دکتر محمود کیهان
۶۳-	مقاومت مصالح	» مهندس گوهریان
۶۴-	کشت گیاه حشره کش پیرتر	» مهندس میرداماد
۶۵-	آسیب شناسی	» دکتر آرمین
۶۶-	مکانیک فیزیک	تألیف دکتر کمال جناب
۶۷-	کالبدشناسی توصیفی (۲) - مفصل شناسی	» » امیراعلم - دکتر حکیم - دکتر کیهانی - دکتر نجم‌آبادی - دکتر نیک‌نفس
۶۸-	درمانشناسی (جلد اول)	تألیف دکتر عطائی
۶۹-	درمانشناسی (» دوم)	» » »
۷۰-	گیاه شناسی - تشریح عمومی نباتات	» مهندس حبیب‌الله ثابتی
۷۱-	شیمی آنالیتیک	» دکتر گاگیک
۷۲-	اقتصادجلداول	» » علی‌اصغر پورهمایون
۷۳-	دیوان سیدحسن غزنوی	بتصحیح مدرس رضوی

۱۵۵– شیمی آلی (ارگانیک) (۲)	« دکتر شیخ
۱۵۶– آسیب شناسی (کاسکلیوب استلر)	« « آرمین
۱۵۷– تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی	« « ذبیح‌الله صفا
۱۵– تفسیر خواجه عبدالله انصاری	تصحیح علی‌اصغر حکمت
۱۵– حشره‌شناسی	تألیف جلال افشار
۱۶– نشانه‌شناسی (علم‌العلامات) (جلد اول)	« دکتر محمدحسین‌ممهدی‌نژاد
۱۶– نشانه‌شناسی سازمانهای اعصاب	« « صادق صبا
۱۶– آسیب‌شناسی عملی	« « حسن رحمتیان
۱۶۱– احتمالات و آمار	« « مهدوی اردبیلی
۱۶۴– الکتریسیته صنعتی	تألیف دکتر محمد مطهری رشکه
۱۶۵– آئین دادرسی کیفری	« « محمدعلی هدایتی
۱۶۶– اقتصاد سال اول (چاپ‌دوم اصلاح‌شده)	« « علی‌اصغر پورهمایون
۱۶۷– فیزیک (تابش)	« « روشن
۱۶۸– فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلددوم)	« علینقی منزوی
۱۶۹– « « « « « (جلدسوم–قسمت‌اول)	« محمدتقی دانش‌پژوه
۱۷۰– رساله بود و نمود	« محمودشهابی
۱۷۱– زندگانی شاه‌عباس اول	« نصرالله فلسفی
۱۷– تاریخ بیهقی (جلدسوم)	تصحیح سعید نفیسی
۱۷۳– فهرست نشریات ابوعلی‌سینا بزبان فرانسه	« « «
۱۷۴ تاریخ مصر (جلداول)	تألیف احمد بهمنش
۱۷۵– آسیب‌شناسی آزردگی‌سیستم رتیکولو آندو تلیال	« دکتر آرمین
۱۷– نهضت‌ادبیات‌فرانسه دردوره رومانتیک	« مرحوم‌زیرک‌زاده
۱۷۷– فیزیولژی (طب عمومی)	نگارش‌دکتر مصباح
۱۷۸– خطوط لبه‌های جذبی (اشعهٔ‌ایکس)	« « زندی
۱۷۹– تاریخ مصر (جلددوم)	« احمد بهمنش
۱۸۰– سیر فرهنگ‌در ایران و مغرب‌زمین	« دکتر صدیق‌اعلم
۱۸– فهرست کتب‌اهدائی آقای‌مشکوة (جلدسوم–قسمت‌دوم)	« محمدتقی دانش‌پژوه
۱۸۱– اصول فن کتابداری	« دکتر محسن صبا
۱۸۲– رادیو الکتریسیته	« « رحیمی
۱۸۴– پیوره	« « محمود سیاسی
۱۸۵– چهار رساله	« محمد سنگلجی
۱۸۶– آسیب‌شناسی (جلددوم)	« دکتر آرمین
۱۸۷– یادداشت‌های مرحوم قزوینی	فراهم‌آورده‌آقای ایرج افشار
۱۸۸– استخوان شناسی مقایسه‌ای (جلددوم)	تألیف دکتر میربابائی
۱۸۹– جغرافیای‌عمومی (جلداول)	« « مستوفی
۱۹۰– بیماریهای واگیر (جلداول)	« « علامعلی‌بینش‌ور
۱۹۱– بتن فولادی (جلد اول)	« مهندس جلیلی
۱۹۳– حساب‌جامع و فاصل	نگارش دکتر محمهدی
۱۹۲– مبدء و معاد	ترجمه آقای محمودشهابی
۱۹۴– تاریخ‌ادبیات روسی	تألیف « سعید نفیسی
۱۹۵– تاریخ‌تمدن ایران ساسانی (جلددوم)	« « « «

۱۱۵- آنالیز ریاضی	» » منوچهر وصال
۱۱۶- هندسه تحلیلی	» » احمد عقیلی
۱۱۷- شکسته بندی (جلد دوم)	» » امیر کیا
۱۱۸- باغبانی (۱) باغبانی عمومی	» مهندس شیبانی
۱۱۹- اساس التوحید	» مهدی آشتیانی
۱۲۰- فیزیک پزشکی	» دکتر فرهاد
۱۲۱- اکوستیک « صوت » (۲) مشخصات صوت لوله - تار	» » اسمعیل بیگی
۱۲۲- جراحی فوری اطفال	تألیف دکتر مرعشی
۱۲۳- فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (۱)	» علینقی منزوی تهرانی
۱۲۴- چشم پزشکی (جلد اول)	» دکتر ضرابی
۱۲۵- شیمی فیزیک	» » بازرگان
۱۲۶- بیماریهای گیاه	» » حسری
۱۲۷- بحث در مسائل پرورش اخلاقی	» » سپهری
۱۲۸- اصول عقاید و کرائم اخلاق	» زین‌العابدین ذوالمجدین
۱۲۹- تاریخ کشاورزی	» دکتر تقی بهرامی
۱۳۰- کالبدشناسی انسانی (۱) سر و گردن	» » حکیم و دکتر گنج بخش
۱۳۱- امراض واگیر دام	» » رستگار
۱۳۲- درس اللغة والادب (۲)	» » محمدی
۱۳۳- واژه نامه گرگانی	» » صادق کیا
۱۳۴- تک یاخته شناسی	» » عزیز رفیعی
۱۳۵- حقوق اساسی چاپ پنجم (اصلاح شده)	» » قاسم زاده
۱۳۶- عضله و زیبائی پلاستیک	» » کیهانی
۱۳۷- طیف جذبی واشعهٔ ایکس	» » واصل زندی
۱۳۸- مصنفات افضل الدین کاشانی	نگارش دکتر مینوی و یحیی مهدوی
۱۳۹- روان‌شناسی (از لحاظ تربیت)	» » علی‌اکبر سیاسی
۱۴۰- ترمودینامیک (۱)	» مهندس بازرگان
۱۴۱- بهداشت روستائی	نگارش دکتر روس
۱۴۲- زمین شناسی	» » یدالله سحابی
۱۴۳- مکانیک عمومی	» » مجتبی ریاضی
۱۴۴- فیزیولوژی (جلد اول)	» » کاتوزیان
۱۴۵- کالبدشناسی و فیزیولوژی	» » نصرالله نیک‌نفس
۱۴۶- تاریخ تمدن ساسانی (جلد اول)	» سعید نفیسی
۱۴۷- کالبدشناسی توصیفی (۵) قسمت اول سلسله اعصاب محیطی	» دکتر امیراعلم - دکتر حکیم دکتر کیهانی - دکتر نجم‌آبادی - دکتر نیک‌نفس
۱۴۸- کالبدشناسی توصیفی (۵) قسمت دوم سلسله اعصاب مرکزی	» » » »
۱۴۹- کالبدشناسی توصیفی (۶) اعضای حواس پنجگانه	» » » »
۱۵۰- هندسه عالی (گروه و هندسه)	تألیف دکتر اسدالله آل بویه
۱۵۱- اندام شناسی گیاهان	» » پارسا
۱۵۲- چشم پزشکی (۲)	نگارش دکتر ضرابی
۱۵۳- بهداشت شهری	» » اعتمادیان
۱۵۴- انشاء انگلیسی	» بازارگادی

۲۳۴- جغرافیای کشاورزی ایران	« دکتر تقی بهرامی
۲۳۵- ترجمه النهایه با تصحیح و مقدمه (۱)	« آقای سید محمد سبزواری
۲۳۶- احتمالات و آمار ریاضی (۲)	« دکتر مهدوی اردبیلی
۲۳۷- اصول تشریح چوب	« مهندس رضا حجازی
۲۳۸- خون‌شناسی عملی (جلد اول)	« دکتر رحمتیان، دکتر شمسا
۲۳۹- تاریخ ملل قدیم آسیای غربی	« « بهمنش
۲۴۰- شیمی تجزیه	« « شیروانی
۲۴۱- دانشگاهها و مدارس عالی امریکا	« «ضیاءالدین اسمعیل بیگی
۲۴۲- پانزده گفتار	« آقای مجتبی مینوی
۲۴۳- بیماریهای خون (جلد دوم)	« دکتر یحیی پویا
۲۴۴- اقتصاد کشاورزی	نگارش دکتر احمد هومن
۲۴۵- علم العلامات (جلد سوم)	« « محمدی نژاد
۲۴۶- بتن آرمه (۲)	« آقای مهندس جلالی
۲۴۷- هندسهٔ دیفرانسیل	« دکتر بهفروز
۲۴۸- فیزیولوژی گل‌ورده بندی تک لپه‌ایها	تألیف دکتر زاهدی
۲۴۹- تاریخ زندیه	« « هادی هدایتی
۲۵۰- ترجمه النهایه با تصحیح و مقدمه (۲)	« آقای سبزواری
۲۵۱- حقوق مدنی (۲)	« « دکتر امامی
۲۵۲- دفتر دانش و ادب (جزء دوم)	—
۲۵۳- یادداشتهای قزوینی (جلد دوم ب، ت، ث، ج)	« ایرج افشار
۲۵۴- تفوق و برتری اسپانیا	« دکتر خانبابا بیانی
۲۵۵- تیره شناسی (جلد اول)	« « احمد پارسا
۲۵۶- کالبد شناسی توصیفی (۸) دستگاه ادرار و تناسل - پردهٔ صفاق	تألیف دکتر امیر اعلم - دکتر حکیم - دکتر کیهانی دکتر نجم‌آبادی - دکتر ملک نفس
۲۵۷- حل مسائل هندسه تحلیلی	نگارش دکتر علینقی وحدتی
۲۵۸- کالبد شناسی توصیفی (حیوانات اهلی مفصل‌شناسی مقایسه‌ای)	« « میربابائی
۲۵۹- اصول ساختمان و محاسبه ماشینهای برق	« مهندس احمد رضوی
۲۶۰- بیماریهای خون و لنف (بررسی بالینی و آسیب شناسی)	« دکتر رحمتیان
۲۶۱- سرطان‌شناسی (جلد اول)	« « آرمین
۲۶۲- شکسته بندی (جلد سوم)	« « امیرکیا
۲۶۳- بیماریهای واگیر (جلد دوم)	« « شمس‌ور
۲۶۴- انگل‌شناسی (بندپایان)	« « عزیز رفیعی
۲۶۵- بیماریهای درونی (جلد دوم)	« « محمدی نژاد
۲۶۶- دامپروری عمومی (جلد اول)	« « بهرامی
۲۶۷- فیزیولوژی (جلد دوم)	« « علی کاتوزیان
۲۶۸- شعر فارسی (در عهد شاهرخ)	« « یارشاطر
۲۶۹- فن انگشت‌نگاری (جلد اول و دوم)	نگارش ناصرقلی رادسر
۲۷۰- منطق التلویحات	« دکتر فیاض
۲۷۱- حقوق جنائی	تألیف آقای دکتر عبدالحسین علی‌آبادی
۲۷۲- سمیولوژی اعصاب	« « « چهرازی

۱۹۶- درمان تراحم با الکتروکوآگولاسیون	« دکتر پروفسور شمس
۱۹۷- شیمی وفیزیك (جلداول)	« « توسلی
۱۹۸- فیزیولوژی عمومی	« « شیبانی
۱۹۹- داروسازی جالینوسی	« « مقدم
۲۰۰- علم العلامات نشانه‌شناسی (جلد دوم)	« « میمندی نژاد
۲۰۱- استخوان شناسی (جلد اول)	« « نعمت‌اله کیهانی
۲۰۲- پیوره (جلد دوم)	« « محمود سیاسی
۲۰۳- علم النفس ابن‌سینا وتطبیق آن با روانشناسی جدید	« « علی‌اکبر سیاسی
۲۰۴- قواعدفقه	« آقای محمودشهابی
۲۰۵- تاریخ سیاسی و دیپلوماسی ایران	« دکتر علی‌اکبر بینا
۲۰۶- فهرست مصنفات ابن‌سینا	« مهدوی
۲۰۷- مخارج الحروف	تصحیح و ترجمهٔ دکتر پرویز ناتل خانلری
۲۰۸- عیون الحکمه	از ابن‌سینا - چاپ عکسی
۲۰۹- شیمی بیولوژی	تألیف دکتر مافی
۲۱۰- میکرب‌شناسی (جلد دوم)	« آقایان دکتر سهراب- دکتر میردامادی
۲۱۱- حشرات زیان‌آور ایران	« مهندس عباس دواچی
۲۱۲- هواشناسی	« دکتر محمد محبی
۲۱۳- حقوق مدنی	« « سیدحسن امامی
۲۱۴- مآخذ قصص و تمثیلات مثنوی	نگارش آقای فروزانفر
۲۱۵- مکانیك استدلالی	« پرفسور فاطمی
۲۱۶- ترمودینامیك (جلد دوم)	« مهندس بازرگان
۲۱۸- گروه بندی و انتقال خون	« دکتر یحیی پویا
۲۱۸- فیزیك، ترمودینامیك (جلداول)	« « روشن
۲۱۹- روان پزشکی (جلدسوم)	« « میرسپاسی
۲۲۰- بیماریهای درونی (جلداول)	« « میمندی‌نژاد
۲۲۱- حالات عصبانی یا نورز	ترجمه « چهرازی
۲۲۲- کالبدشناسی توصیفی (۷) (دستگاه گوارش)	تألیف دکتر امیراعلم - دکتر حکیم - دکتر کیهانی - دکتر نجم‌آبادی - دکتر نیك‌نفس
۲۲۳- علم الاجتماع	تألیف دکتر مهدوی
۲۲۴- الهیات	« فاضل تونی
۲۲۵- هیدرولیك عمومی	« مهندس ریاضی
۲۲۶- شیمی عمومی معدنی فلزات (جلداول)	تألیف دکتر فضل‌الله شیروانی
۲۲۷- آسیب‌شناسی آزردگیهای سورنال « غده فوق کلیوی »	« « آرمین
۲۲۸- اصول الصرف	« علی‌اکبر شهابی
۲۲۹- سازمان فرهنگی ایران	تألیف دکتر علی کنی
۲۳۰- فیزیك، ترمودینامیك (جلد دوم)	نگارش دکتر روشن
۲۳۱- راهنمای دانشگاه	—
۲۳۲- مجموعهٔ اصطلاحات علمی	—
۲۳۳- بهداشت غذائی (بهداشت نسل)	نگارش دکتر فضل‌الله صدیق

۳۰۹ - سرگذشت وعقاید فلسفی خواجه نصیرالدین طوسی — » محمد مدرسی (زنجانی)
۳۱۰ - فیزیک (پدیده‌های فیزیکی در دماهای بسیار خفیف) — » دکتر روشن
کتاب هفتم
۳۱۱ - رساله جبر و مقابله خواجه نصیر طوسی — بکوشش دکتر اکبر دانا سرشت
۳۱۲ - آلرژی بیماریهای ناشی از آن — تألیف دکتر هادوی
۳۱۳ - راهنمای دانشگاه (فرانسه) دوم چاپ — —
۳۱۴ - احوال و آثار محمد بن جریر طبری — تألیف آقای علی اکبر شهابی
۳۱۵ - مکانیک سیماتیک — » دکتر احمد وزیری
۳۱۶ - مقدمه روانشناسی (قسمت اول) — » دکتر مهدی جلالی
۳۱۷ - دامپروری (جلد دوم) — » » تقی بهرامی
۳۱۸ - تمرینات و تجربیات (شیمی آلی) — » » ابوالحسن شیخ
۳۱۹ - جغرافیای اقتصادی (جلد دوم) — » » عزیزی
۳۲۰ - پاتولوژی مقایسه‌ای (بیماریهای مشترک انسان ودام) — » » صمدی نژاد
۳۲۱ - اصول نظریه ریاضی احتمال — تألیف دکتر افضلی پور
۳۲۲ - رده‌بندی دولپه‌ای ها و بازدانگان — » » زاهدی
۳۲۳ - قوانین مالیه ومحاسبات عمومی ومطالعه بودجه از ابتدای مشروطیت تا حال — » » جزایری
۳۲۴ - کالبدشناسی انسانی (۱) سروگردن (توصیفی - موضعی - طرز تشریح) — » » منوچهر حکیم و » سیدحسن گنج بخش
۳۲۵ - ایمنی‌شناسی (جلد اول) — » » میردامادی
۳۲۶ - حکمت الهی عام وخاص (تجدید چاپ) — » آقای مهدی الهی قمشه‌ای
۳۲۷ - اصول بیماری‌های ارثی انسان (۱) — » دکتر محمدعلی مولوی
۳۲۸ - اصول استخراج معادن — » مهندس محمودی
۳۲۹ - مقررات دانشگاه (۱) مقررات استخدامی ومالی — جمع‌آوری دکتر کی‌نیا
۳۳۰ - شلیمر — دانشکده پزشکی
۳۳۱ - تجزیه ادرار — مرحوم دکتر ابوالقاسم بهرامی
۳۳۲ - جراحی فک وصورت — تألیف دکتر حسین مهدوی
۳۳۳ - فلسفه آموزش وپرورش — » » امیرهوشمند
۳۳۴ - اکوستیک (۲) صوت — » » اسماعیل بیگی
۳۳۵ - الکتریسته صنعتی (جلداول چاپ دوم) — » مهندس زنگنه
۳۳۶ - سالنامه دانشگاه — —
۳۳۷ - فیزیک جلد هشتم - کارهای آزمایشگاه ومسائل ترمودینامیک — » دکتر روشن
۳۳۸ - تاریخ اسلام (چاپ دوم) — » » فیاض
۳۳۹ - هندسهٔ تحلیلی (چاپ دوم) — » » وحدتی
۳۴۰ - آداب اللغة العربية وتاريخها (۱) — » » محمد محمدی
۳۴۱ - حل مسائل ریاضیات عمومی — تألیف دکتر کامکار پارسی
۳۴۲ - جوامع الحکایات — » » محمد معین
۳۴۳ - شیمی تحلیلی — » مهندس قاسمی

۲۷۳- کالبد شناسی توصیفی (۹) (دستگاه تولید صوت و تنفس)	تألیف دکتر امیر اعلم - دکتر حکیم - دکتر کیهانی دکتر نجم آبادی - دکتر نیک نفس
۲۷۴- اصول آمار و کلیات آمار اقتصادی	نگارش دکتر محسن صبا
۲۷۵- گزارش کنفرانس اتمی ژنو	« « حسابی - دکتر بازرگان
۲۷۶- امکان آلوده کردن آبهای مشروب	نگارش دکتر حسن سهراب - دکتر محمدی نژاد
۲۷۷- مدخل منطق صورت	نگارش دکتر غلامحسین مصاحب
۲۷۸- ویروسها	« « فرج‌الله شفا
۲۷۹- تالمیت‌ها (آلگها)	« « عزت‌الله خبیری
۲۸۰- گیاه‌شناسی سیستماتیک	« « محمد درویش
۲۸۱- تیره‌شناسی (جلد دوم)	« « پارسا
۲۸۲- احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی	« مدرس رضوی
۲۸۳- احادیث مثنوی	« آقای فروزانفر
۲۸۴- قواعد النحو	« قاسم تویسرکانی
۲۸۵- آزمایشهای فیزیک	« دکتر محمدباقر محمودیان
۲۸۶- پندنامه اهوازی یا آئین پزشکی	« « محمود نجم آبادی
۲۸۷- بیماریهای خون (جلد سوم)	نگارش دکتر یحیی پویا
۲۸۸- جنین شناسی (رویان‌شناسی) جلد اول	« « احمد شفائی
۲۸۹- مکانیک فیزیک (اندازه‌گیری مکانیک نقطه مادی و فرضیه نسبی) (چاپ دوم)	تألیف دکتر کمال‌الدین جناب
۲۹- بیماریهای جراحی قفسه سینه (ریه، مری، قفسه سینه) «	« محمدتقی قوامیان
۲۹۱- آکوستیک (صوت) چاپ دوم	« « ضیاءالدین اسماعیل‌بیگی
۲۹۲- چهار مقاله	تصحیح « محمد معین
۲۹۳- داریوش یکم (پادشاه پارسها)	نگارش « منشی‌زاده
۲۹۴- کالبدشکافی تشریح عملی سر و گردن - سلسله اعصاب مرکزی «	« نعمت‌الله کیهانی
۲۹۵- درس اللغة والادب (۱) چاپ دوم	« « محمد محمدی
۲۹۶- سه گفتار خواجه طوسی	بکوشش محمدتقی دانش‌پژوه
۲۹۷- Sur les espaces de Riemann	نگارش دکتر هشترودی
۲۹۸- فصول خواجه طوسی	بکوشش محمدتقی دانش‌پژوه
۲۹۹- فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلد سوم) بخش سوم	نگارش محمدتقی دانش‌پژوه
۳۰- الرسالة المعینیة	« « «
۳۰۱- آغاز و انجام	« ایرج افشار
۳۰۲- رسالهٔ امامت خواجهٔ طوسی	بکوشش محمدتقی دانش‌پژوه
۳۰۳- فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلد سوم) بخش چهارم	« « «
۳۰۴- حل مشکلات معینیه خواجه نصیر	« « «
۳۰۵- مقدمه قدیم اخلاق ناصری	« جلال‌الدین همائی
۳۰۶- بیوگرافی خواجه نصیرالدین طوسی (بزبان فرانسه)	نگارش دکتر امشه‌ای
۳۰۷- رساله بیست باب درمعرفت اسطرلاب	« مدرس رضوی
۳۰۸- مجموعهٔ رسائل خواجه نصیرالدین	« « «

۳۸۳ ـ یادداشتهای قزوینی (۳)	ایرج افشار
۳۸۴ ـ گویش آشتیانی	تألیف دکتر صادق کیا
۳۸۵ ـ کالبد شکافی (تشریح عملی قفسه سینه وقلب وریه)	نگارش دکتر نعمت‌الله کیهانی
۳۸۶ ـ ایران بعد از اسلام	» عباس خلیلی
۳۸۷ ـ تاریخ مصر قدیم (جلداول چاپ دوم)	» دکتر احمد بهمنش
۳۸۸ ـ آرکگونیاتها (۱) سرخس‌ها	» » حسری
۳۸۹ ـ شیمی صنعتی (جلد اول)	» » رادفر
۳۹۰ ـ فیزیک عمومی الکتریسیته (جلد اول)	» » روشن
۳۹۱ ـ مبادی علم هوا شناسی	» » احمد سعادت
۳۹۲ ـ منطق و روش شناسی	» » علی اکبر سیاسی
۳۹۳ ـ الکترونیک (جلد اول)	» » رحیمی ماجار
۳۹۴ ـ فرهنگ‌عماری (جلد دوم)	» مهندس جلال‌الدین‌عماری
۳۹۵ ـ حکمت الهی عام وخاص (جلد دوم)	» محیی‌الدین مهدی الهی قمشه‌ای
۳۹۶ ـ گنج جواهر دانش (۴)	» حسن آل طه
۳۹۷ ـ فن کالبد گشائی و آسیب شناسی	» دکتر محمدکار
۳۹۸ ـ فرهنگ عماری (جلد سوم)	» مهندس جلال‌الدین‌عماری
۳۹۹ ـ مزدا پرستی در ایران قدیم	» دکتر ذبیح‌الله‌صفا
۴۰۰ ـ اصول روشهای ریاضی آمار	» » افضلی پور
۴۰۱ ـ تاریخ مصر قدیم (جلد دوم)	» » دکتراحمدبهمنش
۴۰۲ ـ عدةمن بلغاء ایران فی‌اللغة	» قاسم‌تویسرکانی
۴۰۳ ـ علم اخلاق (نظری وعملی)	» دکتر علی‌اکبر سیاسی
۴۰۴ ـ ادوارفقه (جلددوم)	» آقای محمودشهابی
۴۰۵ ـ جراحی عملی دهان‌ودندان (جلددوم)	نگارش‌دکتر کاظم سمحور
۴۰۶ ـ فیزیولژی‌نباتی	» » گیتی
۴۰۷ ـ سهم الارث	» نصراصفهانی
۴۰۸ ـ جبرآنالیز	» دکترمحمدعلی مجتهدی
۴۰۹ ـ هوا شناسی (جلد اول)	» » محمد منجمی
۴۱۰ ـ بیماریهای درونی (جلدسوم)	» » مسیدی نژاد
۴۱۱ ـ مبانی فلسفه	» » علی‌اکبر سیاسی
۴۱۲ ـ فرهنگ عماری (جلد چهارم)	» مهندس‌امیر جلال‌الدین عماری
۴۱۳ ـ هندسهٔ‌تحلیلی (چاپ دوم)	» دکتراحمد سادات عقیلی
۴۱۴ ـ کالبد شناسی (عصبه‌شناسی‌مقایسه‌ای) (جلد پنجم)	» » میربابائی
۴۱۵ ـ سالنامه دانشگاه ۱۳۳۶-۱۳۳۵	ـ
۴۱۶ ـ یادنامهٔ خواجه نصیر طوسی	نگارش دکتر صفا
۴۱۷ ـ تئوریهای اساسی ژنتیک	» » آذرم
۴۱۸ ـ فولاد وعملیات حرارتی آن	» مهندس هوشنگ خسرویار
۴۱۹ ـ تأسیسات آبی	» مهندس عبدالله ریاضی
۴۲۰ ـ بیماریهای اعصاب (جلد نخست)	نگارش دکترصادق صبا
۴۲۱ ـ مکانیک عمومی (جلد دوم)	» دکترمحسن ریاضی

٣٤٤	ارادهٔ معطوف بقدرت (ترجمه)	ترجمه دکتر هوشیار
٣٤٥	دفتر دانش و ادب (جلد سوم)	مقالهٔ دکتر مهدوی
٣٤٦	حقوق مدنی (جلد اول تجدید چاپ)	تألیف دکتر امامی
٣٤٧	نمایشنامه لوسد	ترجمه دکتر سپهبدی
٣٤٨	آب شناسی هیدرولوژی	تألیف دکتر حمیدی
٣٤٩	روش شیمی تجربه (١)	» » فخرالدین خوشنویسان
٣٥٠	هندسهٔ رسمی	» » جمال عصار
٣٥١	اصول الصرف	» علی اکبر شهابی
٣٥٢	استخراج نفت (جلد اول)	» دکتر جلال الدین توانا
٣٥٣	سخنرانیهای پروفسور رنه وسان	ترجمه دکتر سیاسی-دکتر سمحور
٣٥٤	کورش کبیر	تألیف دکتر هادی هدایتی
٣٥٥	فرهنگ عماری فارسی فرانسه (جلد اول)	مهندس امیرجلال الدین عماری
٣٥٦	اقتصاد اجتماعی	دکتر سید شمس الدین جزایری
٣٥٧	بیولوژی (وراثت) (تجدید چاپ)	» حبیبی
٣٥٨	بیماریهای مغز و روان (٣)	» حسین رضاعی
٣٥٩	آئین دادرسی دراسلام (تجدید چاپ)	آقای محمد سنگلجی
٣٦٠	تقریرات اصول	» محمود شهابی
٣٦١	کالبد شکافی توصیفی (جلد ٤ - عصب شناسی اسب)	تألیف دکتر میربابایی
٣٦٢	الرسالة الکمالیه فی الحقایق الالهیه	» سرواری
٣٦٣	بی‌حسی های ناحیه‌ای در دندان پزشکی	» دکتر محمود مستوفی
٣٦٤	چشم و بیماریهای آن	تألیف دکتر باستان
٣٦٥	هندسهٔ تحلیلی	» » مصطفی کامکار پارسی
٣٦٦	شیمی آلی ترکیبات حلقوی (چاپ دوم)	» » ابوالحسن شیخ
٣٦٧	پزشکی عملی	» » ابوالقاسم نجم آبادی
٣٦٨	اصول آموزش و پرورش (چاپ سوم)	» » هوشیار
٣٦٩	پرتو اسلام	بقلم عباس خلیلی
٣٧٠	جراحی عملی دهان و دندان (جلد اول)	تألیف دکتر کاظم سمحور
٣٧١	درد شناسی دندان (١)	» » محمود سیاسی
٣٧٢	مجموعهٔ اصطلاحات علمی (قسمت دوم)	-
٣٧٣	تیره شناسی (جلد سوم)	» » احمد پارسا
٣٧٤	المعجم	تصحیح مدرس رضوی
٣٧٥	جواهر الآثار (ترجمه مثنوی)	بقلم عبدالعزیز صاحب الجواهر
٣٧٦	تاریخ دیپلوماسی عمومی	تألیف دکتر محسن عزیزی
٣٧٧	Textes Français	» بانو نعیمی
٣٧٨	شیمی فیزیک (جلد دوم)	» دکتر علی اکبر توسلی
٣٧٩	زیباشناسی	» آقای علینقی وزیری
٣٨٠	بیماریهای مشترک انسان و دام	» دکتر صمدی نژاد
٣٨١	فران تن و روان	» » نصیر
٣٨٢	بهبود نسل بشر	» » محمد علی مولوی

٤٦٢ ـ کلیات شمس تبریزی (جزء دوم)	تصحیح فروزانفر
٤٦٣ ـ ارتدسی (جلد اول)	نگارش دکتر ریاض
٤٦٤ ـ یادداشتهای قزوینی (جلد اول)	بکوشش ایرج افشار
٤٦٥ ـ فهرست پیشنهادی اسامی پرندگان ایران	« سایمون جرویس رید
٤٦٦ ـ تاریخ دیپلوماسی جلد اول	نگارش دکتر بینا
٤٦٧ ـ میودر ـ باتات الجنه	« محمدعلی گلریز
٤٦٨ ـ فلسفه عالی یا حکمت صدرالمتألهین	ترجمه جواد مصلح
٤٦٩ ـ کالبد شناسی انسانی (تنه)	نگارش منصور حکیم
٤٧٠ ـ شیمی آلی	« دکتر شیخ
٤٧١ ـ بابا افضل کاشی (جلد دوم)	« « مهدوی
٤٧٢ ـ تجزیه سنگهای معدنی	« مهندس محمدرضا صارحالی
٤٧٣ ـ اکوستیک	« دکتر اسمعیل بیگی
٤٧٤ ـ تاریخ دیپلوماسی عمومی (جلد دوم)	« « محسن عزیزی
٤٧٥ ـ راهنمای زبان اردو (جلد اول)	« « سید باحیدر شهریار
٤٧٦ ـ تشخیص جراحی‌های فوری شکم	« « امان‌الله ورزاده
٤٧٧ ـ اصول آمار و کلیات آمار اقتصادی (تجدید چاپ)	« « محسن صبا
٤٧٨ ـ جواهر الآثار در ترجمه مثنوی (جلد دوم)	« « جواهر کلام
٤٧٩ ـ لغات و اصطلاحات مثنوی (جلد اول)	« « گوهرین
٤٨٠ ـ تاریخ دامپزشکی (جلد اول)	« « ممیدی‌نژاد
٤٨١ ـ نشانه شناسی بیماریهای اعصاب	« « صادق صبا
٤٨٢ ـ حساب عددی ترسیمی	« مهندس ریاضی
٤٨٣ ـ شرح تبصره آیت‌الله علامه حلی جلد دوم (چاپ دوم)	« زین العابدین ذوالمجدین
٤٨٤ ـ ترمودینامیک، جلد اول (چاپ دوم)	« دکتر روشن
٤٨٥ ـ کتابشناسی فهرستهای نسخه‌های خطی فارسی	« ایرج افشار
٤٨٦ ـ واژه‌نامه فارسی (بخش ۴ معیار جمالی)	« دکتر صادق کیا
٤٨٧ ـ دیوان قصائد ـ هزار غزل ـ مقطعات	« تقی دانش
٤٨٨ ـ مکانیک عمومی (جلد اول)	« دکتر مجتبی ریاضی
٤٨٩ ـ میکرب‌شناسی و بیماری‌شناسی عمومی	« دکتر کاوه ـ دکتر احمد شمسی
٤٩٠ ـ حقوق جزائی (۱) (تجدید چاپ)	« « غلامحسین علی‌آبادی
٤٩١ ـ داروهای جالینوسی (۴) (تجدید چاپ)	« « صادق مقدم
٤٩١ ـ روش تدریس زبان انگلیسی در دبیرستان (تجدید چاپ)	« « بازارگادی
٤٩٣ ـ اندام‌شناسی اسب	« « محمود بردی‌زاده
٤٩٤ ـ شیمی آلی (جلد اول)	« « نادر شرمی
٤٩٥ ـ بیماریهای دندان	« « محمود سیاسی
٤٩٦ ـ راهنمای مذهب شافعی (جلد اول)	« حاج سید محمد شیخ‌الاسلام کردستانی
٤٩٧ ـ مفرد و جمع و معرفه و نکره	« دکتر محمد معین
٤٩٨ ـ بافت شناسی	« « ناصرالدین نامشاد (علوی)

۴۲۲ ـ صنایع شیمی معدنی (جلد اول)	» مهندس مرتضی قاسمی
۴۲۳ ـ مکانیک استدلالی	» پرفسور تقی فاطمی
۴۲۴ ـ تاریخ فرهنگ ایران	» دکتر عیسی صدیق
۴۲۵ ـ شرح تبصره آیة الله علامهٔ حلی (جلد دوم)	» زین العابدین ذوالمجدین
۴۲۶ ـ حکیم ازرقی هروی	تصحیح مرحوم علی عبدالرسولی
۴۲۷ ـ علوم عقلی	نگارش دکتر ذبیح الله صفا
۴۲۸ ـ شیمی آنالیتیک	» دکتر کاکیک
۴۲۹ ـ فیزیک الکتریسیته (جلد دوم)	» » روشن
۴۳۰ ـ کلیات شمس تبریزی	با تصحیحات وحواشی آقای فروزانفر
۴۳۱ ـ کانی شناسی (تحقیق درباره بعضی از کانهای جزیره هرمز)	نگارش دکتر عبدالکریم قریب
۴۳۲ ـ فرهنگ عماری فارسی بفرانسه (جلد پنجم)	» امیر جلال الدین عماری
۴۳۳ ـ ریاضیات در شیمی (جلد دوم)	» دکتر هورفر
۴۳۴ ـ تحقیق درفهم بشر	ترجمه دکتر رضازاده شفق
۴۳۵ ـ السعادة والاسعاد	تصحیح مجتبی مینوی
۴۳۶ ـ تاریخ فرهنگ اروپا	نگارش دکتر عیسی صدیق
۴۳۷ ـ نقشه برداری (جلد دوم)	» مهندس حسن شمسی
۴۳۸ ـ بیماریهای گیاه (تجدید چاپ)	» دکتر حسری
۴۳۹ ـ حقوق مدنی (جلد سوم)	» دکتر سیدحسن امامی
۴۴۰ ـ سخنرانیهای آقای انیس المقدسی (استاد دانشگاه امریکایی بیروت)	
۴۴۱ ـ دردشناسی دندان (جلد دوم)	نگارش دکتر محمود سیاسی
۴۴۲ ـ حقوق اساسی فرانسه	» » قاسم زاده
۴۴۳ ـ حقوق عمومی واداری	» » شایگان
۴۴۴ ـ پاتولوژی مقایسه‌ای (جلد سوم)	» » صمدی نژاد
۴۴۵ ـ شیمی عمومی معدنی فلزات	» » شیروانی
۴۴۶ ـ فسیل شناسی	» » فرشاد
۴۴۷ ـ فرهنگ عماری فارسی بفرانسه (جلد ششم)	نگارش امیرجلال الدین عماری
۴۴۸ ـ تحقیق درتاریخ قندسازی ایران	» مهندس ابرهیم ریاحی
۴۴۹ ـ مشخصات جغرافیای طبیعی ایران	» دکترحسن گل گلاب
۴۵۰ ـ جراحی فک وصورت (جلد دوم)	» » حسن مهدوی
۴۵۱ ـ تاریخ هرودت	» » هادی هدایتی
۴۵۲ ـ تاریخ دیپلماسی عمومی (چاپ دوم)	» » حسن ستوده تهرانی
۴۵۳ ـ سازمان فرهنگی ایران (تجدید چاپ)	» » علی کنی
۴۵۴ ـ مسائل گوناگون پزشکی	» » محمدعلی مولوی
۴۵۵ ـ فیزیک الکتریسته (جلد سوم)	» » روشن
۴۵۶ ـ جامعه شناسی یاعلم الاجتماع	» » یحیی مهدوی
۴۵۷ ـ اورمی	» » رفعت
۴۵۸ ـ بهداشت عمومی (پیش گیری بیماریهای واگیر)	نگارش دکتر اعتمادیان
۴۵۹ ـ تاریخ عقاید اقتصادی (چاپ دوم)	» مرحوم دکترحسن شهید نورایی
۴۶۰ ـ تبصره ودورسالهٔ دیگر درمنطق	بکوشش دانش پژوه
۴۶۱ ـ مسائل گوناگون پزشکی (جلد سوم)	نگارش دکتر مولوی

٤٩٩ ـ هیدرلیک (تجدید چاپ)	نگارش آقای مهندس ریاضی
٥٠٠ ـ مؤلفات ومصنفات رازی	« دکتر محمود نجم‌آبادی
٥٠١ ـ روشهای نوین سرم شناسی	« « نظری
٥٠٢ ـ شیمی آنالیتیک	« « حسین رادمرد
٥٠٣ ـ مکانیک سیالات	« « احمد وزیری
٥٠٤ ـ فلور ایران (جلد هفتم)	« « احمد پارسا
٥٠٥ ـ شیمی مختصر آلی	« « ترمس ،
٥٠٦ ـ راهنمای دانشگاه (انگلیسی)	ـ ـ
٥٠٧ ـ فرهنگ عماری (جلد هفتم)	« امیر جلال‌الدین غفاری
٥٠٨ ـ « « (جلد هشتم)	« « «
٥٠٩ ـ نام علمی گیاهان ـ واژه‌نامه گیاهی به انگلیسی ـ فرانسه ـ آلمانی ـ عربی ـ فارسی	« دکتر اسمعیل زاهدی
٥١٠ ـ بیوشیمی	« آقای دکتر گاگیک
٥١١ ـ سرطان شناسی (جلد دوم)	« « کمال آرمین
٥١٢ ـ مکانیک صنعتی (مقاومت مصالح)	« مهندس محمدی
٥١٣ ـ فرهنگنامه‌های عربی بفارسی	« علینقی منزوی
٥١٤ ـ وزن شعر فارسی	« دکتر پرویز ناتل خانلری
٥١٥ ـ سرزمین هند	« علی اصغر حکمت
٥١٦ ـ مقدمه روان‌شناسی (تجدید چاپ با اصلاحات)	« دکتر مهدی جلالی
٥١٧ ـ یادداشتهای قزوینی (جلد چهارم)	« ایرج افشار
٥١٨ ـ پزشکی قانونی	« آقای دکتر قاسمی
٥٨٩ ـ کلیات صنعت قندسازی	« « مهندس ابراهیم ناجی
٥٢٠ ـ وزارت درعهد سلاطین بزرگ سلجوقی	« مرحوم عباس اقبال